نویسنده: یووال نوح هراری

ترجمه • تنظیم • ویرایش: ع. کاظمی



انسان خردمند

تاریخی مصور



جلد اول: پیدایش انسان

دیوید وندرمیولن • دنیل کاساناوه



این ترجمه در کانال‌های تگرامی ذهن پویا / خوانش کتاب برای انسان خردمند منتشر شده و به‌صورت رایگان در دسترس عموم قرار داد.

 Dynamic_M1nd

 Homosapiensfa

به یاد مادربزرگ عزیزم

۱۳۲۵ - ۱۴۰۰

مترجم

جدول زمانی تاریخ

شمار سال‌های پیش	
۱۳.۸ میلیارد	پیدایش ماده و انرژی. شروع فیزیک. تشکیل اتم‌ها و مولکول‌ها. شروع شیمی.
۴.۲ میلیارد	تشکیل سیاره‌ی زمین.
۳.۸ میلیارد	ظهور موجودات زنده. شروع بیولوژی.
۶ میلیون	آخرین مادربزرگ مشترک انسان‌ها و شامپانزه‌ها.
۲.۵ میلیون	فرگشت یافتن انسان‌ها در آفریقا. اولین ابزار سنگی.
۲ میلیون	پخش شدن انسان‌ها از آفریقا به اوراسیا. انقلاب گونه‌های مختلف انسان.
۵۰۰,۰۰۰	فرگشت یافتن نئاندرتال‌ها در اروپا و خاورمیانه.
۳۰۰,۰۰۰	استفاده‌ی روزمره از آتش.
۲۰۰,۰۰۰	انسان خردمند در آفریقا فرگشت پیدا می‌کند.
۷۰,۰۰۰	انقلاب شناختی. ضرورت داستان‌گویی. شروع تاریخ. انسان‌های خردمند بیرون از آفریقا پخش می‌شوند.
۵۰,۰۰۰	اسکان انسان‌های خردمند در استرالیا. انقراض حیوانات بومی استرالیا.
۳۰,۰۰۰	انقراض نئاندرتال‌ها. انسان خردمند تنها بازمانده‌ی گونه‌ی انسان.


Dynamic_M1nd

۱۶,۰۰۰	اسکان انسان‌های خردمند در آمریکا. انقراض حیوانات بومی آمریکا.
۱۲,۰۰۰	انقلاب کشاورزی. اهلی کردن گیاهان و حیوانات.
۵,۰۰۰	اولین پادشاهی‌ها، خط و پول. ادیان چندخدایی.
۴,۲۵۰	اولین امپراطوری–امپراطوری اَکِدیان سارگون.
۲,۵۰۰	اختراع سکه–پولی جهانی. پادشاهی پارس–نظم سیاسی جهانی. بودیسم در هند–تعلیمی جهانی.
۲,۰۰۰	امپراطوری هان در چین. امپراطوری روم در مدیترانه. مسیحیت.
۱,۴۰۰	اسلام.
۵۰۰	انقلاب علمی. بشریت به جهل خود اعتراف می‌کند و شروع به به‌دست آوردن قدرتی بی‌سابقه می‌کند. اروپایی‌ها شروع به تسخیر آمریکا و اقیانوسیه می‌کنند. تمام سیاره به یک میدان مسابقه‌ی تاریخی تبدیل می‌شود. برخاستن نظام سرمایه‌داری.
۲۰۰	انقلاب صنعتی. دولت و بازار جایگزین خانواده و جامعه می‌شوند. انقراض بزرگ گیاهان و حیوانات.
زمان حال	انسان‌ها از مرزهای سیاره‌ی زمین فراتر می‌روند. سلاح‌های اتمی زندگی بشریت را تهدید می‌کنند. موجودات زنده به‌طور فزاینده‌ای توسط طراحی هوشمند شکل گرفته‌اند تا انتخاب طبیعی.
آینده	طراحی هوشمند به اصل اساسی زندگی تبدیل می‌شود؟ اولین شکل زندگی غیرآلی؟ انسان‌ها تبدیل به خدایان می‌شوند؟


Dynamic_M1nd

شورشی‌های
گرم‌دشت (ساوانا).



Dynamic_M1nd

حدود ۳۰۰,۰۰۰ سال بعد از پیدایششون، ماده و انرژی شروع به آمیختن کردن و به ساختارهای پیچیده‌ای که بهشون اتم می‌گیم تبدیل شدن.

سپس با ترکیب این اتم‌ها، مولکول‌ها به وجود اومدن..

به داستان اتم‌ها، مولکول‌ها و تاثیرات متقابل اون‌ها با همدیگه، شیمی گفته می‌شه.

Dynamic_M1nd

حدود چهار میلیارد سال قبل، در سیاره‌ای به نام زمین، مولکول‌های خاصی با هم ترکیب شدن تا ساختارهای بسیار پیچیده و خیلی بزرگتری رو ایجاد کنن که بهشون موجودات زنده گفته می‌شه.

به داستان این موجودات زنده زیست‌شناسی گفته می‌شه.

و سپس، حدود ۷۰,۰۰۰ سال قبل، نوع خاصی از موجودات زنده-انسان‌ها- شروع کردن به تشکیل ساختارهایی خیلی پیچیده‌تر، که فرهنگ گفته می‌شه.

به سیر تکاملی فرهنگ این انسان‌ها تاریخ گفته می‌شه.

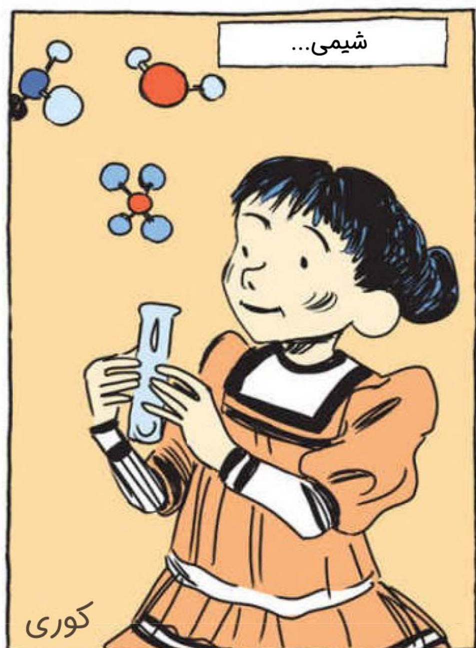


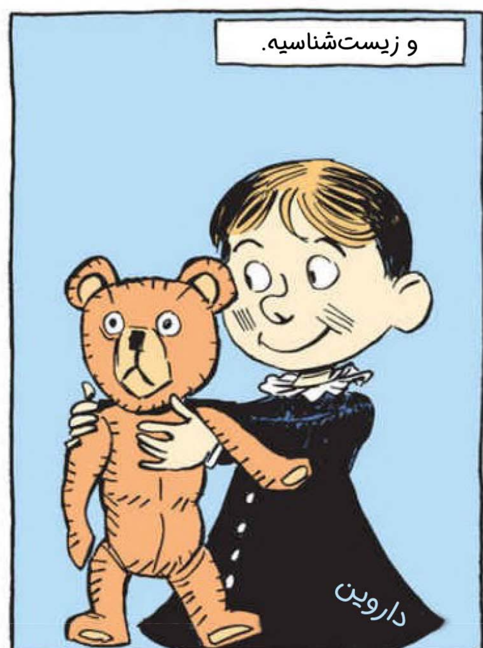
Dynamic_M1nd





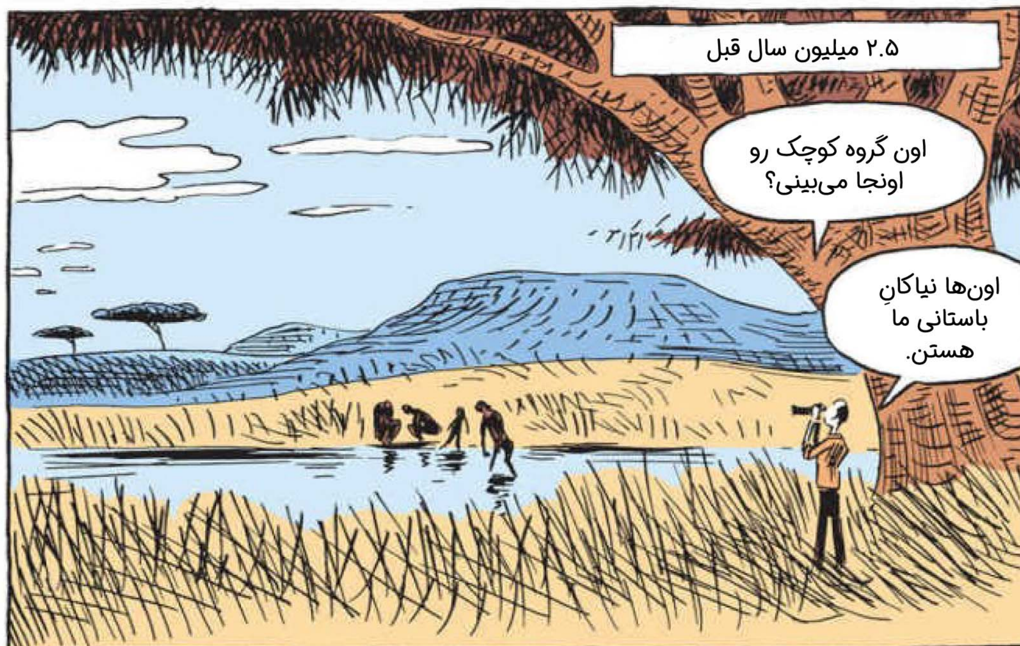


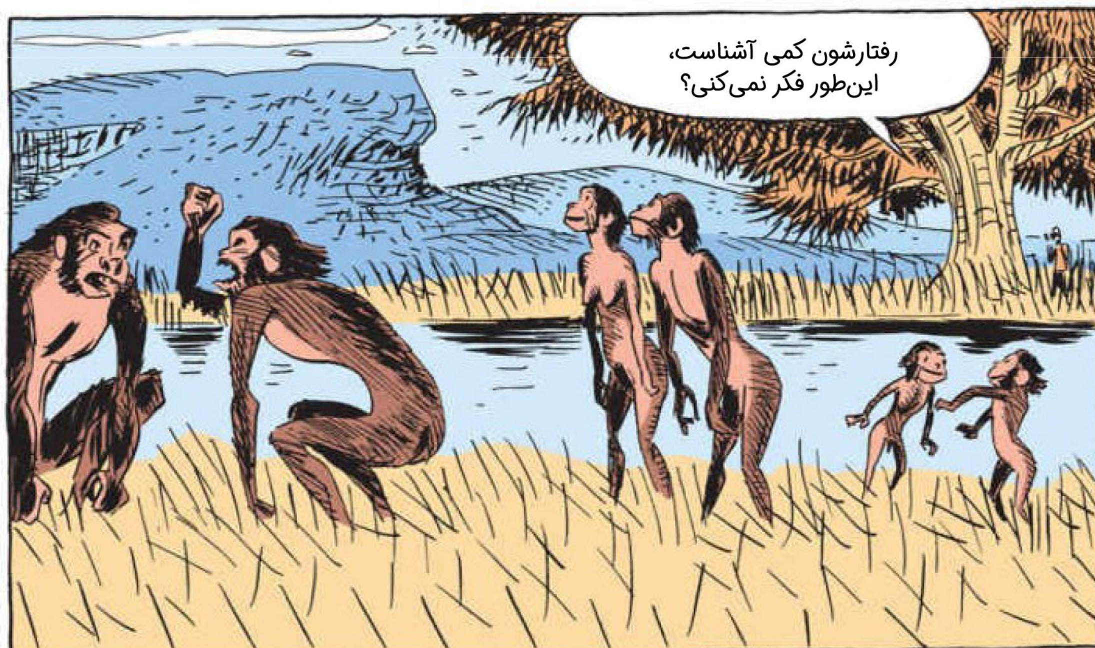


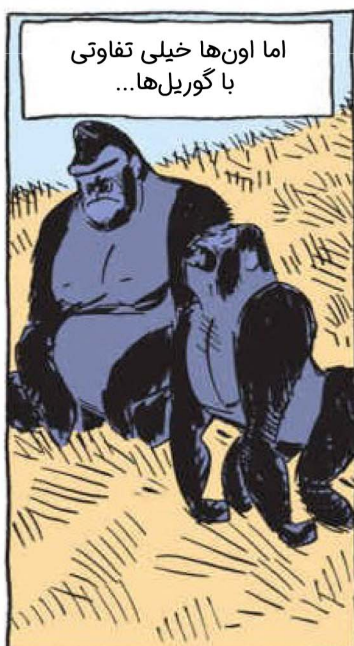


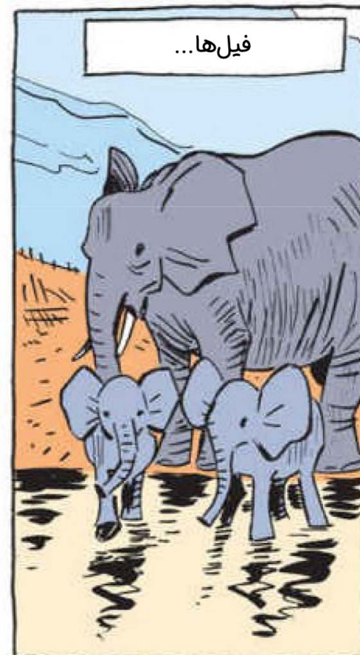


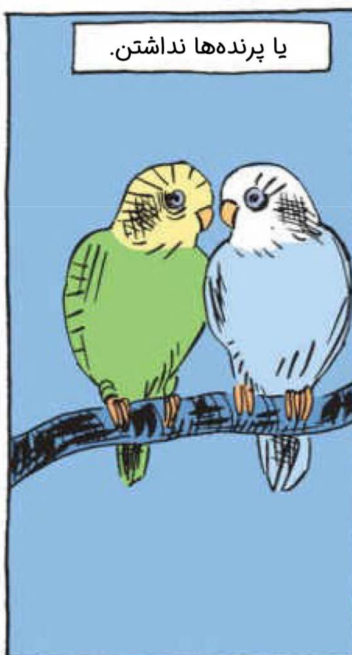

خیلی قبل‌تر از پیدایش تاریخ، انسان‌ها وجود داشتن. اولین انسان‌ها در شرقِ آفریقا فرگشت پیدا کردن.
آفریقا


۲.۵ میلیون سال قبل
اون گروه کوچک رو اونجا می‌بینی؟
اون‌ها نیاکانِ باستانی ما هستن.


رفتارشون کمی آشناست، این‌طور فکر نمی‌کنی؟

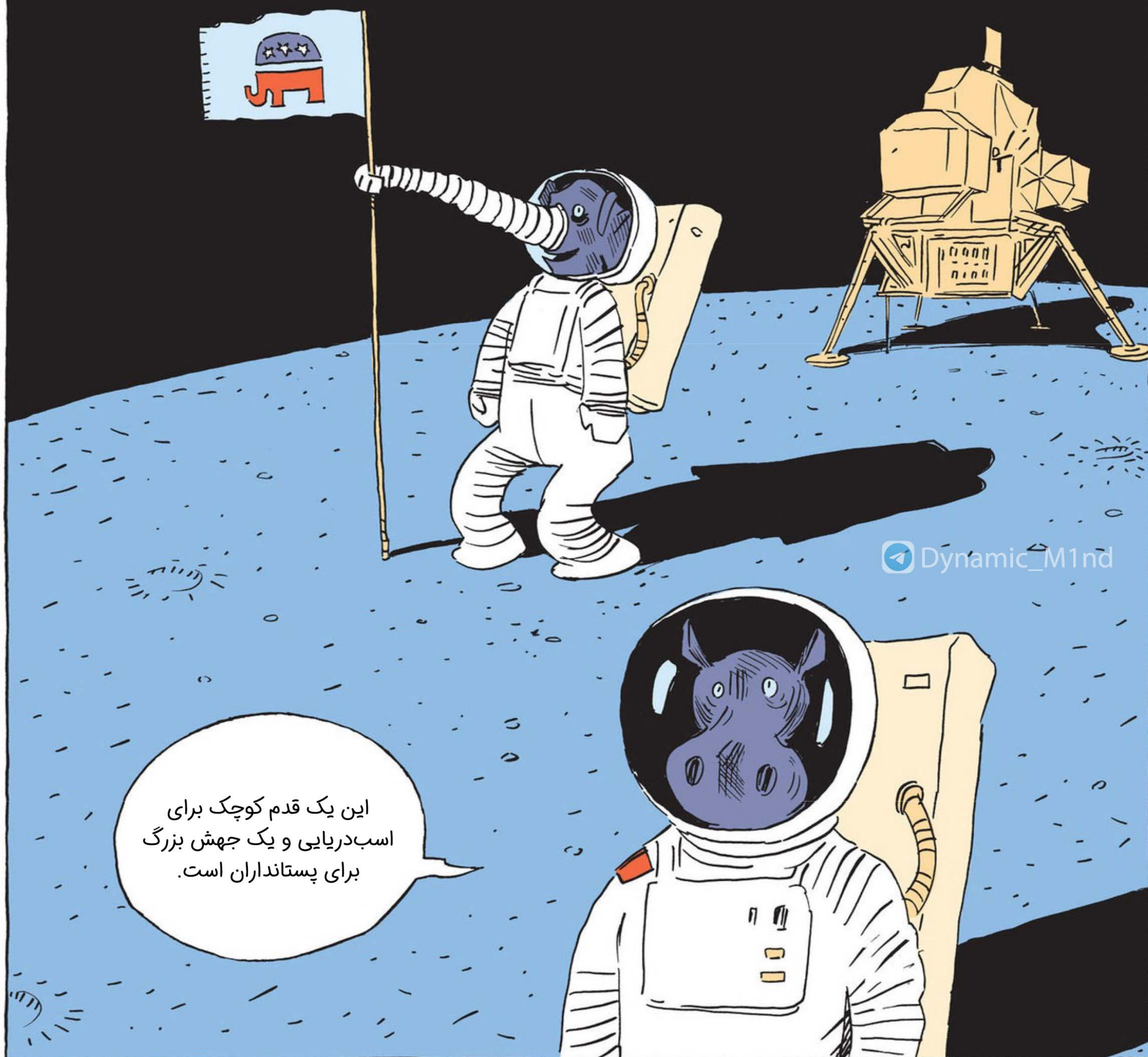

اما اون‌ها خیلی تفاوتی با گوریل‌ها...


فیل‌ها...


یا پرنده‌ها نداشتن.


حقیقت اینه که هیچ چیز خاصی راجع‌به این انسان‌های اولیه وجود نداشته. اون‌ها هنوز حیوانات عادی‌ای بودن که روی محیط اطرافشون هیچ تأثیر بیشتری از بابون‌ها، کرم شب‌تاب یا عروس‌دریایی نمی‌ذاشتن و هیچ نشونه‌ای هم نبود از اینکه اون‌ها روزی تمایل به تسخیر و دگرگونی کل دنیا داشته باشن...

این کتاب به شما توضیح می‌ده که
چرا چیزها طوری‌که بودن، پیش نرفتن...



Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd

در حقیقت، تا حدود ۵۰٫۰۰۰ سال قبل، سیاره‌ی ما خانه‌ی حداقل شش گونه‌ی مختلف از انسان‌ها بود. جزیره‌ای لیلیپات‌طور که کوتوله‌ها ساکنش بودن...

دینگ دینگ!

کی می‌تونه باشه؟

ببخشید! یکی پشتِ در هستش.

سلام دایی یووال!

زویی! به موقع رسیدی! یک چیزی هست که باید نشونت بدم.

بازی کارتیه؟

به نظر جالبه ! میشه بازی کنیم؟

بله که می‌تونیم!

صبر کن، عاشقش میشی!

انسان تباران

هومو نئاندرتالنسیس
معروف به: انسان نئاندرتال



خانواده‌ی انسان در ۵۰٬۰۰۰ سال پیش

+6 | +3 | +4 | +6 | −1

مکان: اروپا و آسیای غربی

بقا: ۳۰۰٬۰۰۰- تا ۳۰٬۰۰۰-

مشخصات: مغز خیلی بزرگ، بدن عضلانی

توانایی: مقومت در برابر آب‌وهوای عصر یخبندان، مراقبت از بیماران و سال‌خوردگان

نقطه‌ضعف: افتضاح در برقراری ارتباط اجتماعی، جوک‌های کارتونی مورد علاقه‌ی مردم.

هومو ارکتوس
معروف به: انسان راست‌قامت



خانواده‌ی انسان در ۵۰٬۰۰۰ سال پیش

+5 | +7 | +8 | +4 | +1

مکان: سرتاسر آسیا

بقا: ۵- میلیون تا ۵۰٬۰۰۰-

مشخصات: طولانی‌ترین بقا در گونه‌های انسان

توانایی: اولین در استفاده از آتش و ساخت سلاح‌های شکاری...

نقطه‌ضعف: ساخت سلاح‌های یکسان برای صدها هزار سال

هومو لوزوننسیس
معروف به: انسان جزیره‌ی لوزون



خانواده‌ی انسان در ۵۰٬۰۰۰ سال پیش

+1 | +5 | +1 | +6 | -2

مکان: لوزون، فیلیپین

بقا: ۷۰۰٬۰۰۰- تا ۵۰٬۰۰۰-

مشخصات: بچه محل‌های جدیِد، کشف شده در سال ۲۰۱۹

ایی: سازگار شده با جنگل‌های استوایی

ضعف: نداشتن روابط اجتماعی

هومو دنیسووا
معروف به: دنیسووایی‌ها



خانواده‌ی انسان در ۵۰٬۰۰۰ سال پیش

+3 | +2 | +2 | +5 | −1

مکان: سیبری، آسیای شرقی

بقا: ۳۰۰٬۰۰۰- تا ۵۰٬۰۰۰-

مشخصات: انسان مرموز. در اصل فقط از انگشت‌های فسیلی تشخیص هویت داده شدن.

توانایی: خیلی خوش‌مشرب. خوابیدن با انسان‌های خردمند و نئاندرتال‌ها

نقطه‌ضعف: کنجکاوی خیلی زیاد

هومو فلورسینسیس
معروف به: انسان فلورسی، هابیت



خانواده‌ی انسان در ۵۰٬۰۰۰ سال پیش

+1 | +3 | +2 | +4 | +1

مکان: جزیره‌ی فلورس، اندونزی

بقا: ۸۰۰٬۰۰۰- تا ۵۰٬۰۰۰-

مشخصات: گونه‌ی کوتوله. قد تقریباً 1 متر و وزن 25 کیلوگرم.

توانایی: شکار فیل‌های کوتوله و مارمولک‌های غول‌پیکر جزیره.

نقطه‌ضعف: بیشتر در خانه بودند. هیچ‌وقت از جزیره بیرون نرفتند.

هومو سپیئنس
معروف به: انسان خردمند



خانواده‌ی انسان در ۵۰٬۰۰۰ سال پیش

+10 | +4 | +0 | +10 | −3

مکان: همه‌جا، حتی روی ماه

بقا: ۳۰۰٬۰۰۰- تا همین الان. شاید تا ۲۱۰۰ بمیرد

مشخصات: فکر می‌کنن از بقیه باهوش‌تر هستن.

توانایی: در ساخت ابزار خوب است. از مسواک تا موشک‌های هسته‌ای بین قاره‌ای.

نقطه‌ضعف: غرور سترگ. اغلب خوشحال از باور به خرافات.

Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd




عصر بخیر، پروفسور ساراسواتی امیدوارم که مزاحمتون نشده باشیم؟
درود یووال! نه اصلاً، دارم میرم سرِ کلاس درس، اگر خواستی میتونی بیای.
Dynamic_M1nd


خب، کجا گذاشتم فلشم رو؟
اوه! اینجاست!


کلاس درباره‌ی چی هستش؟
درباره‌ی طبقه‌بندی حیواناته– همونی که می‌خواستیم.
لینه
لامارک
کوویئر
داروین

در زیست‌شناسی، موجودات زنده رو بر اساس گونه طبقه‌بندی می‌کنیم.
هه! هه!
هه! هه!
هه! هه!
هه! هه!
هه! هه!
هه! هه!
میتونه یکی بگه که به چی می‌خندید؟


وای! فکر کنم اسلاید رو اشتباه آوردم!
فکر می‌کردم چکشون کردم... عکس‌های تعطیلات تابستونیم نباید در این فایل باشه.
عجب! همشون قاطی شدن!
عیبی نداره. اتفاقاً از این عکس میشه استفاده کرد.
بذارید چند تا نکته رو روی تخته بنویسم.


این منم به همراه سگم کی‌کی، که در این عکس تولدشه.
من
تیره: همونید
جنس: انسان
گونه: خردمند
کی‌کی
تیره: کنیدس
جنس: جنسِ سگ
گونه: جنسِ سگ
خانواده‌ی (سگ‌ها)


طبقه‌بندی حیوانات کار پیچیده‌ایه. علاوه بر گونه، تیره و سرده، شما باید تیره‌ی فرعی، راسته‌ی فرعی، رده و شاخه رو در نظر بگیرین، همچنین باید سروکار داشته باشین با زادآوری بین دو گونه، زیرگونه‌ها، گونه‌های خرد، گونه‌های حلقه‌ای... و فراموش نکنین
پدیده‌هایی گیج‌کننده مثل فرگشتِ هم‌گرا، تقلید، ویژگیِ ریختیِ نزدیک به‌هم رو... در مورد انسان خردمند و سگ‌ها، بدیهیِ که دو گونه‌ی متفاوتن، اما سگ‌ها و گرگ‌های خاکستری چطور؟ چون سگ‌ها و گرگ‌ها می‌تونن باهم جفت‌گیری کنن، بعضی دانشمندها اون‌ها رو در یک گونه طبقه‌بندی می‌کنن و بهشون گونه‌ی سگ-گرگ میگن. بقیه‌ی دانشمندها مخالفن، بحثشون اینه که برای تعریف مرز بین گونه‌های مربوط به‌هم، معیار واقعی جفت‌گیریِ بین گونه‌ای نیست، بلکه شمارشِ مهاجرتِ ژن‌هاست...
Dynamic_M1nd


من که واقعاً نتونستم چیزی بفهمم. علم خیلی پیچیده هست...
قطعاً همین‌طوره! منم گیج شدم...


ببخشید پروفسور، میشه کمی ساده‌تر بگید که یک تاریخ‌دان هم بتونه بفهمه؟ می‌تونه به بقیه هم کمک کنه مثل خواهرزاده‌ی من...
اوه، عذر می‌خوام! یادم رفته بود شما رو. حتماً، سعی خودم رو می‌کنم تا ساده‌ترش کنم.

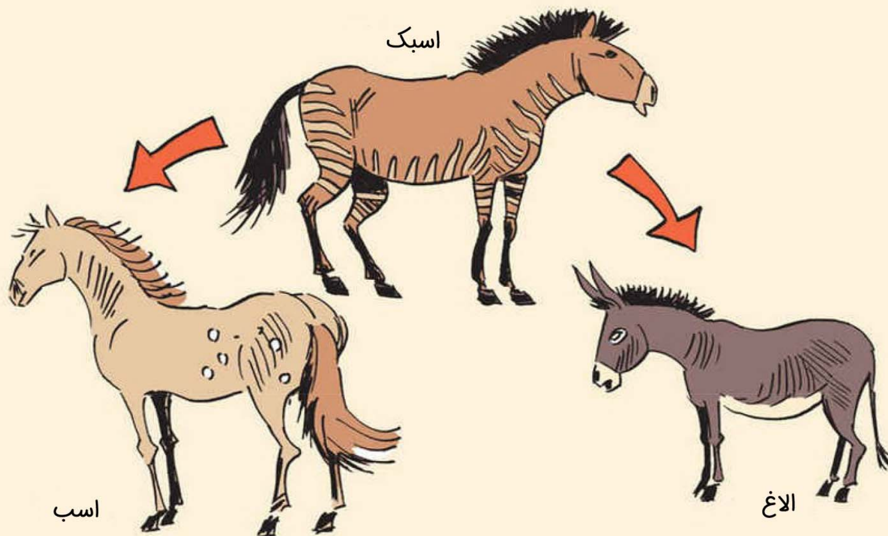

الان به بعضی از جواب‌هامون می‌رسیم!

خب، همون‌طور که داشتم می‌گفتم...
جز این حقیقت که هر دوتامون پستانداریم، همه می‌تونن بفهمن که من و کی‌کی با هم متفاوتیم.

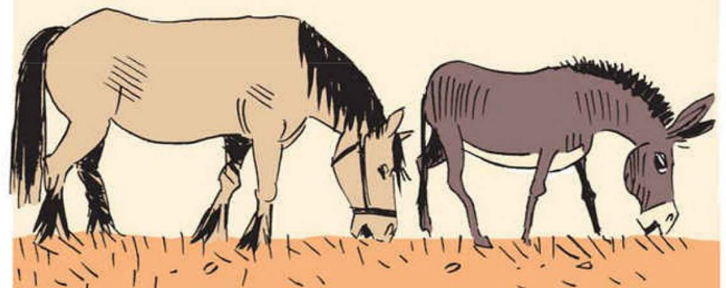
ما از یک گونه نیستیم.
ما حتی از یک تیره هم نیستیم.



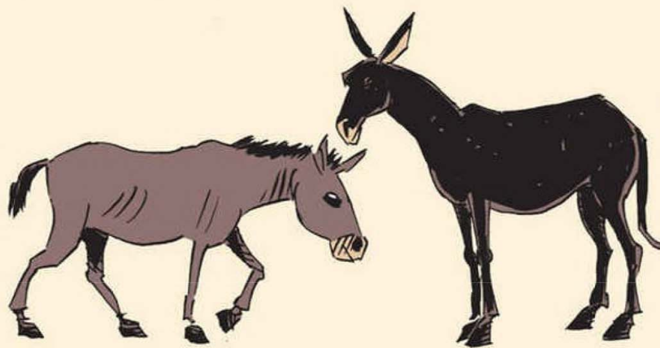
از طرف دیگه، این الاغ و این اسب اشتراکات زیادی در مشخصاتشون دارن.
در حقیقت، اون‌ها یک نیای مشترک دارن، اسبک.



حیواناتی به یک گونه تعلق دارن که تمایل به جفت‌شدن داشته و فرزندای زادآور (فرزندایی که بتونن بچه‌دار بشن) بیارن. اما این مادیان و الاغ به‌نظر نمیاد که تمایلی به‌هم داشته باشن.



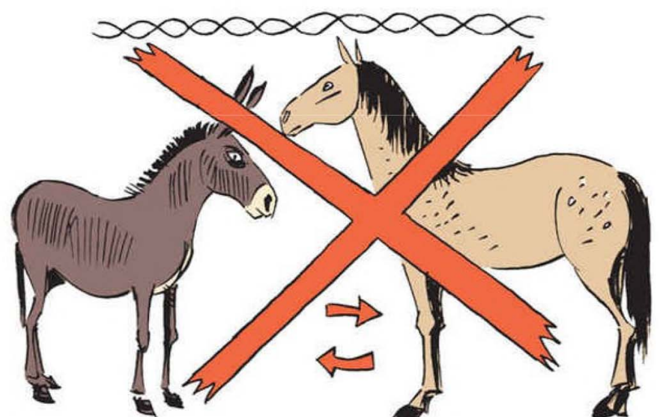
اگر اون‌ها رو وادار کنید جفت‌گیری می‌کنن، ولی بچه‌هاشون قاطر و یابو می‌شن که نازا هستن.



قاطر: حاصل جفت‌گیری الاغ نر و مادیان

یابو: حاصل جفت‌گیری اسب نر و الاغ ماده.

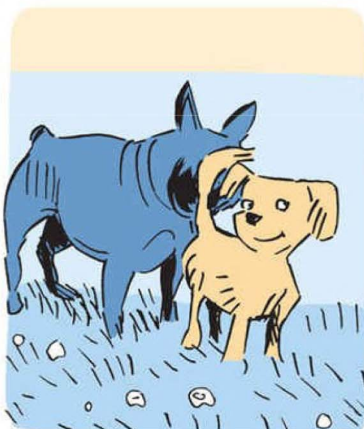
این به معنیه اینه که جهش‌های دی‌ان‌ای الاغ نمی‌تونه منتقل بشه به اسب، یا برعکس. پس این دو حیوان دو گونه‌ی متفاوت در نظر گرفته می‌شن که در سیر فرگشتی جدا از هم هستن. هر چقدر جهش‌های بیشتری رخ میده، اون‌ها تفاوتشون بیشتر میشه.



اوه! بازم کی‌کی-یک اشتباهِ لپیِ دیگه... اما این درست چیزیه که نیاز داشتیم!

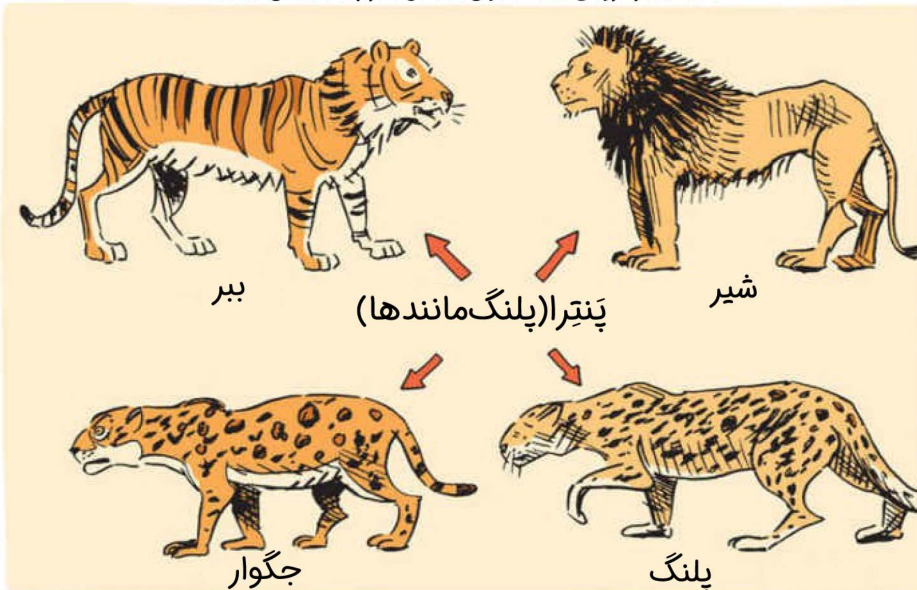

Dynamic_M1nd

ببنید چقدر کی‌کی و این بولداگ با هم متفاوتن. با این‌حال عضو یک گونه هستن و خزانه‌ی ژنی مشترکی دارن.





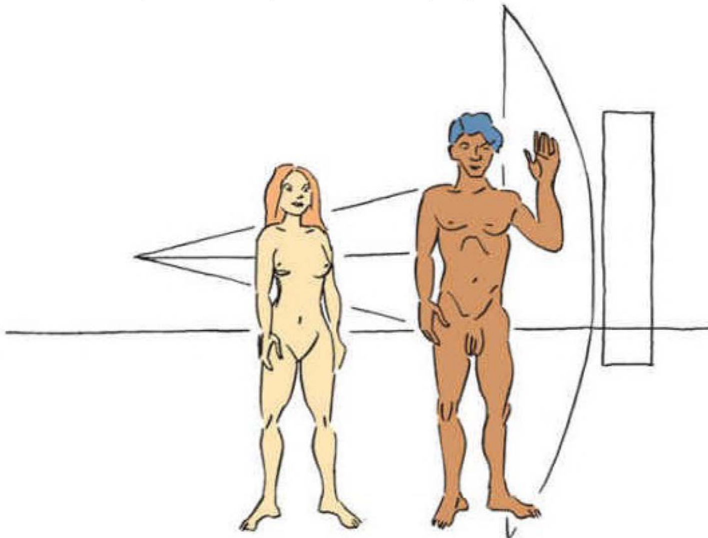
گونه‌هایی که خیلی به‌هم مرتبط هستن و از نیای مشترکی فرگشت پیدا کردن،
در گروهی تحت عنوان «جنس» قرار داده شدن.



ما زیست‌شناس‌ها موجودات زنده را با نام‌های لاتینِ
دو قسمتی نام‌گذاری می‌کنیم. اولی جنس، دومی
هم گونه. مثلاً شیرها را پانتِرا لئو می‌نامیم.
لئو از گونه و پانتِرا از جنس.



تمام افراد این کلاس انسان هومو سپیئنس هستن:
ما از جنس هومو، یعنی «انسان» و
گونه‌ی سپیئنس یعنی «خردمند» هستیم.





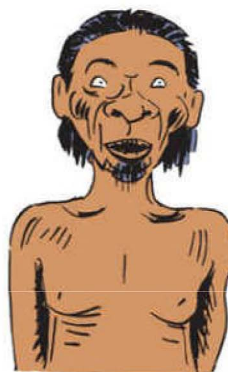
Dynamic_M1nd



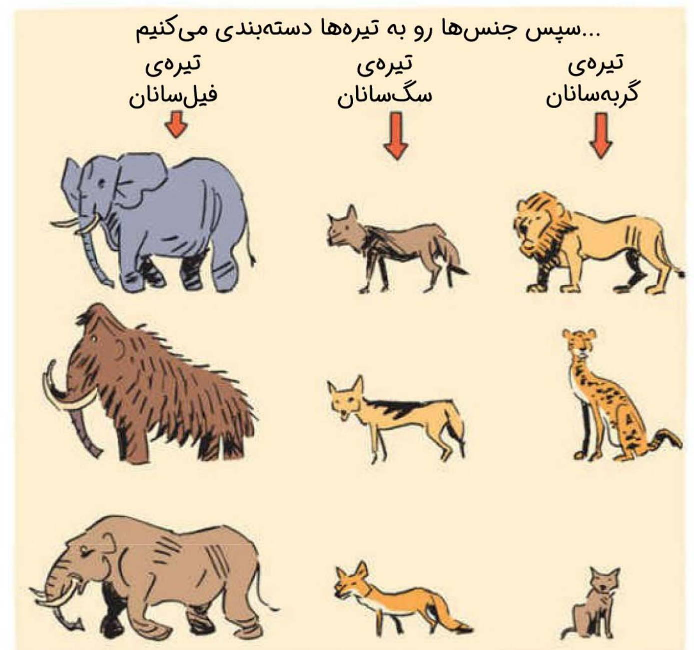
امروز، یک مرد آلمانیِ سفیدپوستِ مسیحی می‌تونه با یک زن فرانسویِ سیاه‌پوستِ مسلمان رابطه‌ی جنسی داشته باشه و بچه‌هایی به دنیا بیارن که کدهای ژنتیکیِ ترکیب‌شده‌ی خودشون رو به نسل‌های بعدیشون منتقل کنن.



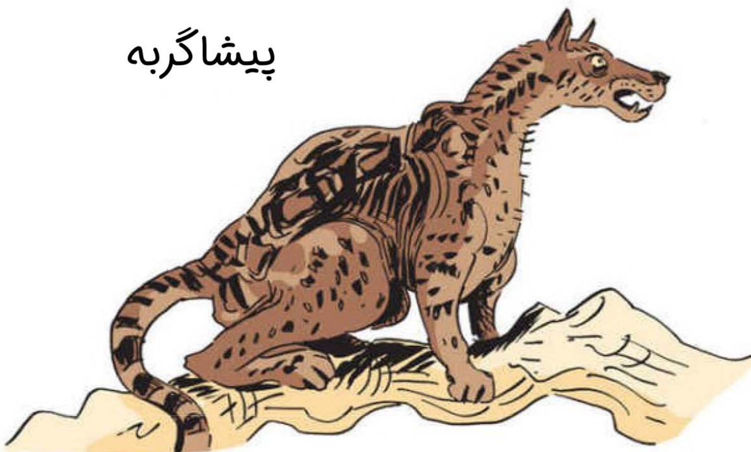
ما الان تنها گونه‌ی باقیمانده از جنس انسانیم. اما روزگاری، گونه‌های دیگه‌ای هم بودن، مثل انسان فلورسیِ کوتوله که معنی اسمشون میشه «انسانی از جزیره‌ی فلورس».





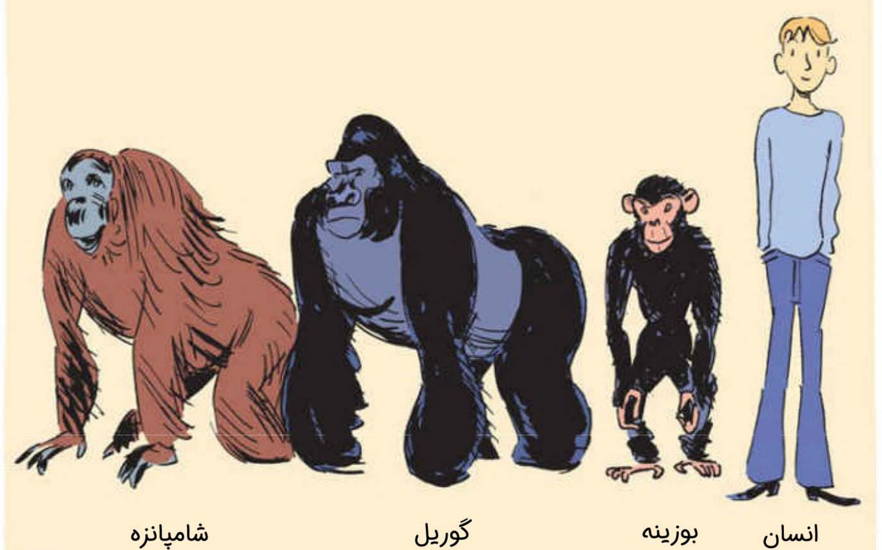


تمام اعضای یک تیره‌ی خاص می‌تونن رد نیاکان خودشون رو تا یک پدر یا مادر مشترک دنبال کنن.



برای مثال، گربه‌ی خانگی و شیر یک نیای مشترک دارن-(پولایرولوس) پیشاگربه-که حدود ۲۵میلیون سال پیش زندگی می‌کرده.

انسان‌ها هم به یک تیره تعلق دارن-تیره‌ی گِپی‌های بزرگ.



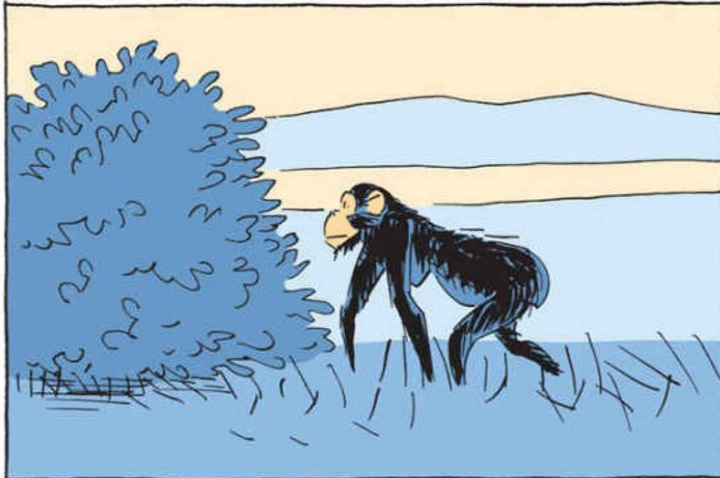


Dynamic_M1nd

















Dynamic_M1nd

فصل ۶

آنچه گذشت، در

فصل ۱

موجودات زنده‌ی چندسلولی برای اولین باررابطه‌ی جنسی رو اختراع کردن!

اون بوس اولمون فراموش‌نشدنی بود!

فرگشت!

باشکوه‌ترین نمایش روی زمین!

آنچه گذشت، در

فصل ۳

منقرض شدن دایناسورها!

همه فکر می‌کردن که رکس می‌تونه در این فصل مسابقات رو بترکونه! هیچ‌کسی فکرش رو هم نمی‌کرد اون شهاب‌سنگ بخوره به زمین، مگه نه؟

حدس بزن چی شده؟ من برنده شدم!



قسمت اول از حیاط خونتون یعنی شرق آفریقا شروع میشه.







Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd









چه کسی برنده‌ی

فصل ششم

از

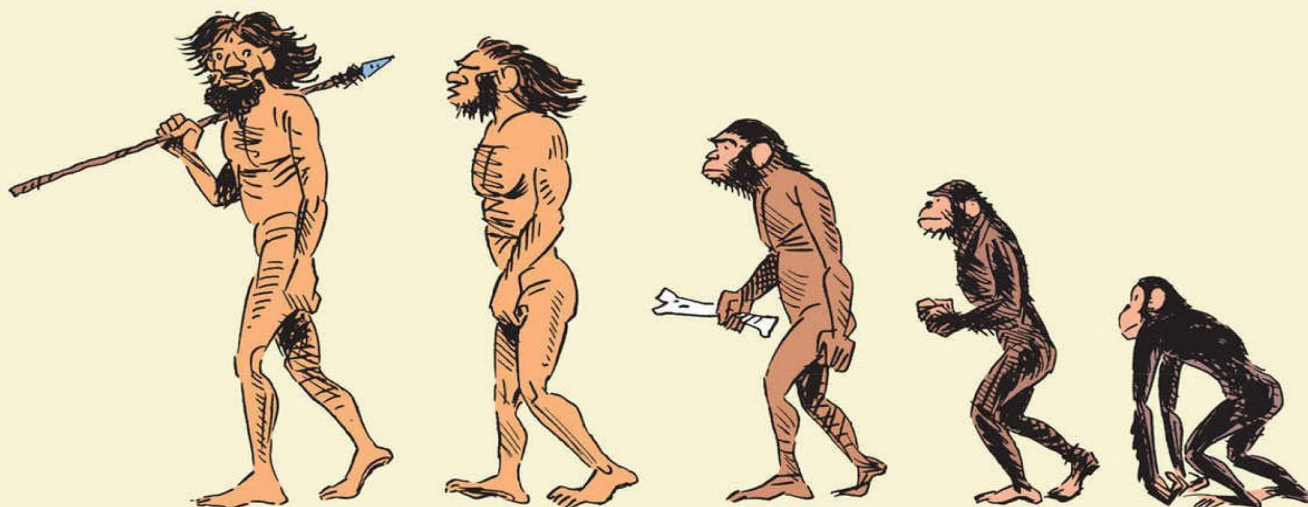
فرگشت میشه!

باشکوه‌ترین
نمایش روی زمین!

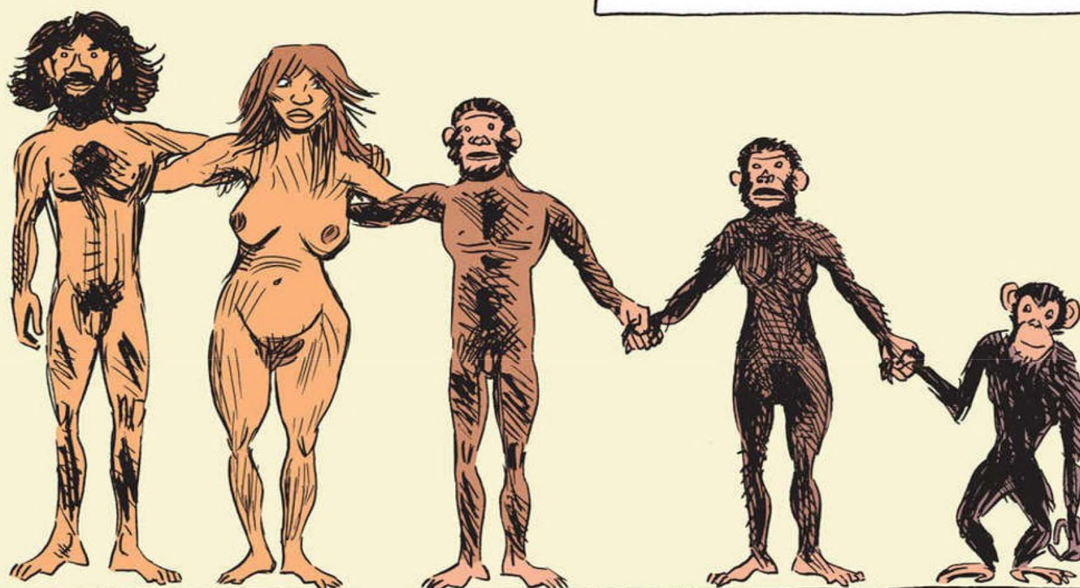




این عکس معروف، خیلی گمراه کننده هستش. طوری نشون میده که انگار در هر زمان فقط یک گونه از انسان‌ها زندگی می‌کردن.



این می‌تونه به واقعیت نزدیک‌تر باشه

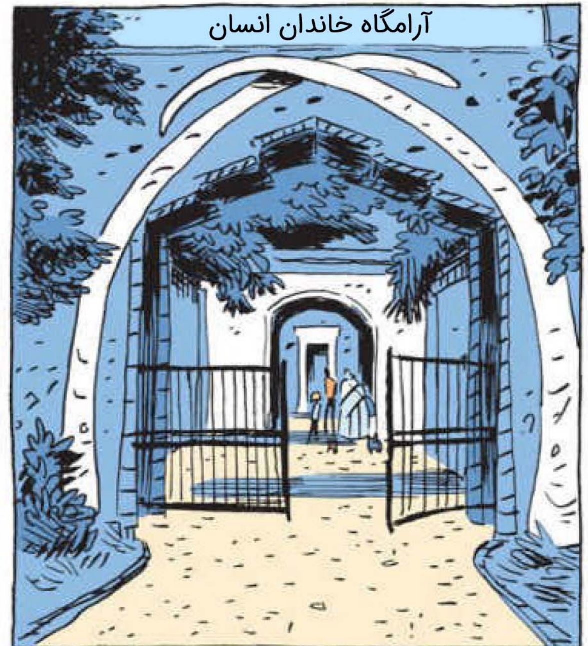


پس چه‌طور شد که فقط یک گونه از انسان‌ها الان زندگی می‌کنن؟

خیلی عجیبه... شاید هم مشکوک باشه. ما انسان‌های خردمند با این موضوع که تنها گونه‌ی باقیمانده هستیم،خیلی راحتیم...

شاید دلایل خوبی داریم که خاطرات برادرها و خواهرهامون رو سرکوب کنیم.

Dynamic_M1nd



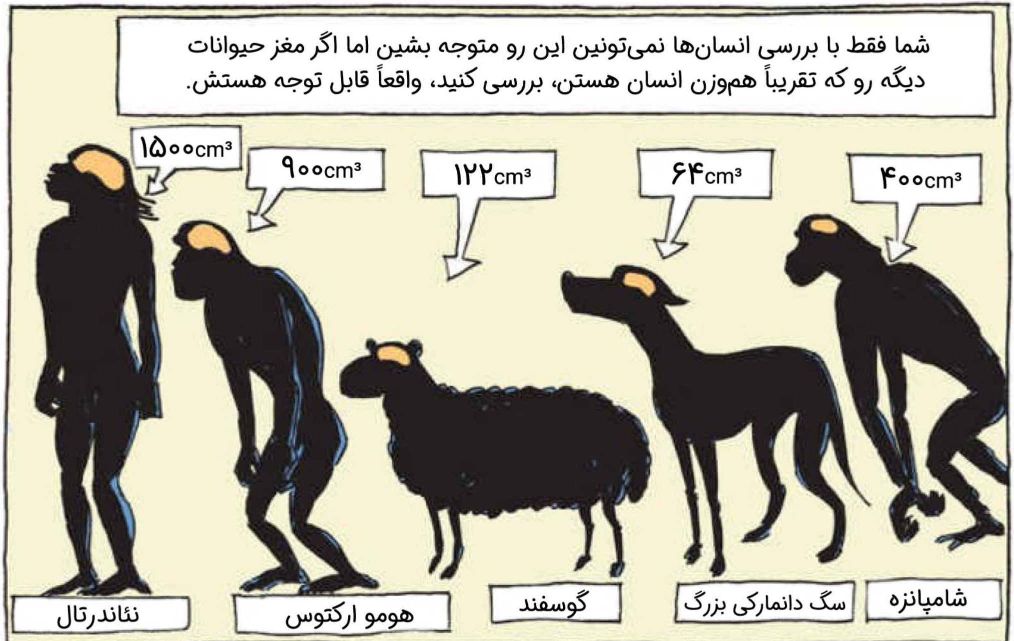

Dynamic_M1nd










شما فقط با بررسی انسان‌ها نمی‌تونین این رو متوجه بشین اما اگر مغز حیوانات دیگه رو که تقریباً هم‌وزن انسان هستن، بررسی کنید، واقعاً قابل توجه هستش.
۴۰۰cm³
۶۴cm³
۱۲۲cm³
۹۰۰cm³
۱۵۰۰cm³
شامپانزه
سگ دانمارکی بزرگ
گوسفند
هومو ارکتوس
نئاندرتال


مغز انسان‌های خردمندِ مدرن هم خیلی چشمگیره: ۱۳۰۰cm³
معلومه، چون ما رفته رفته باهوش‌تر و باهوش‌تر می‌شیم، درسته؟


تا حدی درسته. نئاندرتال‌های باستانی مغزهای بزرگ‌تری از ما داشتن. میانگین اندازه‌ی مغزشون ۱۵۰۰cm³ بود.
و اگر مغزهای بزرگ یک پیشرفت عادی هستش، پس چه‌طور شده که بقیه حیوانات این‌طور فرگشت پیدا نکردن!
بله، چه‌طور شده؟ من که فکر می‌کنم داشتن مغز بزرگ ایده‌ی خوبی باشه...

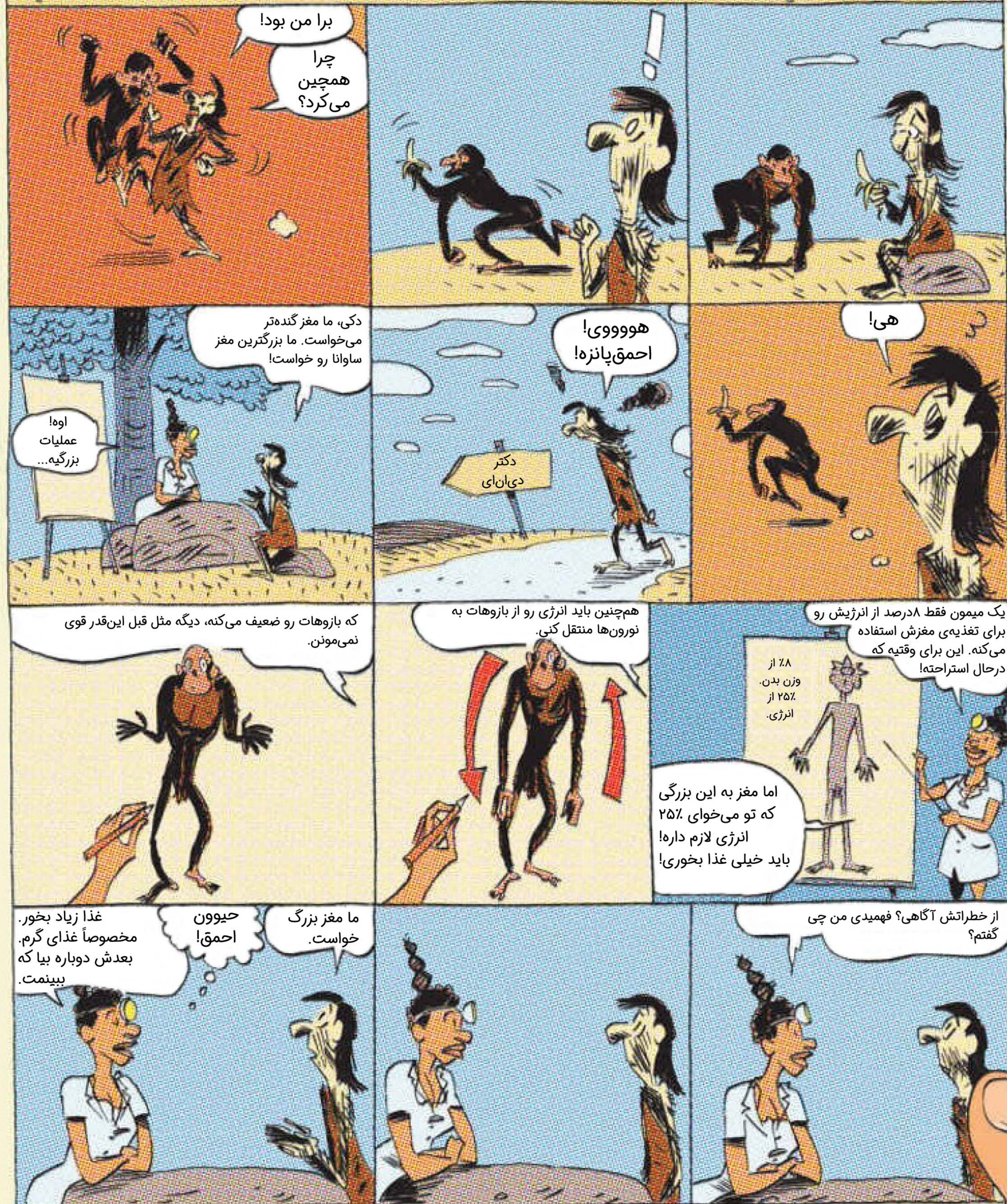

حتماً این‌طوره، اما مغز بزرگ، جمجمه‌ی بزرگ هم می‌خواد! و جابه‌جایی سر بزرگ اصلاً راحت نیست!
Dynamic_M1nd


همچنین، مغز بزرگ به انرژی زیادی نیاز داره... باید هر روز تغذیه بشه!
فایده‌اش چیه؟ برای چی مغزِ بزرگ؟ ما واقعاً نمی‌دونیم چرا...
با عقل جور درمیاد که ما الان در شهرهای مدرن زندگی کنیم اما در دشت‌ها و زمین‌های هموار چی؟


یک داستان در کامیک من هست که دقیقاً همین رو می‌گه!
بیل ماقبل تاریخ

بیل ماقبل تاریخ

Dynamic_M1nd



فکر کردن مجانی نیست!



Dynamic_M1nd

Dynamic_M1nd





















Dynamic_M1nd



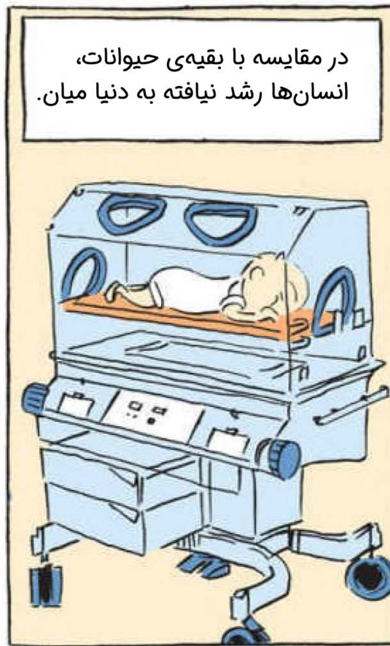




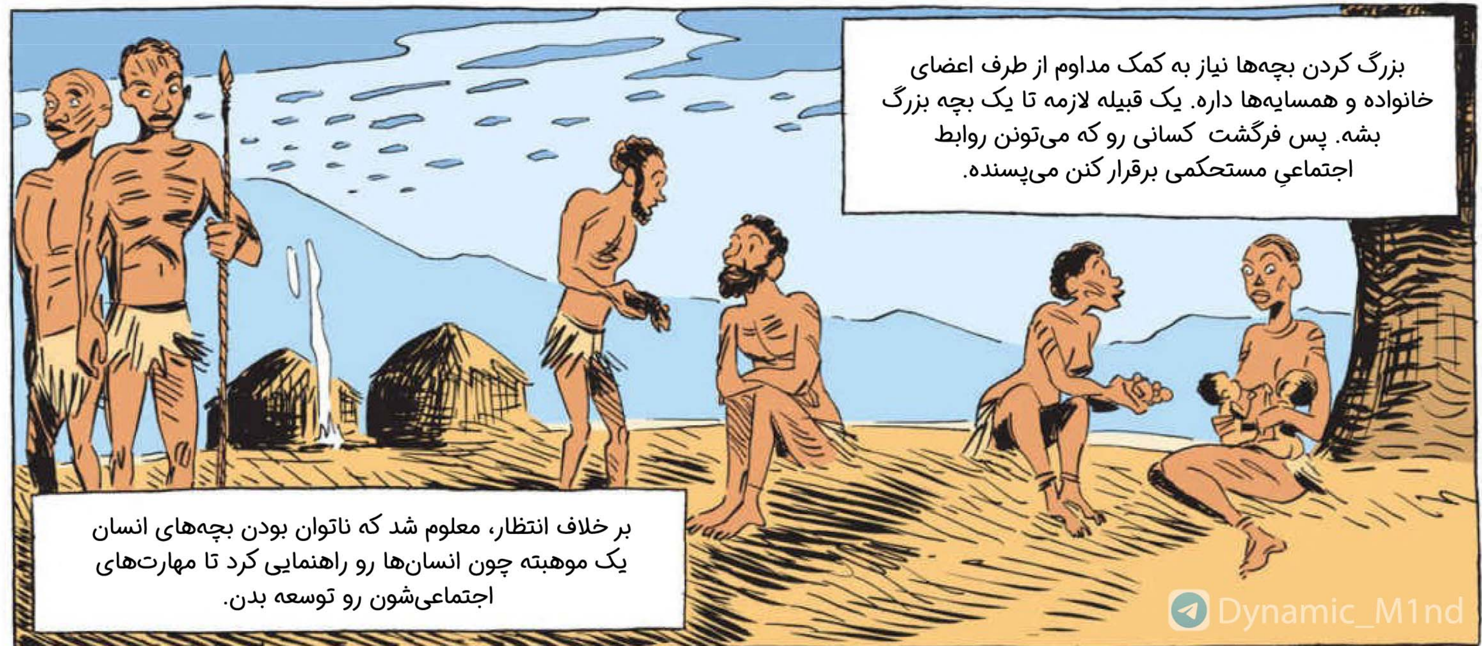




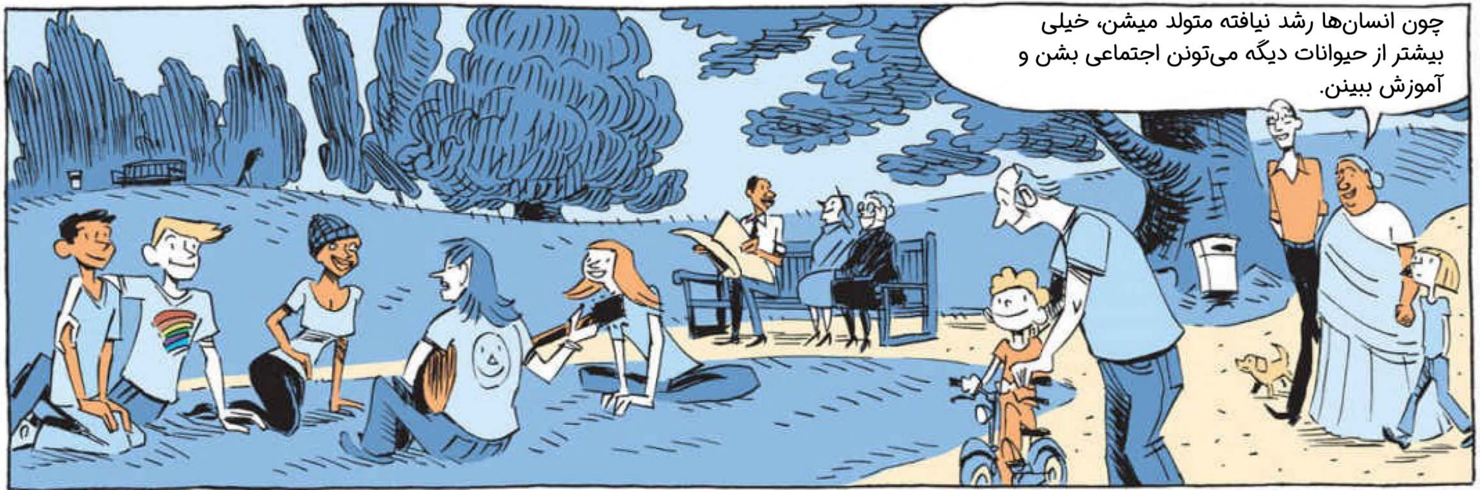


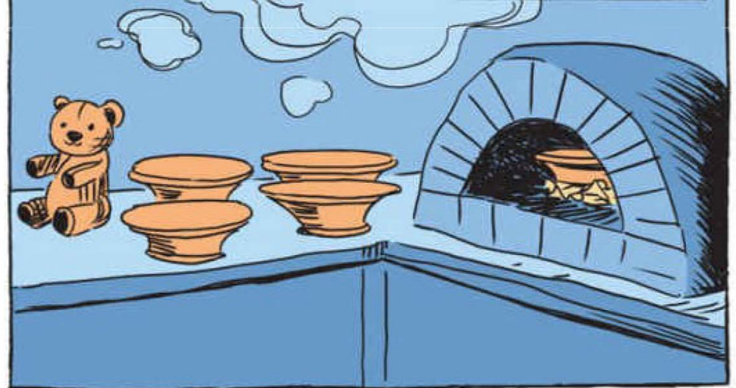






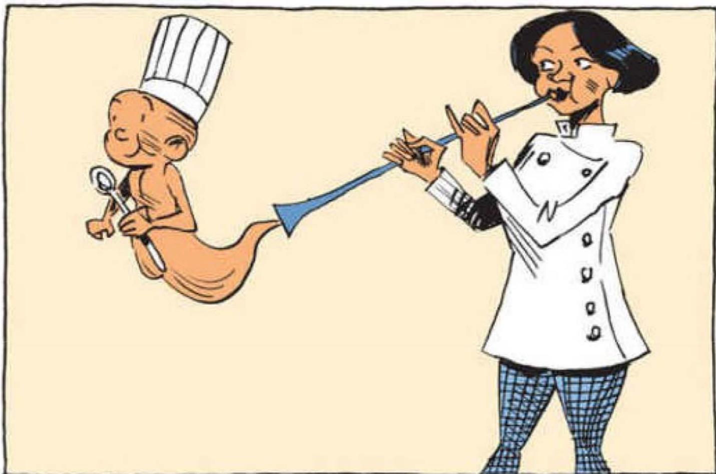
Dynamic_M1nd

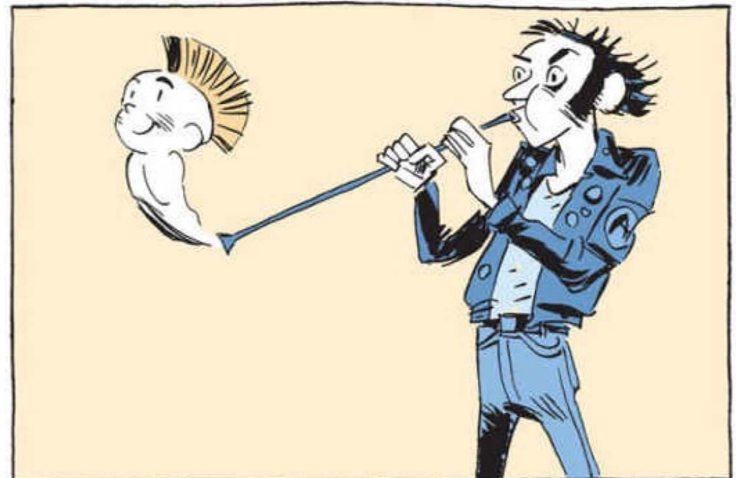








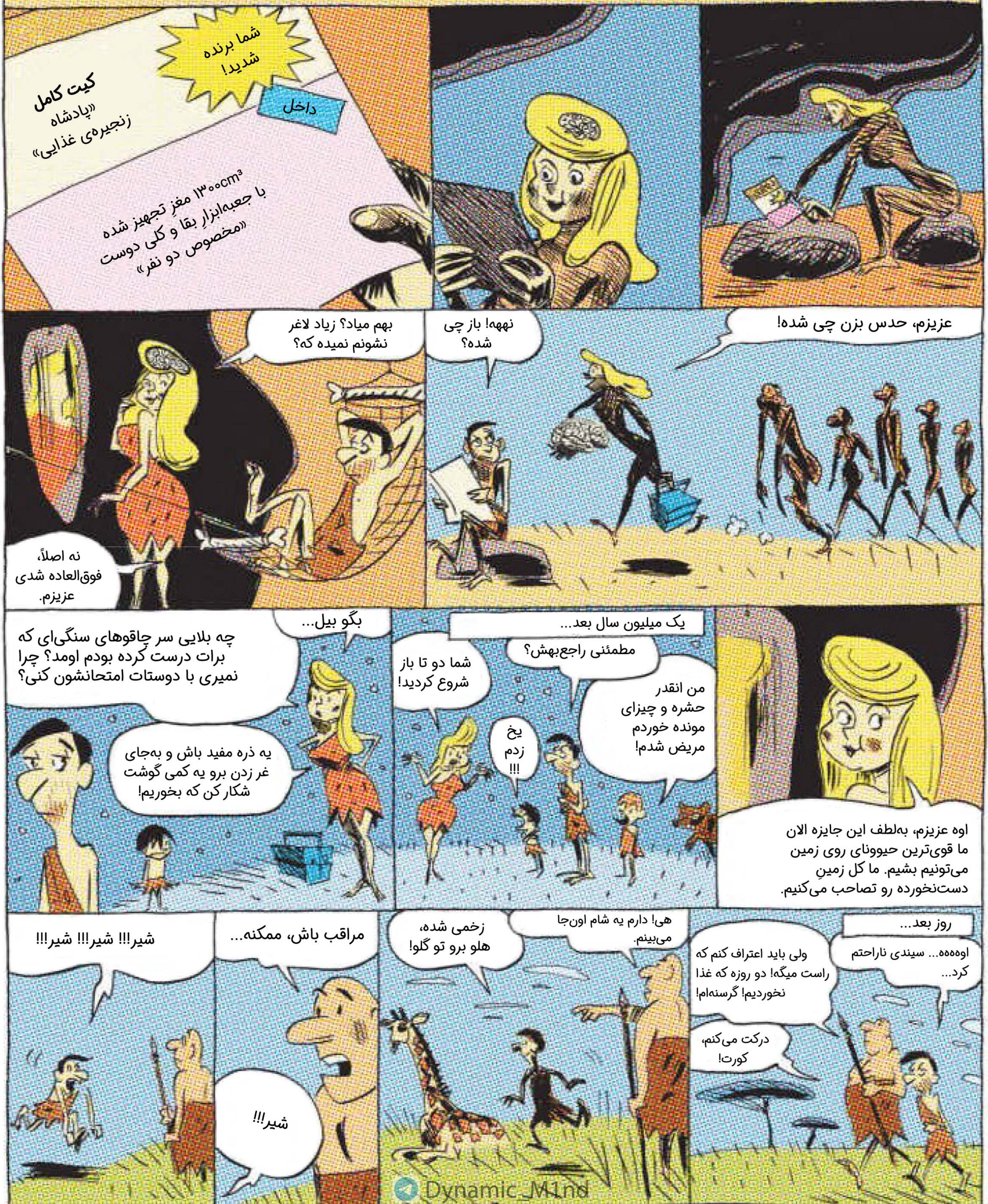






Dynamic_M1nd

بیـل ماقبـل تاریخ



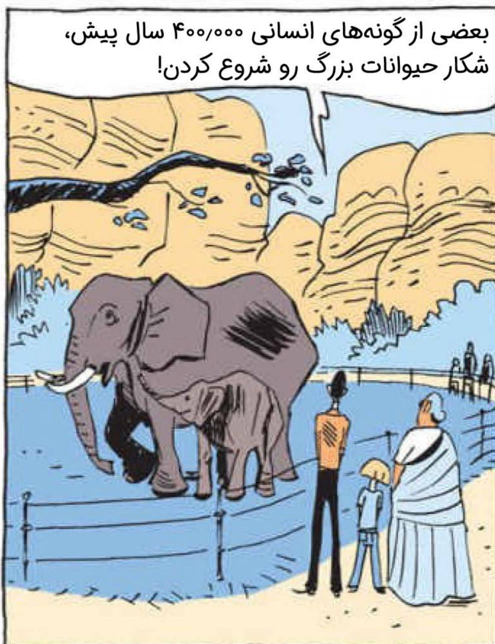
Dynamic_M1nd

سینـدی جایـزه رو می‌بـره!



Dynamic_M1nd



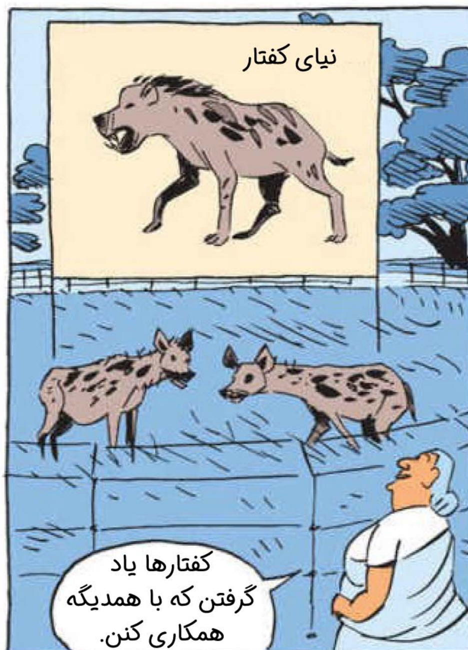


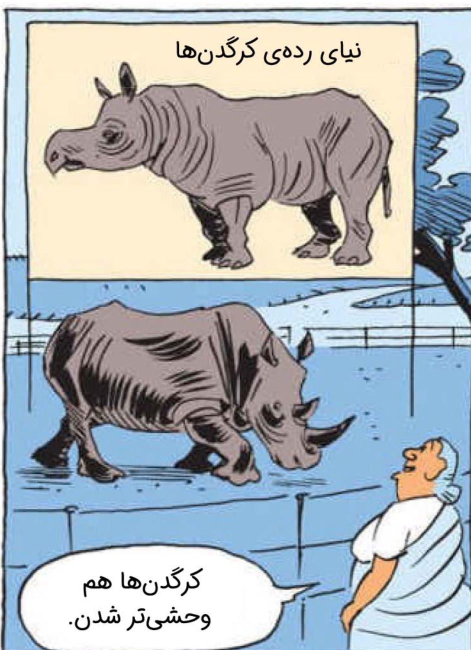


Dynamic_M1nd

























Dynamic_M1nd

شما چه یک ارکتوس باشید، نئاندرتال باشید یا فقط
یک انسان خردمند، این برای شماست!

شعله رو روشن کن!

تکنیکی مدرن برای همه‌ی اعضای خانواده، مثل آب‌خوردن برای مرد و زن و حتی بچه‌های بالای ۱۰ سال! تا شانسش رو دارید، امتحان کنید!

شعله‌ی روزانه! TM

۸۰۰،۰۰۰ سال پیش، بعضی از گونه‌های انسان فقط زمانی که فرصتی به‌وجود می‌اومد آتش روشن می‌کردن، اما الان–۳۰۰،۰۰۰، وقت به‌روز شدنه!

من شعله‌ی روزانه™ رو انتخاب کردم و زندگیم رو عوض کرده!

منتظر آتش‌های تصادفیِ رعدوبرق نباشید. یاد بگیرید چطور آتش درست کنید!

روشتون رو انتخاب کنید.

الف)سایشی

ب)اصطکاکی

۱) روشنایی شبانه

دمپایی‌های لعنتیم کو؟

اینجاست، زیر کاناپه!

۲) خونه‌ی گرم و نرم

دارم یخ میزنم!

آخخی...

۳) موثر در جلوگیری از مهمون‌های ناخواسته!

۴) دارای حالت مناسبت‌های خاص

تولللدت مبااااارک!

فکر کنم ادامه‌ی نمایشگاه از این‌طرفه!

۵) آخرین ولی نه کمترین... وسیله‌ای برای آشپزخانه! آتش میتونه به تله بندازه (چه کوچولوها رو چه بزرگ‌ها رو)، و می‌تونه حیوانات دست‌نیافتنی رو به یک استیک خوشمزه تبدیل کنه!

Dynamic_M1nd

جایزه‌ی ویژه‌ی عصر حجر! وقتی که آتش خاموش شد از غذای گرمتون لذت ببرید، گوشت، آجیل و سیب‌زمینی بو داده... هممم... واقعاً خوشمزه شده!

بله من انتخابم **شعله‌ی روزانه** TM هستش و یک بروشور می‌خوام.

بروشور ۱

«طرز تهیه‌ی آتش با سایش»

بعلاوه‌ی هدیه‌ی اولین خرید



بروشور ۲

«طرز تهیه‌ی آتش با اصطکاک»

بعلاوه‌ی هدیه‌ی اولین خرید



نام ....

آدرس ....

....



آشپزی با آتش
زندگیم رو عوض کرد!

از اینکه هر روز گوشت و سبزیجات خام بجوین خسته شدین؟ به‌خاطر اینکه بیشتر خون بدنتون در شکمتون جریان داره و نمی‌ذاره درست فکر کنید، ناامید شدین؟ روده‌هاتون پر از انگل شده؟ پخت‌وپز رو امتحان کنید!

روشی جدید و راحت از انسان غذاشناس





Dynamic_M1nd

با رژیم آتش، روش جدید و آسون رژیمِ انسان غذاشناس™، یعنی پخت‌وپز،
شیمی غذاتون و بیولوژی بدنتون رو دگرگون می‌کنه!

طبق گفته‌ی متخصص ما، خانم آن گیبنس، پخت غذا باعث کوچک‌تر شدن دندان‌ها و روده‌هاتون، و بزرگ‌تر شدن مغزتون میشه.



۶ مزیت خاص برای لذت بردن خانواده!

۱ غذاهای بیشتری هضم کنید!
(گندم، برنج، سیب‌زمینی...)



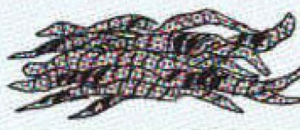
۲ ساختار طبیعیِ قوی داشته باشید!
(پختن، انگل‌ها و میکروب‌ها رو از بین می‌بره!)



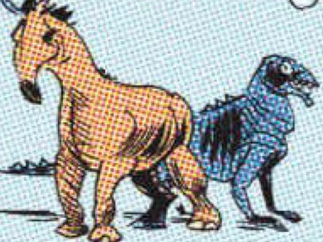
۳ از هضم راحت غذا لذت ببرید!
(غذاتون رو در یک ساعت بخورید به‌جای پنج ساعتی که برای شامپانزه طول می‌کشه!)



۴ مزه‌های جدید رو کشف کنید!
(میوه‌ها، دانه‌ها، حشرات و حیوانات مرده چه طعم خوشمزه‌ای دارن! چقدر لذیذ!)



۵ وعده‌های غذایی متفاوت!



۶ صرفه‌جویی در زمان!



* فقط مخصوص نئاندرتال‌ها
و انسان خردمند.

تبلیغ به یکی از مزیت‌ها اشاره نکرد-آتش عامل بزرگترین جدایی بین انسان و حیوانات دیگه شد.

Dynamic_M1nd

تقریباً همه‌ی حیوانات برای داشتن قدرت به بدنشون، قوی بودن عضلاتشون، اندازه‌ی دندون‌هاشون و به عریض بودن بال‌هاشون وابسته هستن.

بعضی از حیوون‌ها می‌تونن باد و جریان‌ها رو مهار کنن ولی نمی‌تونن این نیروهای طبیعی رو تحت کنترل دربیارن و همیشه به‌خاطر فیزیک بدنیشون محدودن.

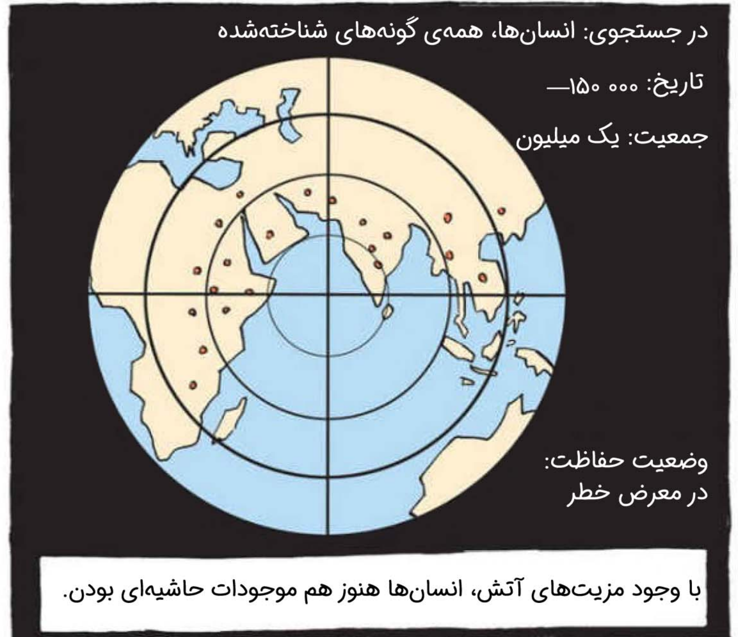
مثلاً عقاب‌ها: اون‌ها ستون‌های حرارتی رو شناسایی می‌کنن و بال‌های بزرگشون رو باز می‌کنن تا هوای گرم به‌سمت بالا ببرتشون.

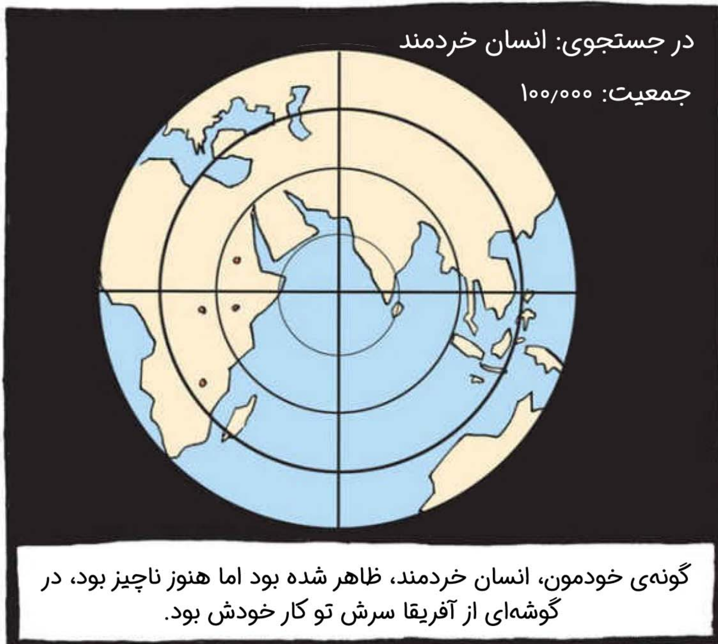
اما عقاب‌ها نمی‌تونن روی محل ستون‌های حرارتی کنترل داشته باشن و اندازه‌ی بال‌هاشون تعیین می‌کنه که چقدر بالاتر می‌تونن حمل بشن.

وقتی انسان‌ها کنترل آتش رو اهلی کردن، اون‌ها کنترل یک نیروی بالقوه‌ی نامحدود و قابل کنترل رو کسب کردن. انسان‌ها می‌تونستن انتخاب کنن که کِی و کجا ازش استفاده کنن و برای هرچند بار که می‌خواستن ازش استفاده کنن.

مهم‌تر این‌که، قدرت آتش توسط محدودیت بدنی انسان، محدود نبود. یک انسان می‌تونست با یک سنگ‌چخماق در عرض چند ساعت یک جنگل رو بسوزونه.

اهلی کردن آتش نشانه‌ی چیزهایی در شرف اتفاق بود. اولین قدم مهم در راه بمب اتم...

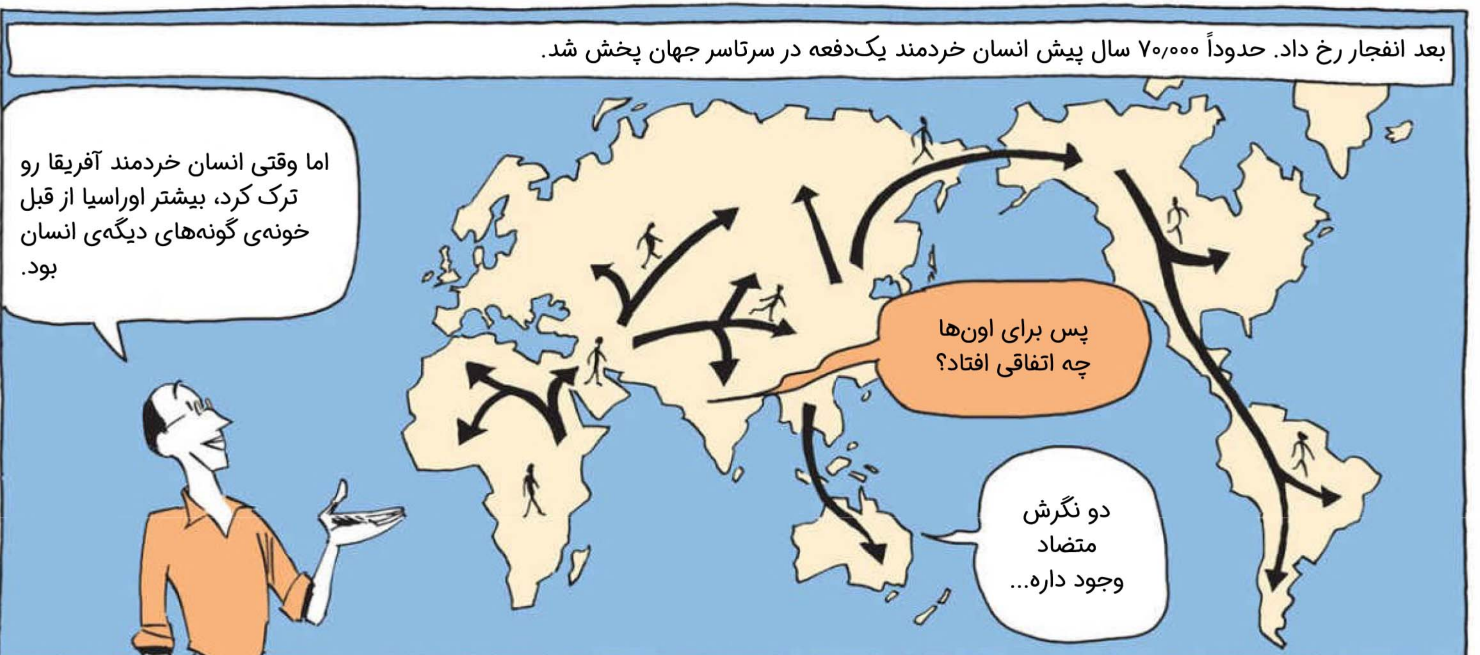








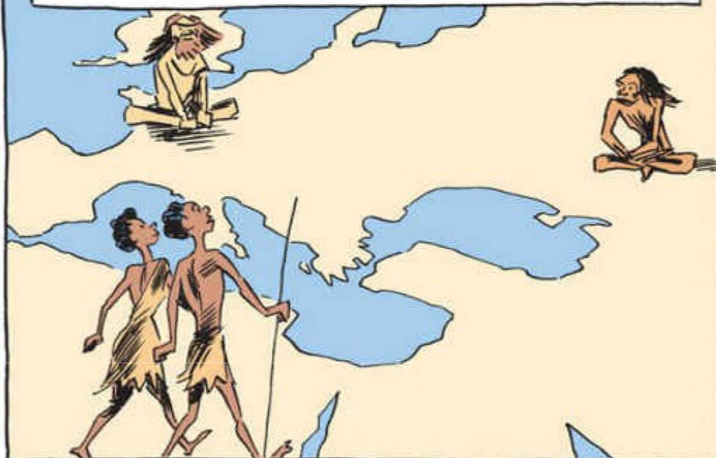
Dynamic_M1nd



تئوری پیوند نژادهای مختلف

داستانی شگفت‌انگیز از جذابیت،
رابطه‌ی جنسی و درهم آمیختن.















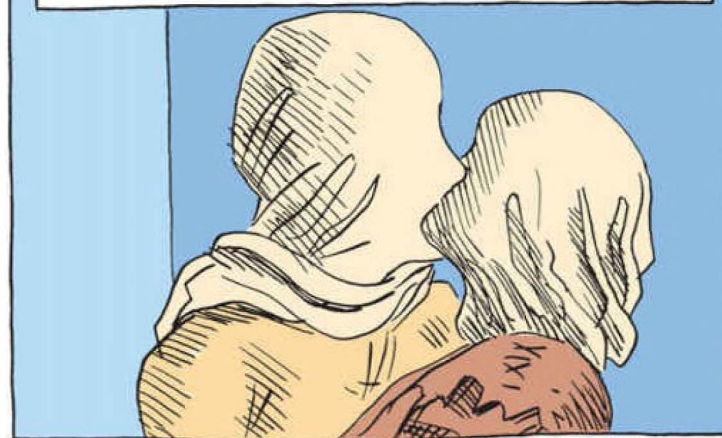


تئـوری جایگزینـی

داستانی وحشتناک از ناسازگاری، انقلاب و نسل‌کشی.









Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd

آژیا ساراسواتی
انسان خردمند
معتاد جنسی
یا
قاتل سریالی؟

پروفسور ساراسواتی دید شما به این دو تئوری چی هست؟
موارد مهمی این‌جا مطرح هستن، جنیس.





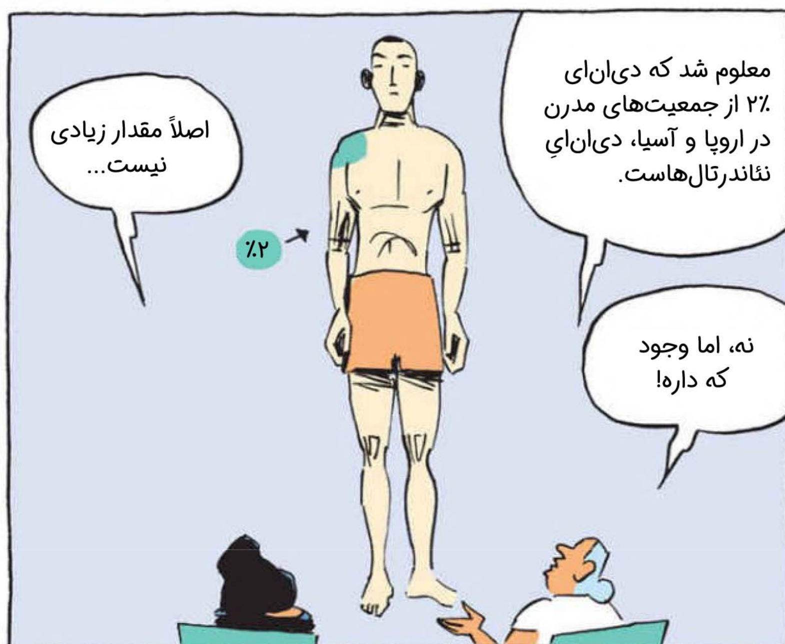


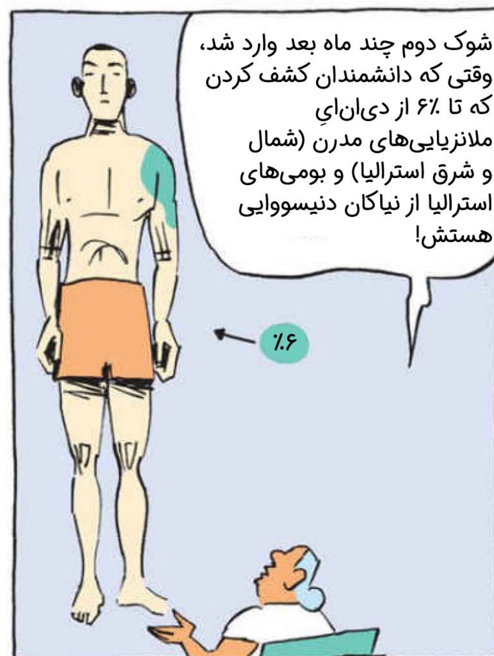














Dynamic_M1nd



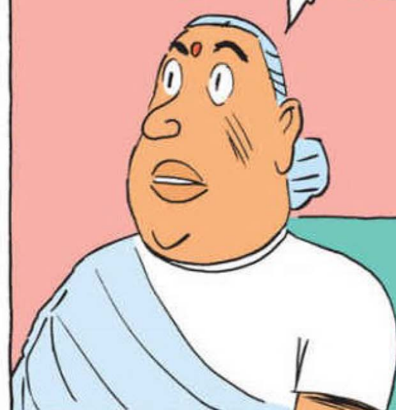

از اون‌جایی که نئاندرتال‌ها و دنیسووایی‌ها فقط هم‌بخشِ قسمت کمی از دی‌ان‌ای ژنوم امروزی ما هستن، غیرممکنه که بگیم «ادغام» بین انسان خردمند و بقیه‌ی گونه‌های انسانی صورت گرفته.
تفاوت بین اون‌ها خیلی زیاد نبود که کاملاً از رابطه‌ی جنسی زادآور جلوگیری کنه، اما این تماس‌ها خیلی نادر بودن.


درسته، اما رابطه‌ی بیولوژیکی بین انسان خردمند، نئاندرتال‌ها و دنیسوواها دقیقاً چی بود؟
واضحه که اون‌ها گونه‌های کاملاً متفاوتی مثل اسب‌ها و الاغ‌ها نبودن.


پس اون‌ها جمعیت‌های متفاوتی از یک گونه بودن، مثل بولداگ شما، بوروتوس، و پامرانیئن کوچولوی شما کی‌کی؟
نه، بیشتر از این...


علم زیست‌شناسی سیاه و سفید نیست. قسمت‌های خاکستری مهمی وجود داره.
دو گونه که از یک نیای مشترک فرگشت پیدا کردن، مثل اسب‌ها و الاغ‌ها، یک زمانی فقط دو جمعیت از یک گونه بودن، مثل پامرانیین‌ها و بولداگ‌ها.


حتماً یک نقطه‌ای باید بوده باشه که دو جمعیت از قبل جدا بودن، اما هنوز در موارد نادر قابلیت انجام رابطه‌ی جنسی و زایش فرزند زادآور رو داشتن.
بعد یک جهش ژنتیکی، آخرین رشته‌ی ارتباط رو هم قطع کرده و هر کدوم راه‌های جداگونه‌ی فرگشتیشون رو رفتن.
Dynamic_M1nd



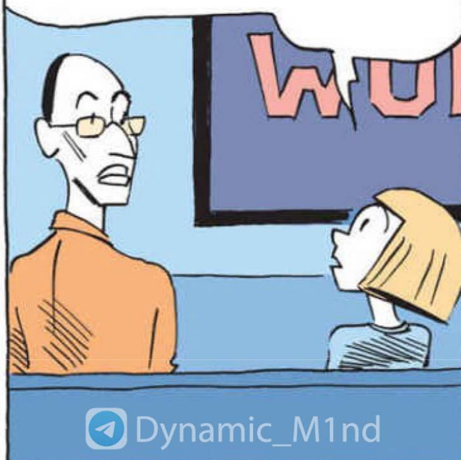












Dynamic_M1nd

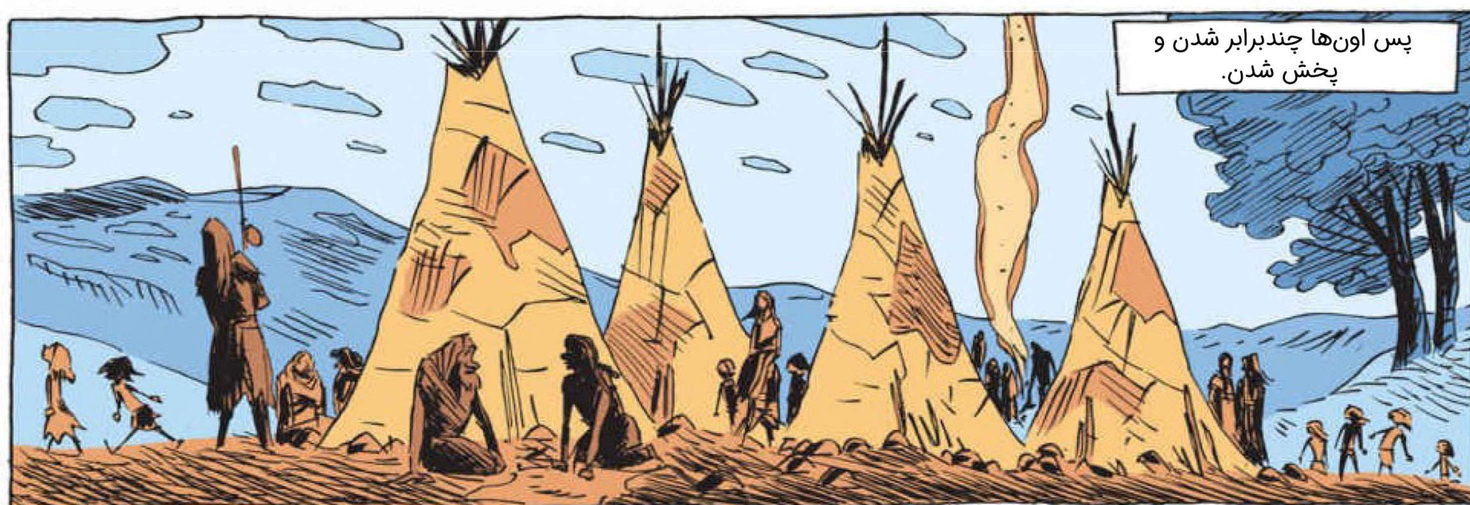
دره‌ای در بالکان، جایی که نئاندرتال‌ها برای
صدها هزار سال زندگی کردن.



یک توضیح ممکن اینه که
انسان‌های خردمند اون‌ها رو
به انقراض کشوندن.

Dynamic_M1nd









Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd











سیاره‌ی میمون‌ها

در ۳۰،۰۰۰ سال گذشته، انسان خردمند انقدر به این عادتِ رشد کرده، رسیده که تنها گونه‌ی انسان هست که برای ما تصور احتمالات دیگه سخته.
نداشتن هم‌نژاد باعث این انگاره میشه که ما اوج خلقت هستیم، با جدایی عظیم و پیوندناپذیر از بقیه‌ی حیوانات.

Dynamic_M1nd

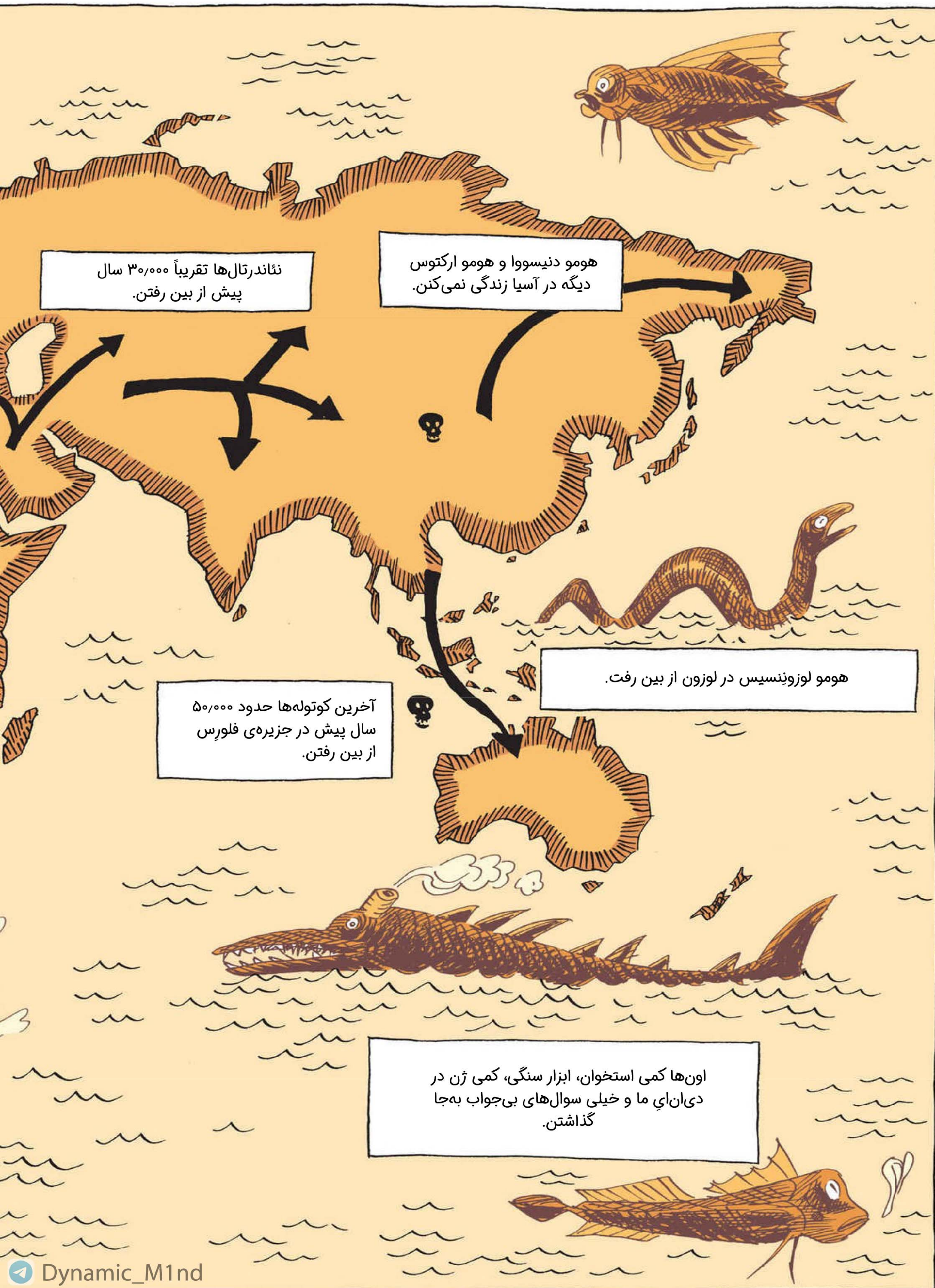
وقتی چارلز داروین توضیح داد که انسان خردمند فقط نوعی از حیوان هست، مردم خشمگین شدن.

حتی امروز هم خیلی‌ها از باور کردنش امتناع می‌کنن.

احتمالاً این دلیلی هست که نیاکان ما نئاندرتال‌ها رو از بین بردن. اون‌ها خیلی متشابه بودن که بشه ازش چشم‌پوشی کرد اما اونقدری متفاوت بودن که نشه تحملشون کرد.

اگر نئاندرتال‌ها زنده می‌موندن، ما هنوز هم خودمون رو موجوداتی جدا می‌پنداشتیم؟


چه بخواهیم چه نخواهیم انسان خردمند رو باید سرزنش کرد، به‌محض این‌که به‌جای جدیدی می‌رسید، جمعیت انسان‌های بومی منقرض می‌شد.
Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd

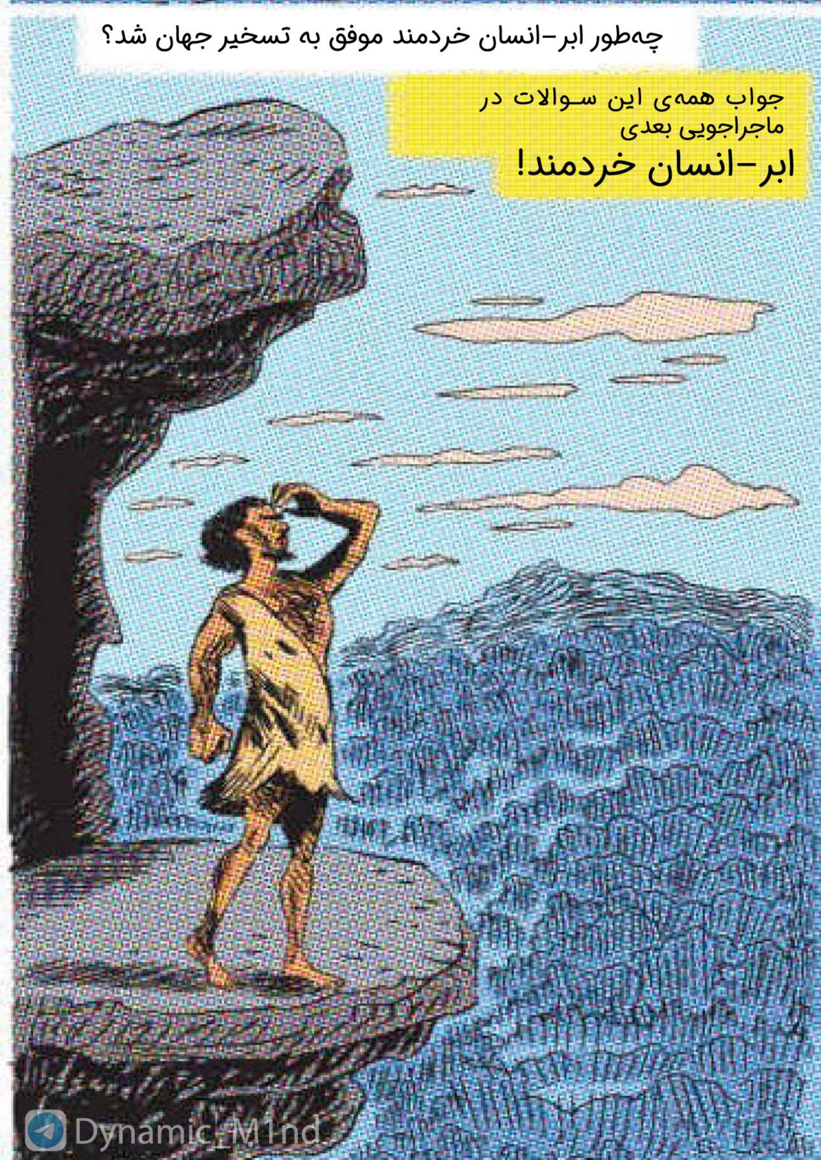

اون‌ها هم‌چنین
آخرین گونه‌ی انسان
رو هم جا گذاشتن...
ما،
انسان
خردمند...
Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd

استادانِ افسانه‌پردازی

Dynamic_M1nd

خب زویی، از سفرت به انگلیس لذت می‌بری؟

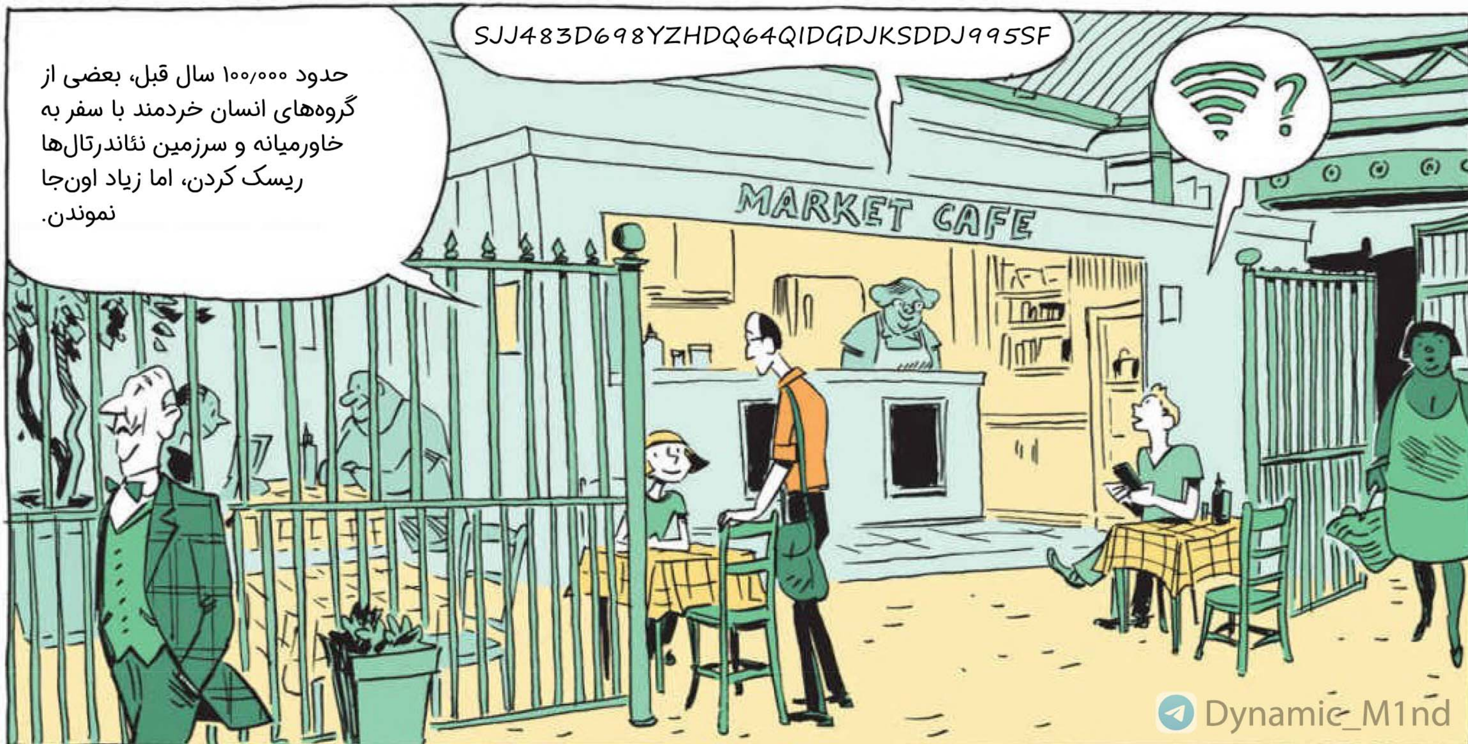
بله! و پروفسور ساراسواتی بهترین راهنماست!











Dynamic_M1nd









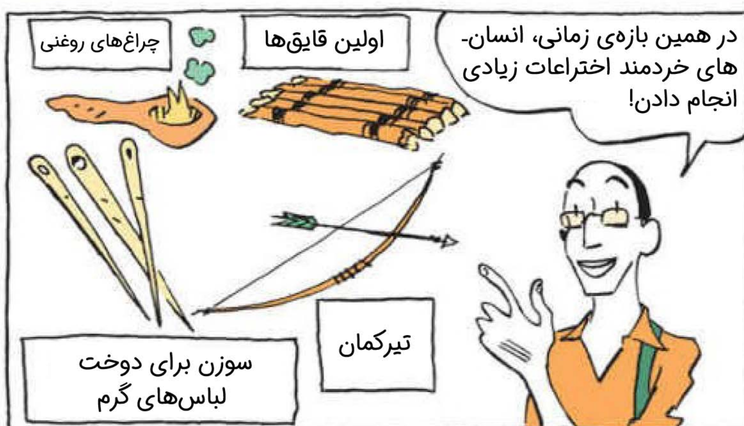

خب بیل،
این حرف...
امم...ا؟
خب بیل، وقتی
آدمای خوب مردن
کجا میرن؟
آمم...تو دریا؟
خیلی‌خب بیل، کدوم حیوان ۶۵ میلیون سال
در زمین فرمانروایی می‌کرد؟
آه... مامان سیندی؟
ABC


ممنون، بای


بعد، تقریباً ۷۵،۰۰۰ سال پیش، اتفاقی برای
انسان خردمند افتاد. ما دقیقاً نمی‌دونیم چه‌طور
و چرا، اما اون‌ها شروع به انجام کارهای
حیرت‌آور کردن.
چه کاری مثلاً؟
بازار روز


اولش، گروهی از انسان‌های خردمند آفریقا رو برای
بار دوم ترک کردن. این دفعه نئاندرتال‌ها و بقیه‌ی
گونه‌های انسان رو بیرون کردن... نه تنها از خاورمیانه
بلکه از روی زمین.
انتقام انسان خردمند
Dynamic_MTnd


انسان‌های خردمند شروع کردن به
پخش شدن در همه‌جا. اون‌ها خیلی
سریع به اروپا و شرق آسیا رسیدن.
تقریباً ۵۰،۰۰۰ سال پیش،
اون‌ها یک‌طوری از دریای آزاد
رد شدن و به استرالیا رسیدن
-قاره‌ای که هیچ انسانی قبلاً
روی اون پا نذاشته بود.


در همین بازه‌ی زمانی، انسان-
های خردمند اختراعات زیادی
انجام دادن!
اولین قایق‌ها
چراغ‌های روغنی
تیرکمان
سوزن برای دوخت
لباس‌های گرم


...هم‌چنین، اولین اشیائی که ما بهشون هنر یا جواهرات می‌گیم. و اولین مدارک واضح برای موجودیت دین، تجارت و قوانین پیچیده‌ی اجتماعی.
مجسمه‌ی عاجی از «مرد شیری» (یا «زن شیری») که در اشتادل، آلمان پیدا شده. با تقریباً 32،000 سال قدمت.


دقیقاً چه اتفاقی افتاد که انسان خردمند رو وادار به شروع انجام همچین کارایی کرد؟
Dynamic_M1nd


بیشتر پژوهشگرها می‌گن دلیلش به فرگشت توانایی‌های شناختیِ انسان خردمند برمی‌گرده.



Dynamic_M1nd


درست می‌گی! اما اون‌ها فقط با بستگان نزدیکشون همکاری می‌کنن و خیلی قابل تغییر نیستن.


اگر کندوی عسل تهدید بشه یا یک فرصت جدید پیش بیاد، زنبورها نمی‌تونن نظم کندوی عسل رو دوباره بازآفرینی کنن تا مشکلشون حل بشه.


برای مثال، اون‌ها نمی‌تونن ملکه رو بکشن و یک جمهوری تأسیس کنن.


همکاری گرگ‌ها و شامپانزه‌ها خیلی انعطاف‌پذیرتر از زنبورهاست، ولی در گروه‌های کوچک.
Dynamic_M1nd


چون همکاری بین شامپانزه‌ها بستگی به روابط شخصیِ نزدیک داره.
شامپانزه‌ها با غریبه‌ها همکاری نمی‌کنن.

Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd

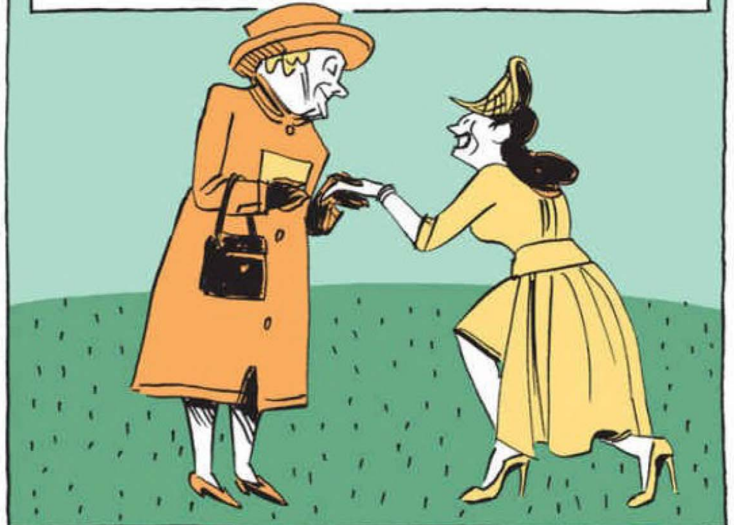


فکر کنم همینه...

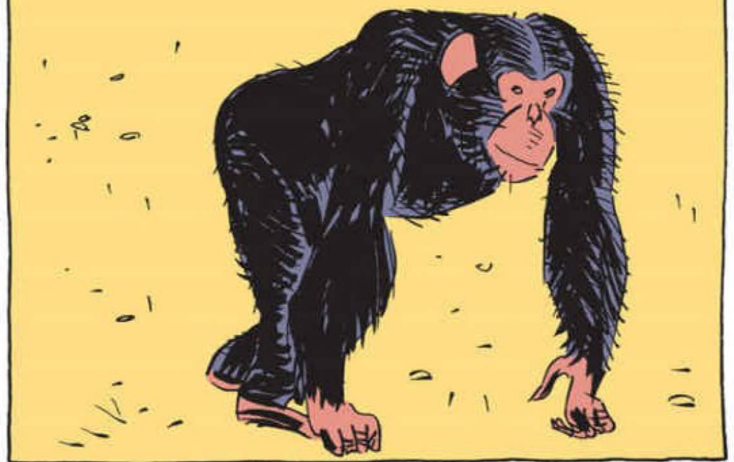
زندگی خارق‌العاده‌ی شامپانزه‌ها

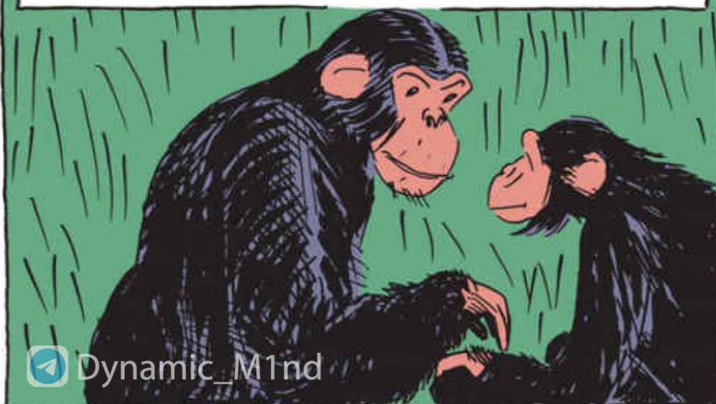

شامپانزه‌های عموزاده‌ی ما معمولاً در گروه‌های کوچک متشکل از
چند ده نفر زندگی می‌کردن. اون‌ها روابط دوستانه‌ی نزدیک با
هم تشکیل می‌دن. با هم شکار می‌کنن و با بابون‌ها، چیتاها و
شامپانزه‌های دشمن، شونه به شونه‌ی هم می‌جنگن.


ساختار اجتماعیشون سلسله مراتبی هستش. عضو غالب گروه که اکثراً
نر هست و اصطلاحاً بهش «نر آلفا» گفته می‌شه. بقیه‌ی شامپانزه‌ها
اطاعتشون به مرد آلفا رو با تعظیم کردن جلوی اون نشون می‌دن.

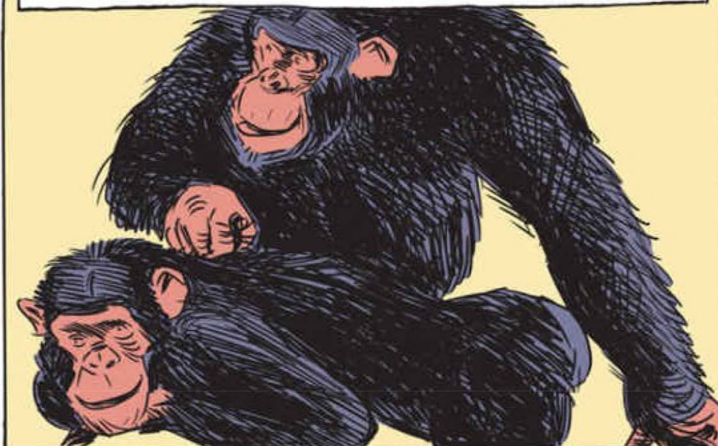

که بی‌شباهت نیست به انسان‌ها که جلوی ملکه زانو می‌زنن.


نر آلفا تلاش می‌کنه که هماهنگی اجتماعی رو بین افرادش
حفظ کنه. وقتی دو نفر دعوا می‌کنن، اون دخالت می‌کنه و خشونت
رو تموم می‌کنه.

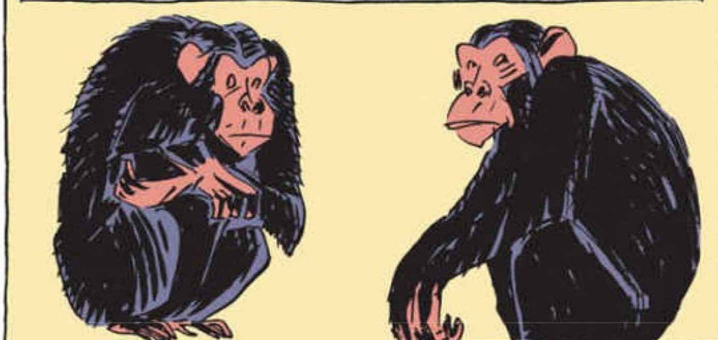

می‌تونه خودخواه هم باشه. شاید مخصوصاً برای غذاهای
ارزشمند انحصارطلبی کنه یا از جفت‌گیری نرهای سطح پایین‌تر
با ماده‌ها جلوگیری کنه.


وقتی دو نر در حال رقابت برای جایگاه نر آلفا هستن معمولاً
ائتلاف‌های بزرگی از حامیانشون چه زن و چه مرد درست می‌کنن.
روابط بین اعضای ائتلاف بر اساس تماس‌های صمیمانه‌ی
روزانه‌س-به‌آغوش کشیدن، لمس‌کردن، بوسیدن، آراستن و
علاقه‌مندی‌های مشترک.
Dynamic_M1nd









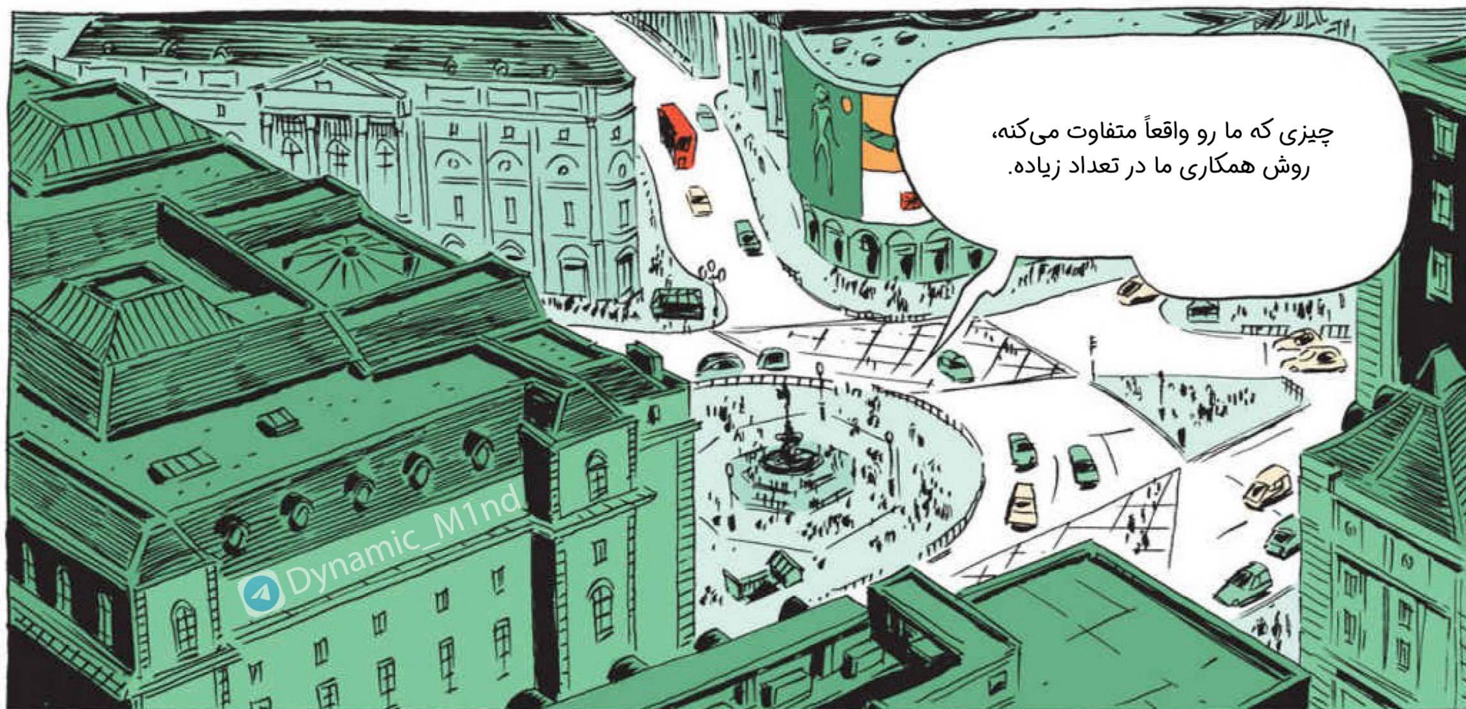


Dynamic_M1nd









Dynamic_M1nd









Dynamic_M1nd





از نظر فیزیولوژیکی، استعداد ابزار ساختن‌مون در ۳۰،۰۰۰ سال گذشته پیشرفت چشمگیری نداشته.

جایزه نوبل

آلبرت اینشتن در استفاده از دستاش در مقابل یک شکارگر-خوراک‌جوی باستانی اصلاً نزدیکشم نبود.

آخ!

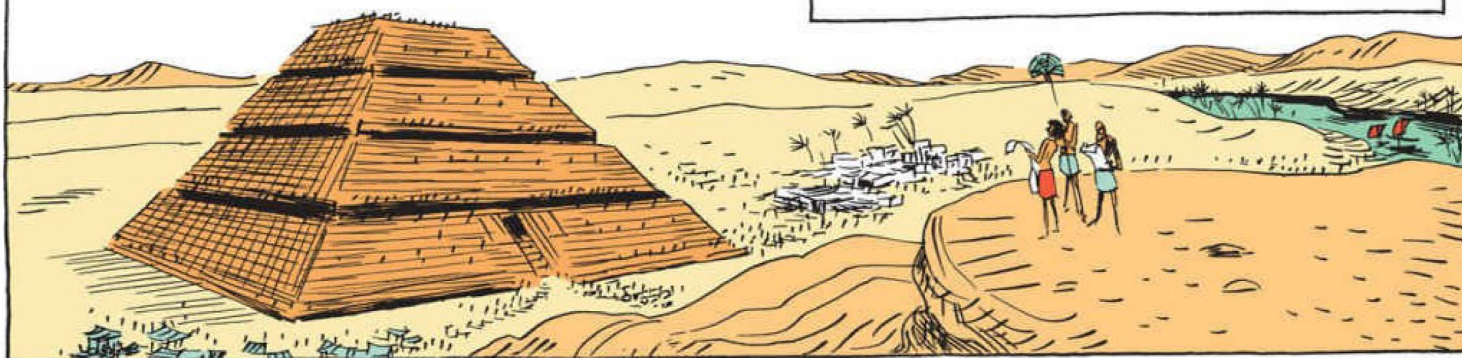
جایزه نوبل

اما استعداد ما در همکاری با تعداد زیادی از غریبه‌ها، پیشرفت بسیار زیادی داشته. یک نفر می‌تونه یک سرنیزه‌ی سنگ‌چخماغی رو در چند دقیقه با کمک گرفتن از دوستان صمیمیش درست کنه.

ساخت یک کلاهک هسته‌ای مدرن، همکاری بین میلیون‌ها غریبه از سراسر دنیا رو نیاز داره-از افرادی که سنگ‌معدن اورانیم رو از اعماق زمین استخراج می‌کنن تا فیزیک‌دانانِ نظری که فرمول‌های ریاضی درباره‌ی واکنش‌های ذرات زیراتمی رو می‌نویسن.

Dynamic_M1nd

Dynamic_M1nd







ایستگاه مترو

اون متخصص ارتباطات انسانیه.



Dynamic_M1nd










چیزی که می‌خوام بدونم اینه که چه چیزی باعث خیلی خاص بودن مهارت ارتباطی انسان‌های خردمند میشه؟
بله، متوجهم. سوال خیلی خوبیه.


از کجا شروع کنم...
اول از همه باید به این اشاره کنم که برقراری ارتباط مختص انسان خردمند نیست. حتی حشرات هم با هم ارتباط برقرار می‌کنن.


مورچه‌ها می‌تونن با تبادل مواد شیمیایی به همدیگه بگن غذا کجاست.

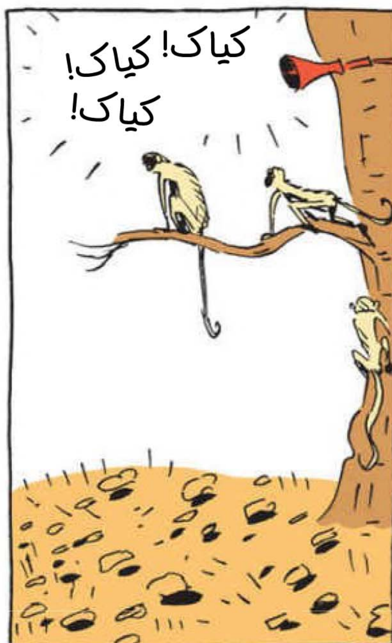

زنبورها با رقص، اطلاعات رو مخابره می‌کنن...


می‌تونم بهتون یک مثال خوب نشون بدم.
Dynamic_M1nd

















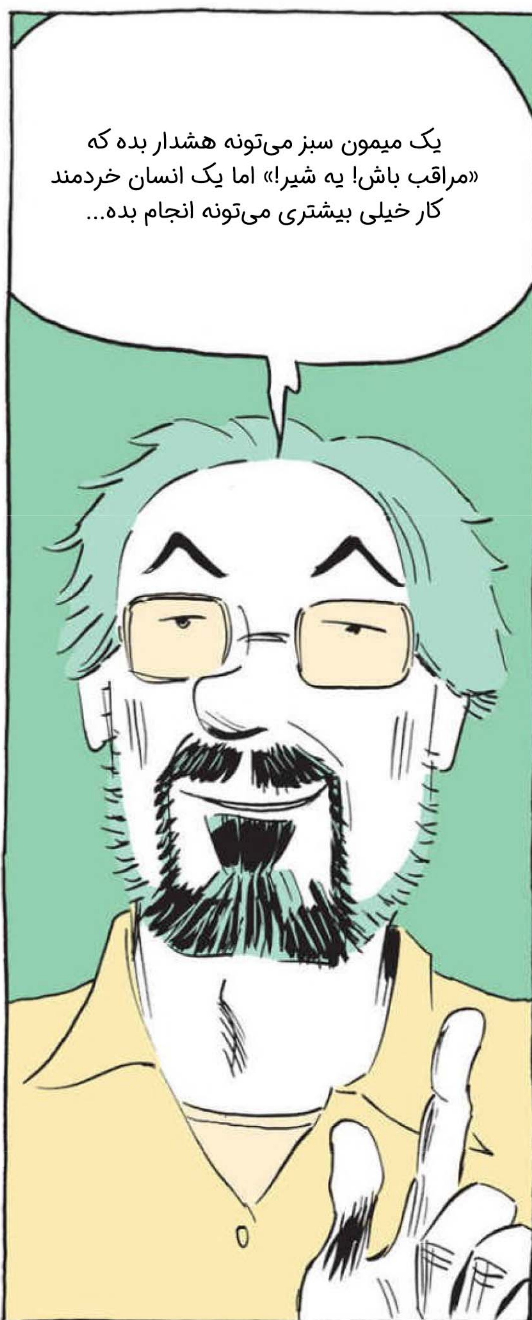
Dynamic_Mind











Dynamic M1nd











Dynamic_M1nd















Dynamic_M1nd







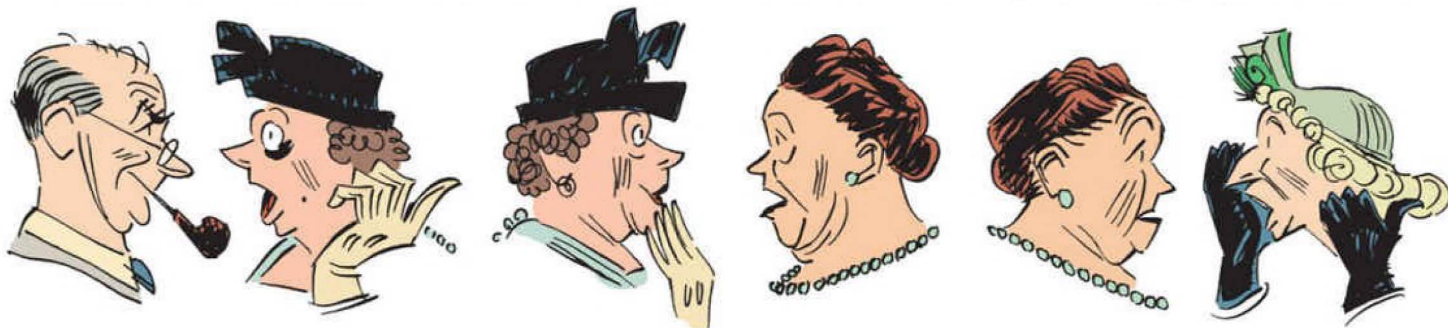






Dynamic_M1nd

واقعاً فکر می‌کنید وقتی که پروفسورهای تاریخ برای نهار که همدیگه رو می‌بینن در مورد دلایل شروع جنگ‌جهانی اول صحبت می‌کنن؟



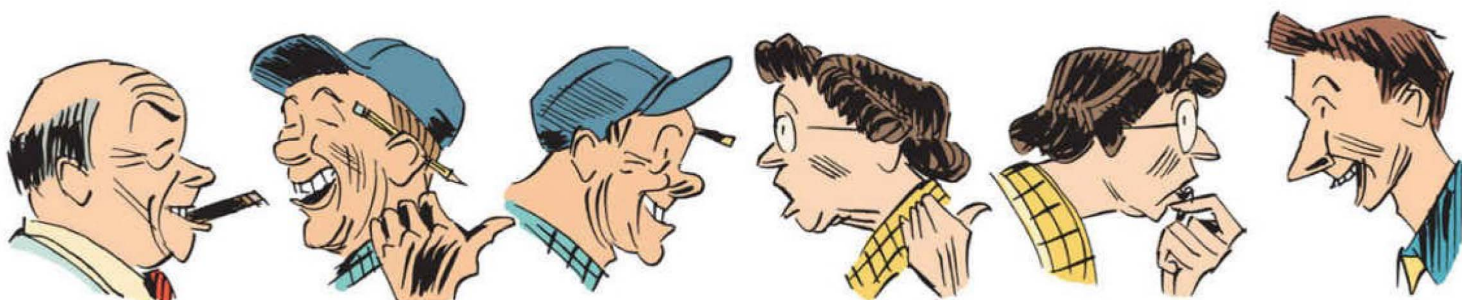
یا فیزیک‌دان‌های هسته‌ای موقع استراحتشون در کنفرانس‌های علمی، درباره‌ی کوارک‌ها صحبت می‌کنن؟



اون‌ها به احتمال بسیار زیادی دارن درباره‌ی پروفسوری که شوهرش رو موقع خیانت دیده بود یا اختلاف رئیس دپارتمان و رئیس دانشگاه حرف می‌زنن.



یا شایعاتی که همکارشون از بودجه‌ی تحقیقاتی برای خرید لکسوس استفاده کرده.



سخن‌چینی معمولاً بر روی اشتباهات تمرکز داره، همچنین به اجرا کردن هنجارهای اجتماعی و هم‌بستگی گروه هم کمک می‌کنه.



الهام گرفته از نورمن راک‌وِل.











Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd



گوش کنین، باحاله.

سلام آقای جونز. من منتظر یک لوله‌کش هستم ولی می‌خوام برم بیرون، می‌تونم کلید رو پیش شما بذارم؟

البته، خانوم پیرپات!

تو کی هستی دیگه؟

من مدیر تبلیغاتم.

از کِی؟

دو سال هستش. و شما خانوم؟

من مدیر شرکتم.






ممنون پروفسور! عالی بودی! من از اینجا به بعدش رو دارم!
اما.... خب، من می‌خواستم بگم...


خب.... رازش چیه؟
راز موفقیت، افسانه‌اس، خب؟
تعداد زیادی از غریبه‌ها اگر به یک افسانه‌ی مشترک اعتقاد داشته باشن، می‌تونن همکاری موفقیت‌آمیزی داشته باشن!


انسان‌های خردمند فرمانروای دنیا هستن به‌خاطر اینکه اون‌ها تنها حیوانات با استعداد برای درست کردن و اعتقاد داشتن به داستان‌های افسانه‌ای هستن.
و تا وقتی که همه به یک افسانه اعتقاد داشته باشن از یک قانون پیروی می‌کنن.


بذار حدس بزنم... شرط می‌بندم که پروفسور به شما نشون داد که چه‌طور حیوانات از علامت برای تعریف چیزهای مختلف استفاده می‌کنن. درسته؟
Dynamic_M1nd


بله درسته. یک شامپانزه می‌تونه بگه: «مراقب باش! یک شیر اونجاست» یا «ببین، یک موز اونجاست، بریم بخوریمش».


درسته! ما انسان‌های خردمند نمی‌تونیم از زبان فقط برای تعریف چیزهایی که پیرامونمون می‌بینیم، استفاده کنیم-ما همچنین می‌تونیم از زبان برای اختراع کردن، استفاده کنیم. افسانه‌ها!



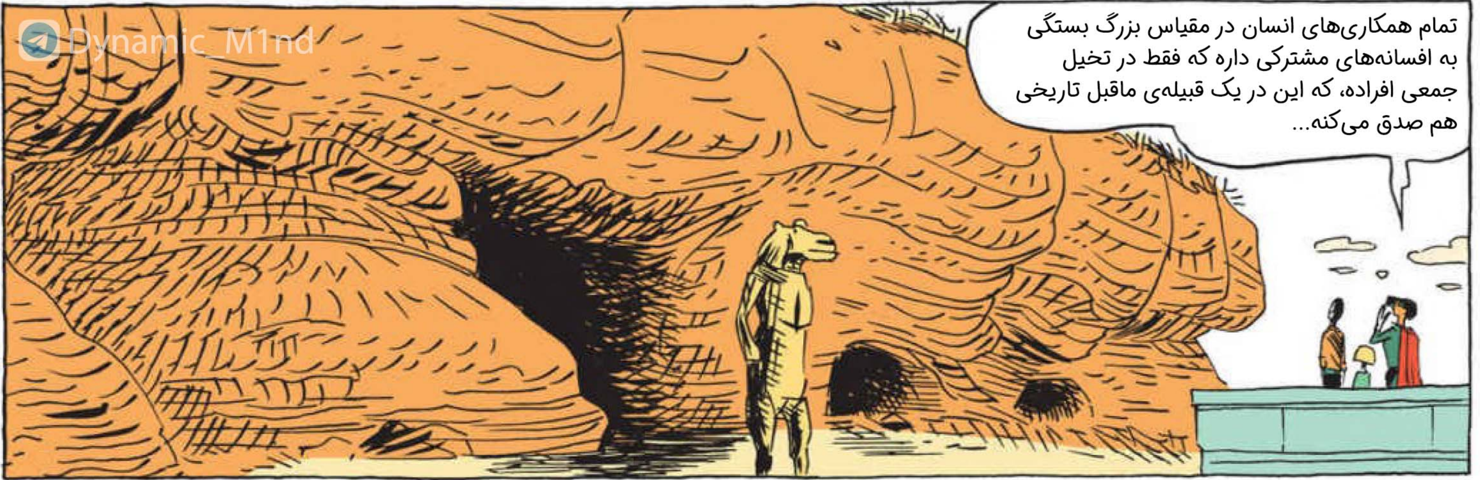


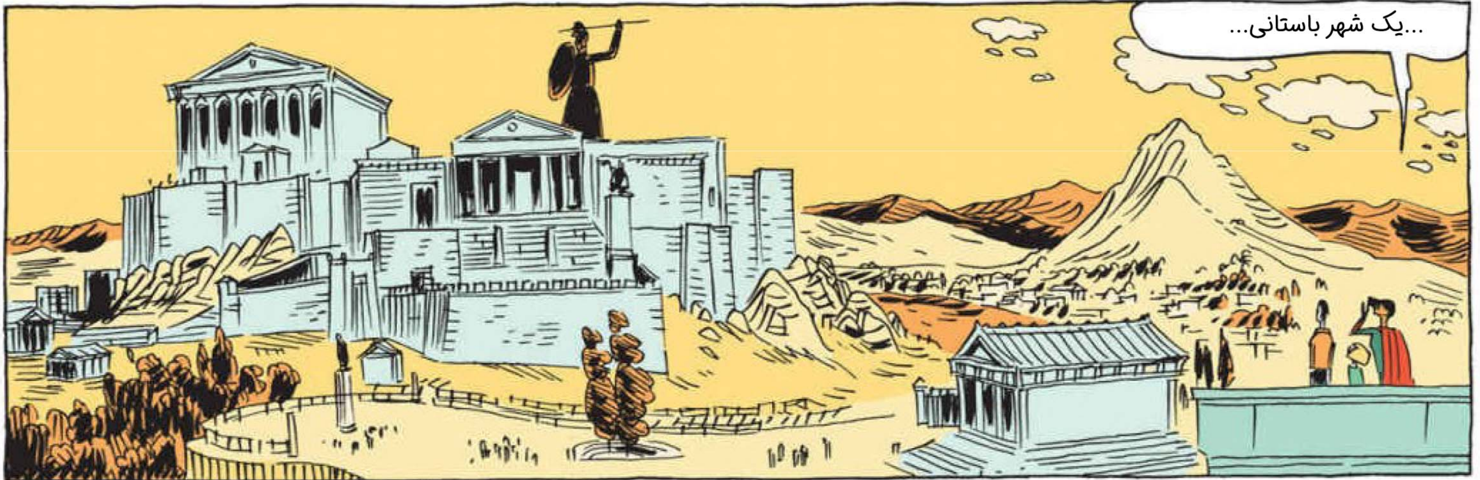




Dynamic_M1nd

Dynamic_M1nd









کلیساها بر اساس افسانه‌های دینی مشترک هستن.



دو فرد کاتولیکی که هیچ‌وقت همدیگه رو ندیدن با هم به جنگ‌های صلیبی میرن و یا کمک مالی به ساخت بیمارستان می‌کنن به‌خاطر اینکه هردو باور دارن که خدا به شکل انسان دراومد و اجازه داد که به صلیب کشیده بشه، برای بخشش گناهان ما.

دولت‌ها هم ریشه در افسانه‌های مشترک ملی دارن.



یک ولزی و یک انگلیسی که هیچ‌وقت همدیگه رو ندیدن احتمال داره به‌خاطر باور به بریتانیای کبیر، جون همدیگه رو نجات بدن.

سیستم‌های قضایی ریشه در افسانه‌های حقوقی مشترک دارن.



دو وکیل که هیچ‌وقت هم‌دیگه رو ندیدن می‌تونن در دفاع از یک غریبه باهم کار کنن چون هردو به‌قانون، عدالت و حقوق بشر اعتقاد دارن–و پولی که می‌گیرن.

ولی هیچ کدوم از این‌ها بیرون از داستان‌هایی که مردم اختراع می‌کنن و به‌هم می‌گن، وجود ندارن.



افراد به راحتی به این می‌رسن که «قبیله‌های اولیه» قوانین اجتماعیشون رو با اعتقاد به روح خیالی بنا کردن.



چیزی که متوجه نمی‌شیم اینه که علمکرد موسسه‌های مدرن هم دقیقاً همین‌طوره.



Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd



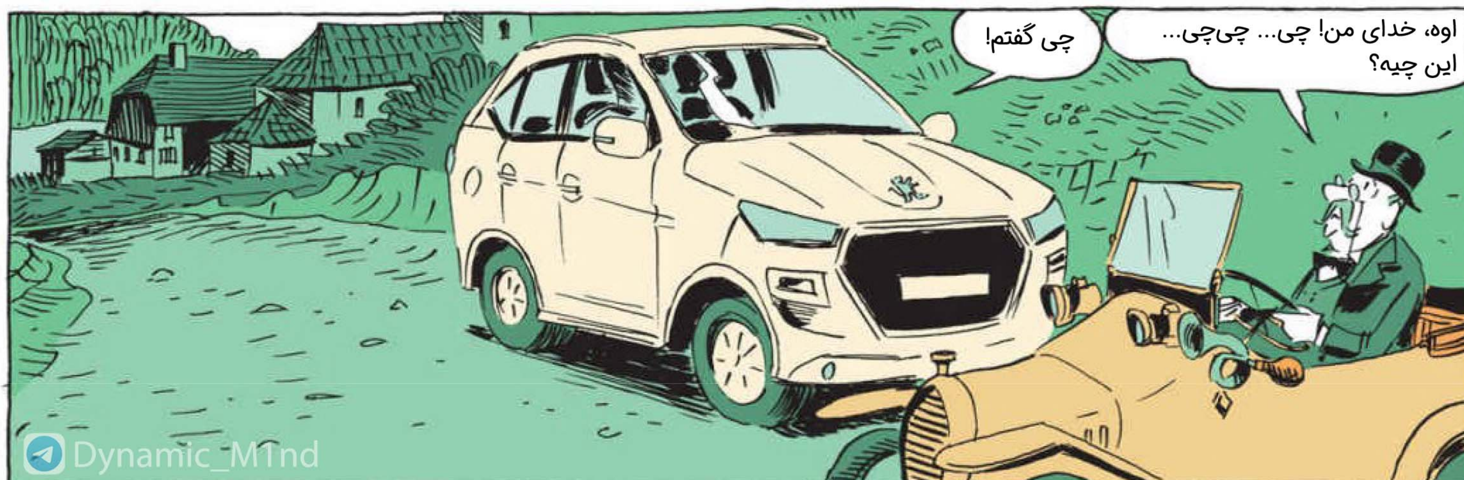








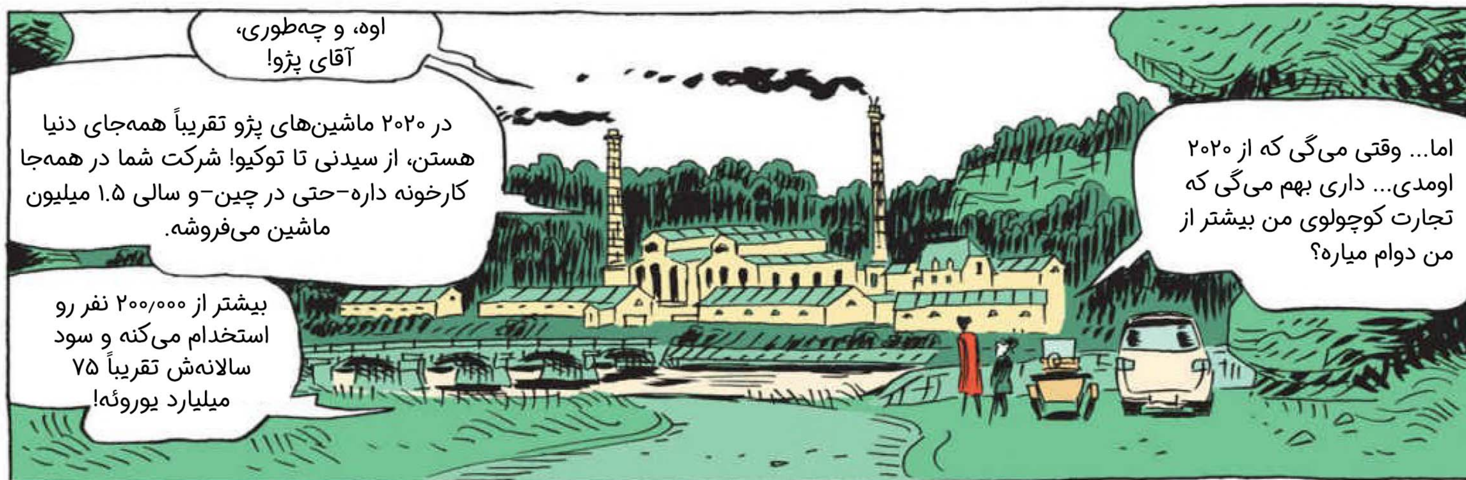




Dynamic_M1nd






اوه، و چه‌طوری، آقای پژو!
در ۲۰۲۰ ماشین‌های پژو تقریباً همه‌جای دنیا هستن، از سیدنی تا توکیو! شرکت شما در همه‌جا کارخونه داره-حتی در چین-و سالی ۱.۵ میلیون ماشین می‌فروشه.
بیشتر از ۲۰۰،۰۰۰ نفر رو استخدام می‌کنه و سود سالانه‌ش تقریباً ۷۵ میلیارد یوروئه!
اما... وقتی می‌گی که از ۲۰۲۰ اومدی... داری بهم می‌گی که تجارت کوچولوی من بیشتر از من دوام میاره؟


او لا لا! عجب خبری! حتی در چین؟
پس حق با من بود که در صنعت ماشین رفتم! وقتی تجارت خانوادگیمون به من رسید، یک کارگاهی بود که چیزی به‌جز اره، فنر و دوچرخه نداشت! من شرکت اتوموبیلم رو در ۱۸۹۶ تأسیس کردم و حالا کل دنیا اسم پژو رو شنیدن!


بله، شما یک داستان خیلی قوی رو شروع کردین.
منظورت چیه از داستان؟! عجب گستاخی‌ای! پژو داستان نیست!


خب، پس چیه؟
Dynamic_M1nd


خب، به تمام مقدسات قسم که پژو ماشینه! میلیون‌ها ماشین -خودت گفتی!
من گفتم...


اما تصور کن... اگر تمام ماشین‌ها یهویی به قبرستون ماشین‌ها فرستاده می‌شدن، چه اتفاقی برای پژو می‌افتاد؟ به‌خاطر قوانین جدید زیست-محیطی مثلاً...
آههها! چه ایده‌ی وحشتناکی!


آها، اما این باعث نمی‌شد که کارخونه‌های پژو ماشین‌های جدید تولید نکنن، مگه نه خانوم! ما حتی در چین هم کارخونه داریم، یادته!
درست می‌گی آرماند. نابود کردن همه‌ی ماشین‌ها، نمی‌تونه پایان پژو باشه...





Dynamic_M1nd

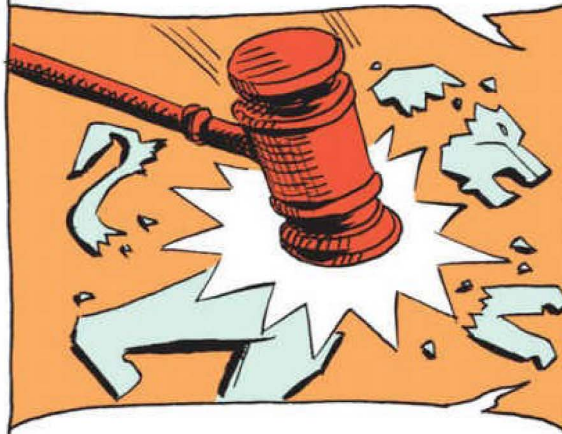









مالک‌های چینی؟ خب، این یک تغییره! اما حداقل پژو نامیراست!
من بودم، تا اونجا پیش نمی‌رفتم...


بیا بگیم که پژو یک قانون‌شکنی می‌کنه و یک قاضی شرکت رو منحل می‌کنه. کارخونه‌ها هنوزم اونجا هستن، کارگرها، حسابدارها، مدیرها و سهام‌دارها هنوز زنده‌ان... ولی–بوم–
شرکت پژو از بین خواهد رفت.


آممم....


ببین، می‌فهمم که عصبانیت کردم. بی‌خیال آرماند، برات یک نوشیدنی در دهکده می‌خرم.


عجب آدم عجیبی....


در اصل، شرکت پژو هیچ ارتباط خاصی با دنیای مادی نداره. پس بیا برگردیم به سوال اولم: پژو چیه؟ شرکت تو واقعاً وجود داره؟
خب، خب، خب... سوال خوبیه...
Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd

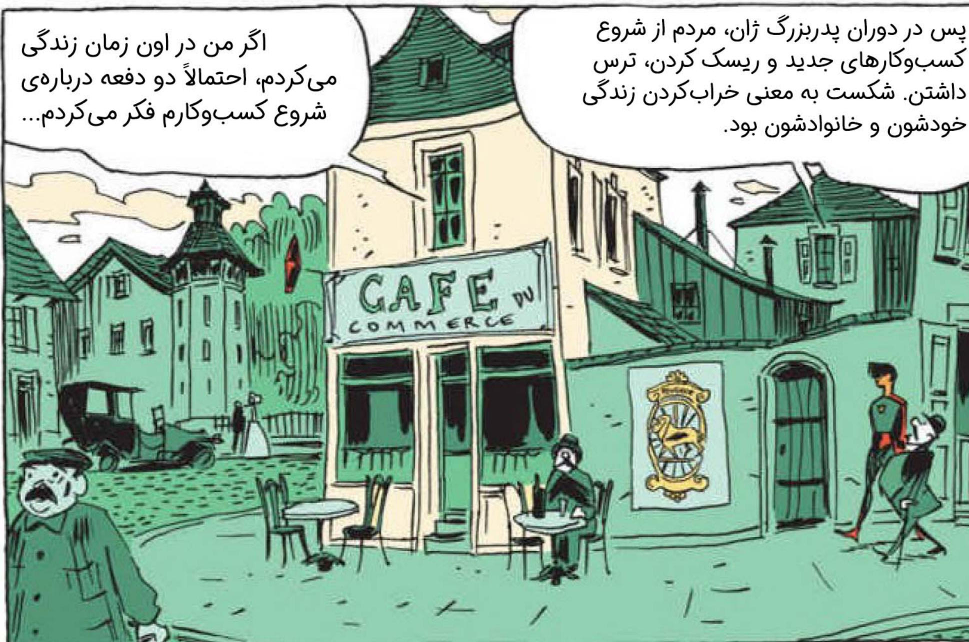





Dynamic_M1nd

اون شاید مجبور می‌شد که بچه‌هاش رو هم بفروشه! اگر نمی‌تونست بدهی رو پرداخت کنه، احتمالاً می‌افتاد زندان. اون ۱۰۰٪ برای تعهدات کارگاهش مسئول بود.









در ایالات متحده به این شرکت‌های با مسئولیت محدود میگن «شرکت‌های سهامی»-یک‌جورایی عجیبه چون ریشه‌ی این کلمه‌ی لاتین «corpus» که معنیش میشه «جسم»... اون‌ها که جسم ندارن! پس اون‌ها جسم واقعی ندارن اما سیستم قانون‌گذاری آمریکا با شرکت‌های سهامی مثل فرد قانونی برخورد می‌کنن، مثل انسان‌های واقعی!















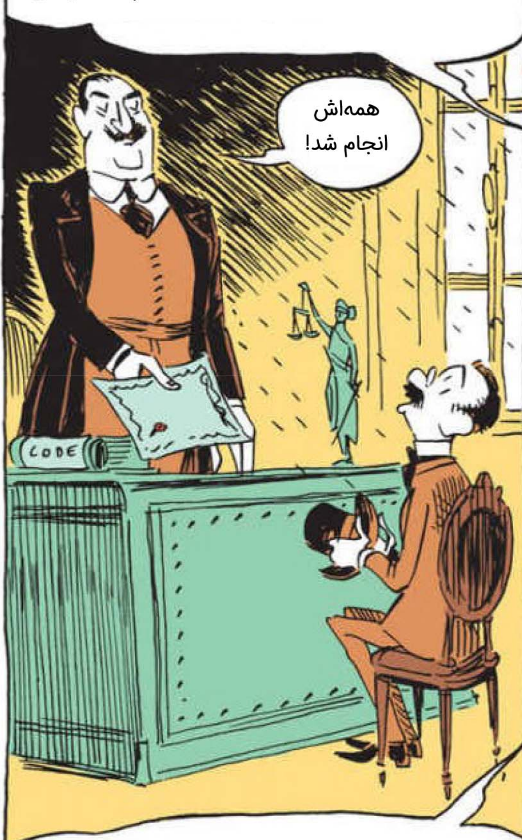
Dynamic_M1nd

با توجه به عقاید کاتولیکی، اگر یک روحانی کاتولیکی موقرانه لباس مقدسش رو بپوشه و کلمات درست رو در زمان درست بگه، نون و شراب معمولی تبدیل به گوشت و خون خدا میشه.



و، اجی مجی، نون تبدیل به گوشت خدا میشه. میلیون‌ها کاتولیک مذهبی طوری رفتار می‌کنن که انگار خدا واقعاً در اون نون تقدیس شده هستش.

با توجه به سیستم حقوقی فرانسه، اگر یک وکیل تمام رویه‌های درست رو پیروی کنه، همه‌ی املاها رو درست بنویسه و در یک تیکه کاغذ تزئین‌شده‌ی زیبا، سوگند بخوره و امضای پر آب‌وتابش رو پایین سند بزنه بعدش، اجی مجی-یک شرکت میشه شرکت سهامی.



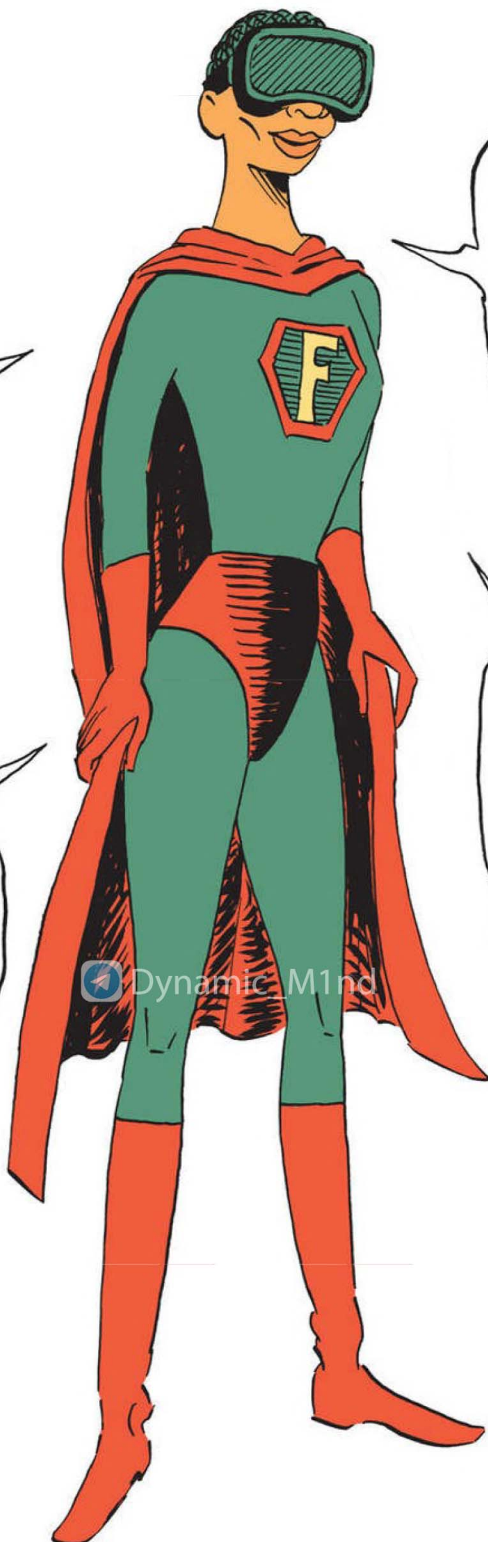
پس آرماند وقتی که تو می‌خواستی در ۱۸۹۶ شرکتت رو برپا کنی، به یک وکیل پول دادی که تمام این رویه‌های مقدس رو انجام بده. وقتی که وکیل تشریفات رو انجام داد و کلمه‌های جادوییش رو گفت، میلیون‌ها شهروند فرانسوی طوری رفتار کردن که انگار شرکت پژو واقعاً وجود داره.





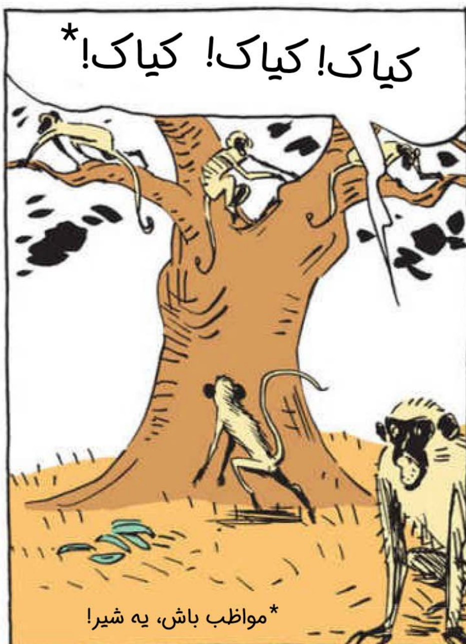
Dynamic_M1nd

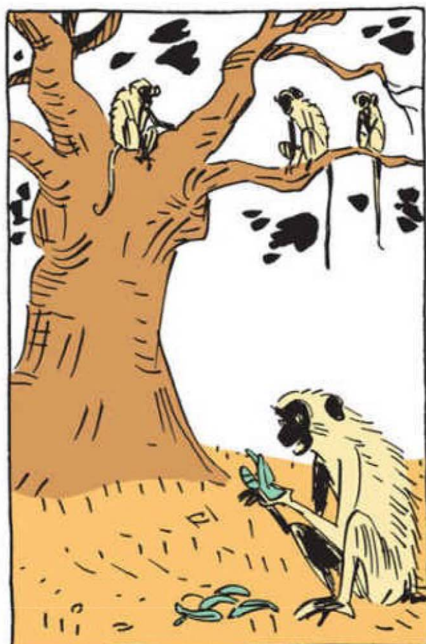


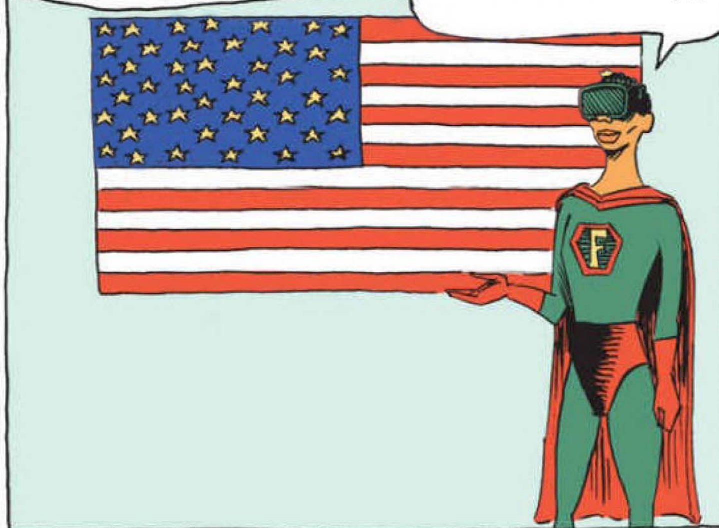


Dynamic_M1nd















Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd

۱۹۱۴

بیاید جنگ جهانی اول رو بررسی کنیم. چرا آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها جنگیدن؟

این به‌ندرت درسته.

مردم فکر می‌کنن که انسان‌ها مثل شامپانزه‌ها به‌خاطر قلمرو و غذا می‌جنگن.

اون‌ها نه غذا کم داشتن نه سرزمین کوچکی داشتن.

در ۱۹۱۴ زمین کافی برای ساخت خونه برای کل جمعیت آلمان و فرانسه و غذای کافی برای تغذیه‌ی همشون بود.

ولی اون‌ها به جنگ رفتن چون نمی‌تونستن روی یک داستان توافق داشته باشن.

دریای بالتیک
دریای شمال
بریتانیا
لندن
اقیانوس اطلس
هلند
برلین
آلمان
روسیه
بلژیک
پاریس
استادل
اتریش-مجارستان
ولنتینی
وین
فرانسه
سوئیس
دریای سیاه
ایتالیا
رم
دریای مدیترانه
امپراطوری عثمانی

در حقیقت اون‌ها سرزمین خیلی کوچک‌تری از ۱۹۱۴ دارن. چون اون‌ها امپراطوری مستعمراتی بزرگشون رو رها کردن.

امروز فرانسه و آلمان در صلح هستن نه به‌خاطر اینکه سرزمین بزرگتری دارن.

فرانسه و آلمان به سادگی، داستانی پیدا کردن که جفتشون بهش باور داشتن.

سوئد
دانمارک
دریای بالتیک
دریای شمال
بلاروس
ایرلند
لهستان
بریتانیا
اقیانوس اطلس
هلند
آلمان
بلژیک
جمهوری چک
اسلواکی
مولداوی
فرانسه
رمانی
اتریش
مجارستان
سوئیس
اسلوونی
دریای سیاه
کرواسی
صربستان
بلغارستان
مقدونیه‌ی شمالی
ایتالیا
اسپانیا
ترکیه
مونتنگرو
آلبانی
یونان
دریای مدیترانه

Dynamic_M1nd


انسان‌ها واقعاً حیوانات عجیبی هستن.
پس در اصل همه‌چی افسانه هستش؟


نه، نه... واقعیت همچنان وجود داره.
وقتی یک نفر در جنگ کشته می‌شه، خیلی هم واقعیه.


افسانه‌ها خیلی مهم هستن چون بهمون کمک می‌کنن تا همکاری کنیم. اگر مردم به پول و شرکت‌های سهامی باور نداشته باشن، شبکه‌ی تجارت جهانی از هم می‌پاشه.


اگر مردم به ملت‌ها اعتقاد نداشتن، مالیات نمی‌دادن...
...بعد هیچ سیستم ملی تحصیلی و بیمه‌ای هم وجود نداشت.


اما انسان‌های خردمند نباید هیچ‌وقت فراموش کنن که افسانه‌ها فقط ابزار هستن! ما رویاپردازیشون کردیم که به درد احتیاجاتمون بخورن!


مردم نباید برده‌ی ابزار خودشون بشن! اگر مردم این رو فراموش کنن و شروع به جنگ‌افروزی برای سود شرکتی یا افتخار کشوری کنن؛ واقعاً وحشتناک میشه.
Dynamic_M1nd


اما ما چطور می‌تونیم بگیم که قهرمان یک داستانی واقعی یا اختراع شده هستش؟
از خودت بپرس: این قهرمان می‌تونه رنج بکشه؟


یک شرکت سهامی حتی اگر ورشکسته هم بشه، نمی‌تونه رنج بکشه. ذهن نداره و نمی‌تونه درد یا ناراحتی رو حس کنه.
هو هو هو! اصلاً درد نداشت!


یک ملت هم نمی‌تونه رنج بکشه، حتی اگر جنگی رو ببازه.


اما یک انسان زخمی شده در جنگ می‌تونه واقعاً رنج بکشه.
Dynamic_M1nd


به همین خاطره که ما باید مراقب باشیم که یک انسان واقعی، برای یک افسانه رنج نکشه.
بله، البته.


اما هنوز یک چیزی هست که من نمی‌فهمم...
چیه، زویی؟















Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd













توانایی ما در خلق واقعیت خیالی از کلمه‌ها، همکاری موثر تعداد زیادی از غریبه‌ها رو ممکن کرد.

Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd





از زمان انقلاب شناختی، انسان‌های خردمند توانایی مکرری برای اصلاح رفتار داشته تا با نیازهای متغیرش تطبیق پیدا کنه. این به فرگشت فرهنگی سرعت داد تا از فرگشت ژنتیکی آهسته، جلو بزنه.







Dynamic_M1nd















به همین دلیل هم انسان‌های کهن هیچ انقلابی رو آغاز نکردن.

تا اون‌جایی که ما می‌تونیم بگیم، تغییر در الگوهای اجتماعی، اختراع تکنولوژی‌های جدید و ساکن شدن در زیست‌گاه‌های بیگانه، بیشتر حاصل جهش‌های ژنتیکی و فشارهای محیطی هستش تا ابتکارهای فرهنگی.

من اینجا اعلام می‌کنم که موج‌سواری در این تابستون خیلی داغه!

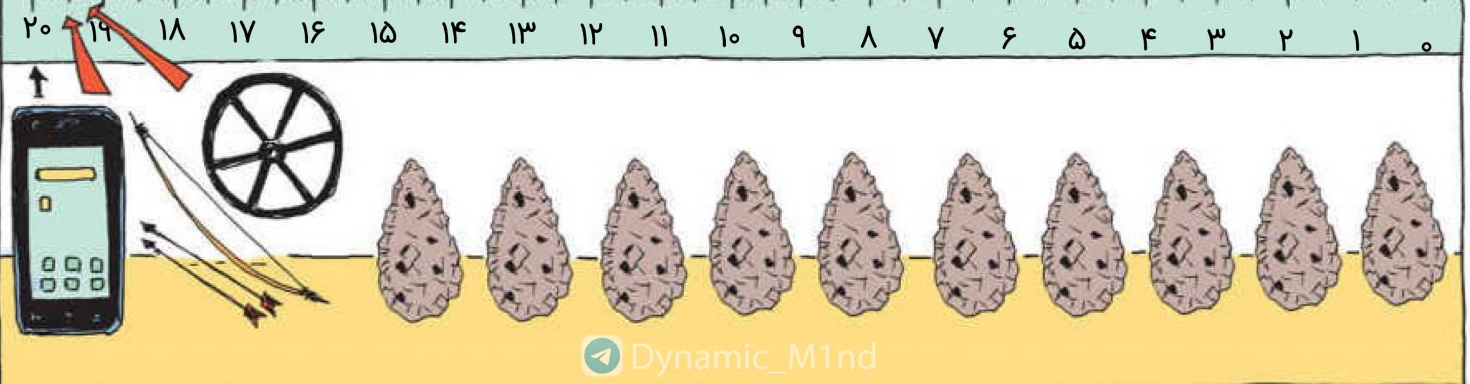
بیاید بریم، رفیقا!

؟

برای همینه که برای انسان‌های باستانی صدها هزار سال طول کشید تا این تغییرات رو ایجاد کنن.

دو میلیون سال پیش، جهش ژنتیکی نوع جدیدی از گونه‌ی انسان به اسم هومو ارکتوس(انسان راست‌قامت) رو به وجود آورد. تکنولوژی سنگی جدیدی همون موقع پدیدار شد که حالا به عنوان یک ویژگی مختص انسان خردمند شناخته میشه.

باشه، باشه...
این فقط یک حدس بود...



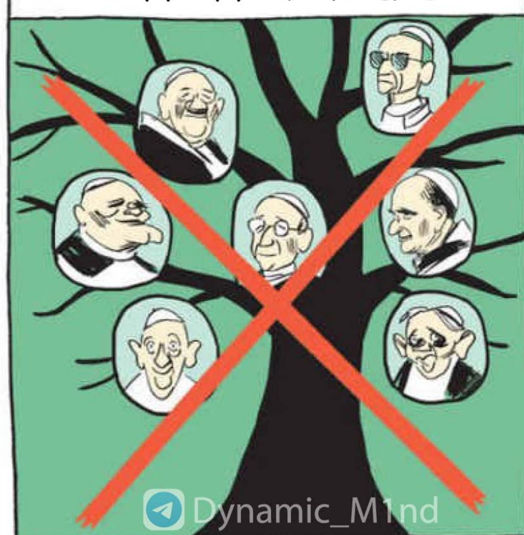
Dynamic_M1nd











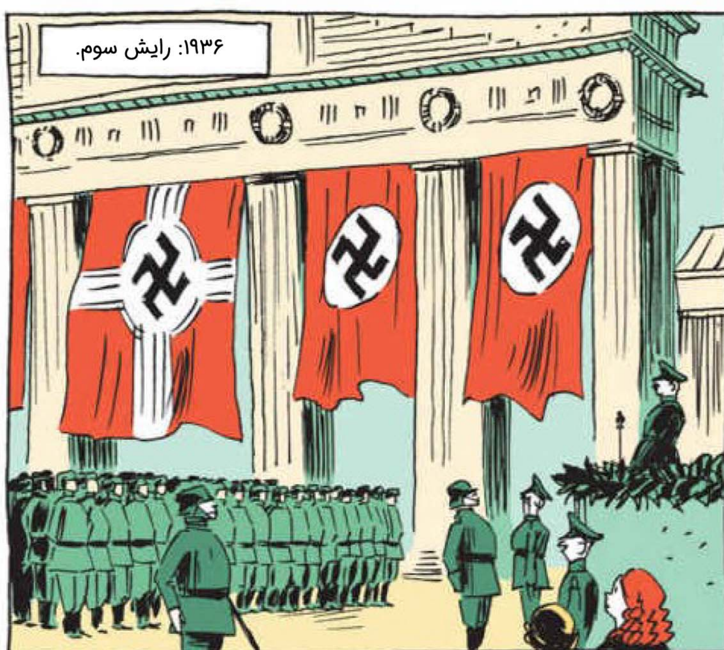
Dynamic_M1nd





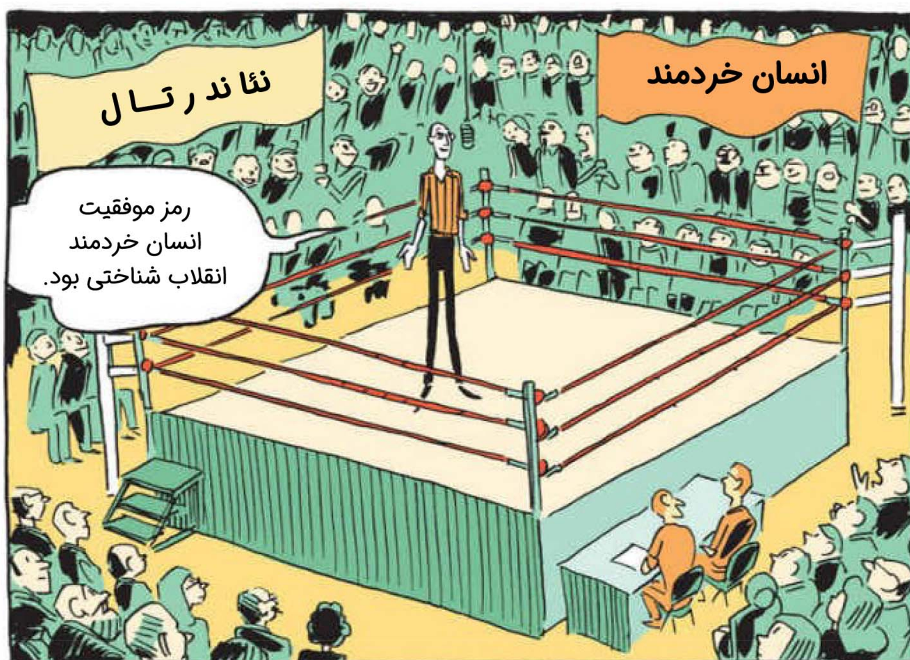

۱۹۱۴: رایش دوم.
بیاید یک نگاهی بندازیم به زندگی زنی که در برلین سال ۱۹۰۰ به دنیا اومده...


۱۹۲۴: جمهوری ویمار.


۱۹۳۶: رایش سوم.


۱۹۶۱: دیوار برلین، شرق و غرب آلمان رو از هم جدا می‌کنه.
خطر!
خط مرزی!
Dynamic_M1nd


۱۹۸۹: اتحاد دوباره‌ی آلمان.
اون پنج رژیم مختلف رو تجربه کرد و ساختار دی‌ان‌ای اون دقیقاً همون‌طور باقی موند.


انسان خردمند
نئاندرتال
رمز موفقیت انسان خردمند انقلاب شناختی بود.


در یک مسابقه‌ی رودررو احتمالاً یک نئاندرتال می‌تونست انسان خردمند رو بزنه.


اما در یک دعوای با مقیاس بزرگتر نئاندرتال‌ها هیچ شانسی نداشتن.
Dynamic_M1nd


چرا ما همش می‌بازیم؟ ما که بزرگ‌تر و قوی‌تریم!
ما هم می‌تونیم به همدیگه بگیم که شیرها دارن چیکار می‌کنن!
بله ولی نه مثل انسان خردمند... و احتمالا نمی‌تونین درباره‌ی روح‌های نگهبان قبیله داستان تعریف کنین.
ها؟ درباره‌ی چی؟
داستان‌هایی درباره‌ی روح‌های قبیله‌ای می‌تونه کمکتون کنه... برای مثال: جلب اعتماد غریبه‌ها.
اعتماد به غریبه‌ها؟ اوه، خیلی خطرناکه!















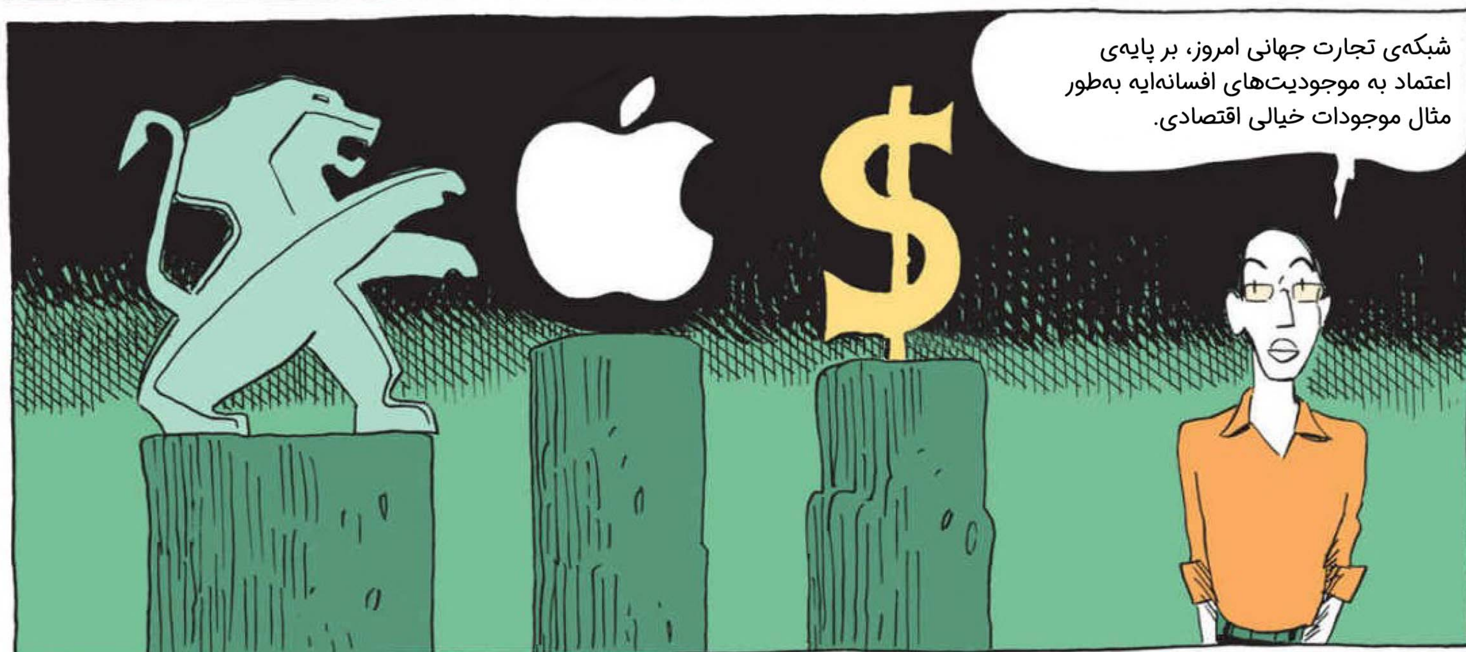


Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd

ولی درباره‌ی مبادله دیگه حرفی نباشه، لطفاً!
باشه. درباره‌ی شکار کردن حرف می‌زنیم.
تکنیک شکار کردن شما با انسان خردمند فرق می‌کنه، درسته؟ بگید چطور شکار می‌کنید...
خب... وقتی گرسنه می‌شیم وقت رفتن به شکاره...
تنهایی؟
بله.
بعضی وقت‌ها دو یا سه تایی.
آها، ولی انسان‌های خردمند یاد گرفتن که چطوری در گروه‌های چند ده نفره شکار کنن. بعضی مواقع حتی چند صد نفر از انسان‌های خردمند از گروه‌های مختلف.
که چی؟
خب، موفق باشن!





Dynamic_M1nd

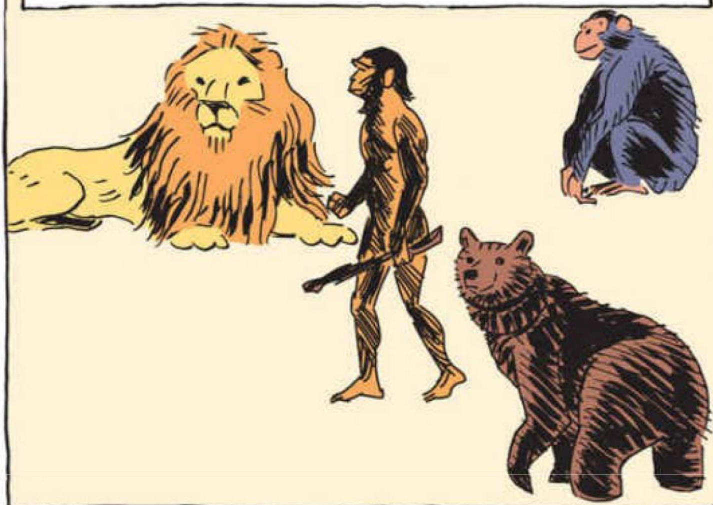


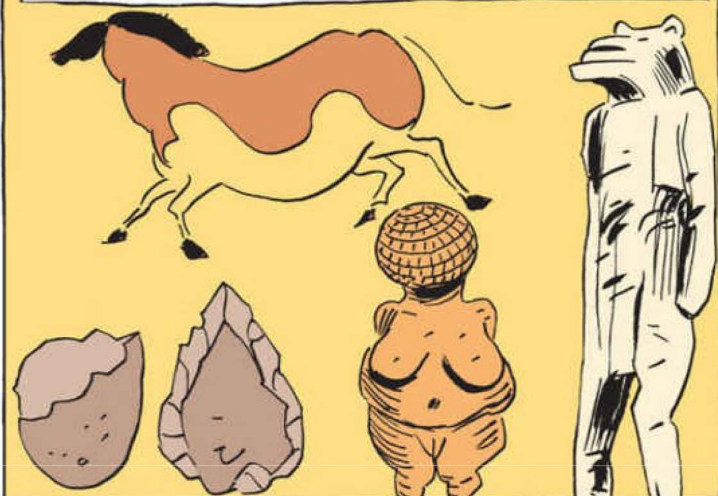


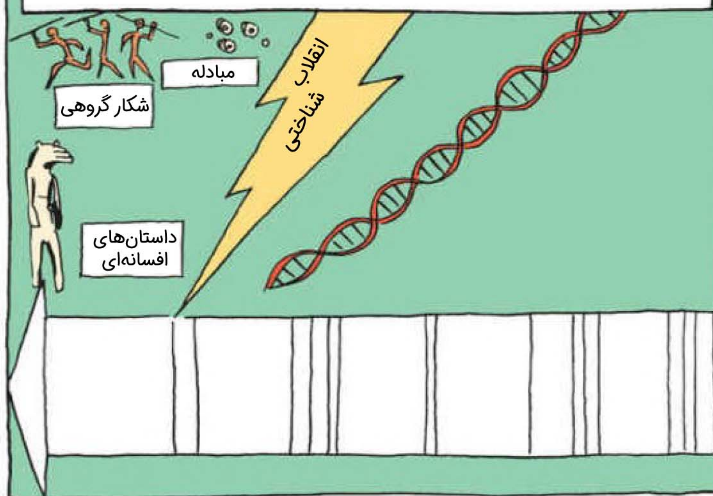










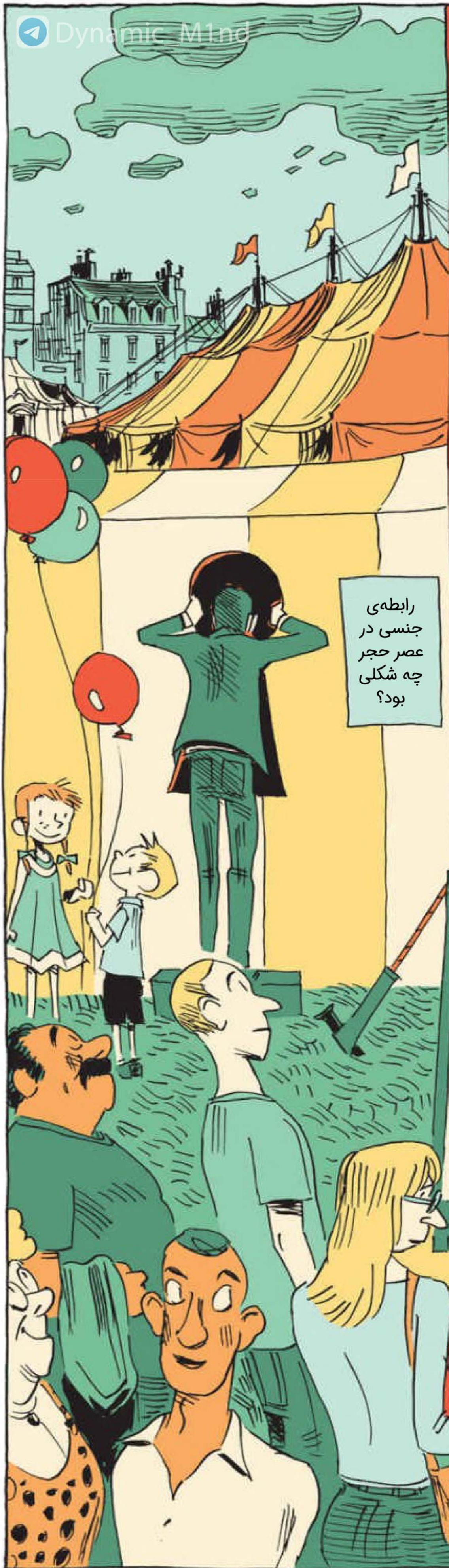


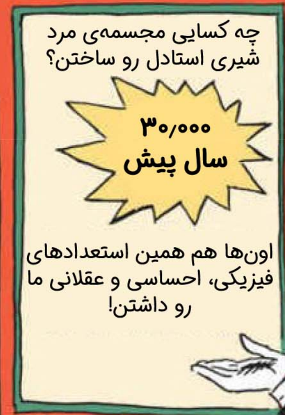




Dynamic_M1nd

Dynamic_M1nd







سکس، دروغ و
نقاشان غار











Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd


اووف! اوه!


اوه، یووال!
رسیدی بالاخره!
صبح بخیر، پروفسور ساراسواتی!
Dynamic_M1nd


ای وای، دیر کردی! اگه عجله نکنیم سروقت به کنفرانس نمی‌رسیم. زودباش از این‌طرفه.
هووف، هووف، دارم میام، پشت سرتم...

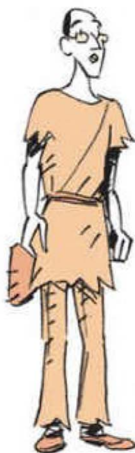

خوشحالم که به این کنفرانس دعوت شدم-در ریو بودن عالیه!
تو چه‌طور، یووال؟
بله، منم، خوشحالم، هووف، هووف!
من از ایده‌شون درباره‌ی دعوت مردم عادی به کنفرانس خوشم میاد. برای همه مفیده که بیشتر درباره‌ی نیاکان جستجوگرمون بدونیم.
FASHION


بله و اون‌ها همکارهای خوبی دارن. فکر کنم قراره عالی بشه.
امیدوارم وقتی رسیدیم نفس تو هم برگرده سرجاش!
هووف! هووف!







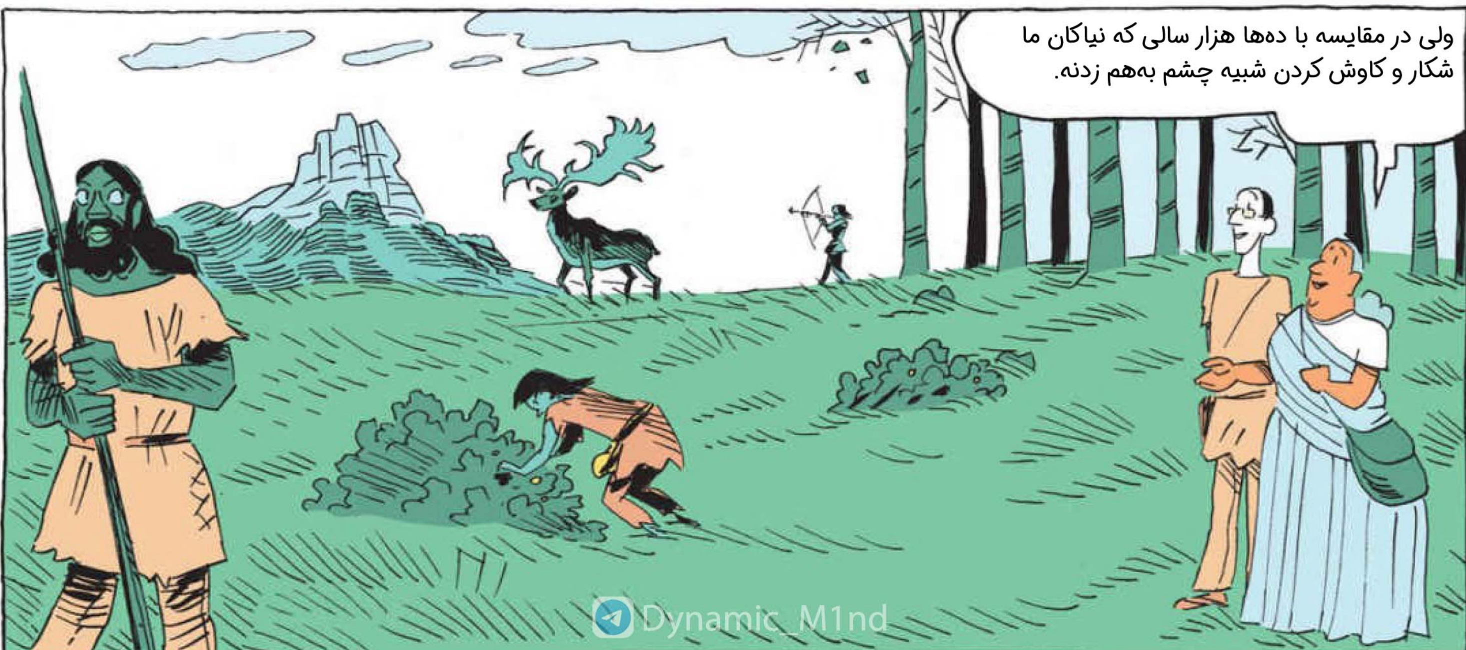













Dynamic_M1nd


درسته. ما تقریباً تمام تاریخمون به عنوان انسان خردمند رو کاوش‌گر زندگی کردیم. و روان‌شناسی تکاملی پیشنهاد می‌کنه که بیشتر مشخصه‌های روان‌شناسی و اجتماعی‌ای که داریم در دوران طولانی ماقبل کشاورزی شکل گرفته.
Dynamic_M1nd

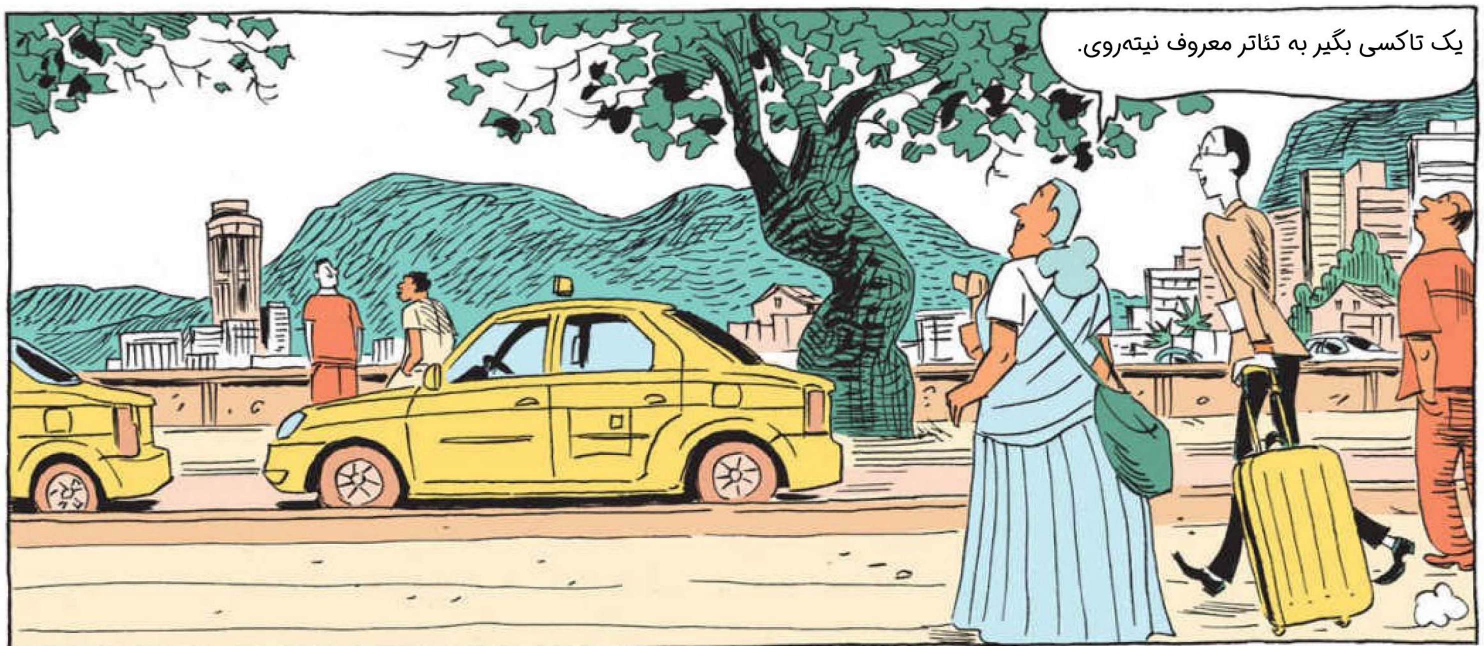

پس مغز ما هنوز برای زندگی به‌عنوان یک شکارگر-خوراک‌جو سازگار هستش.

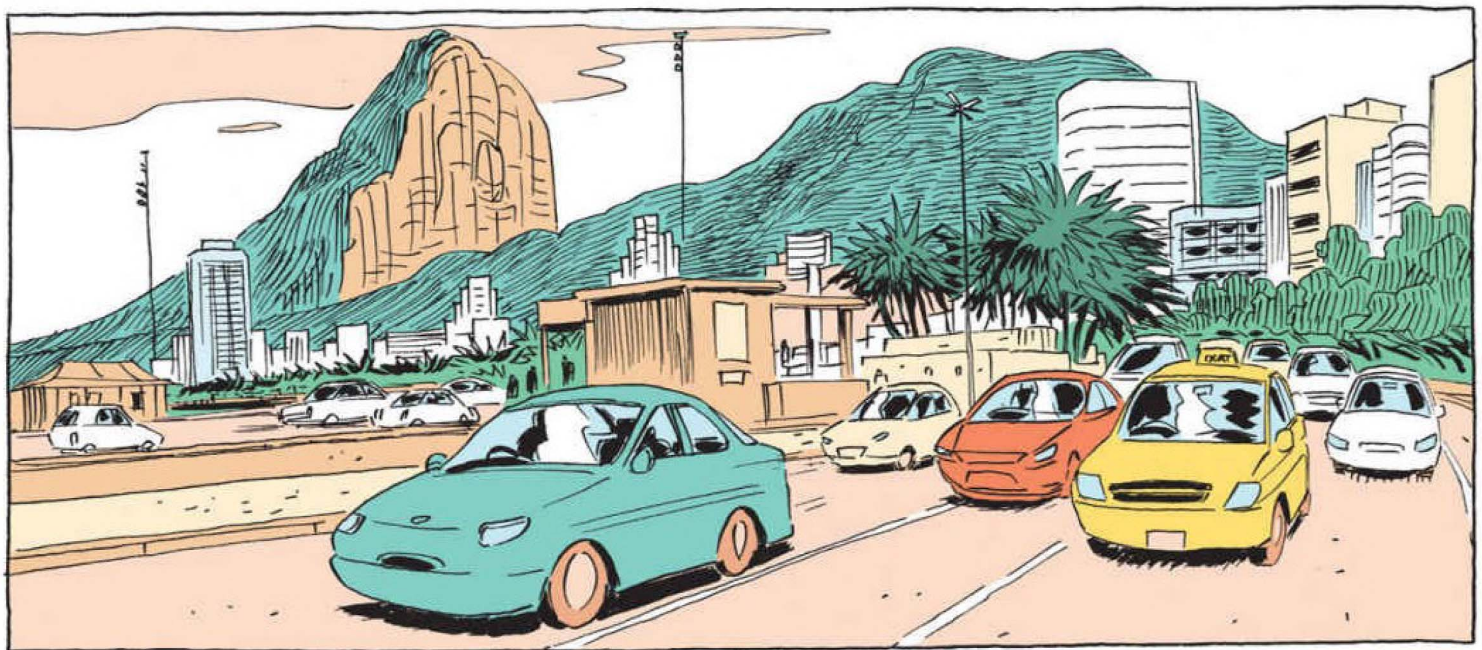

عادت‌های تغذیه‌ای ما، درگیری‌های ما و جنسیتمون همگی نتیجه‌ی مغزهای شکارگر-خوراک‌جوی ماست که داره با دنیای پساصنعتی دست‌وپنجه نرم می‌کنه.

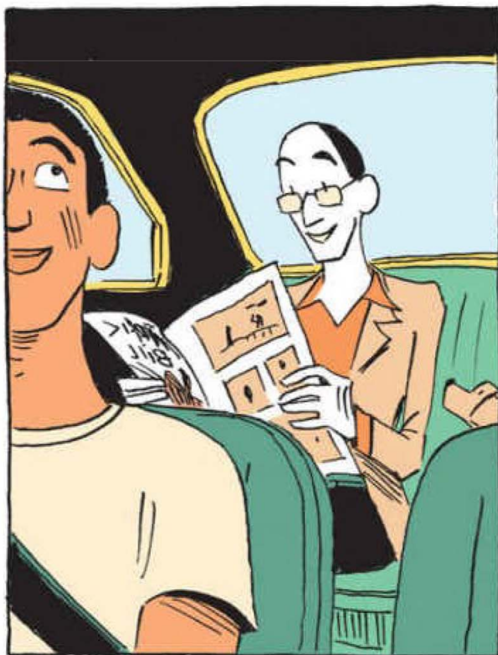

STAVA
این محیط مدرن به ما منابع مادی و طول عمر بیشتری نسبت به نسل‌های قبل میده.
BURGER QUEEN
OPEN 24/7
Dynamic_M1nd

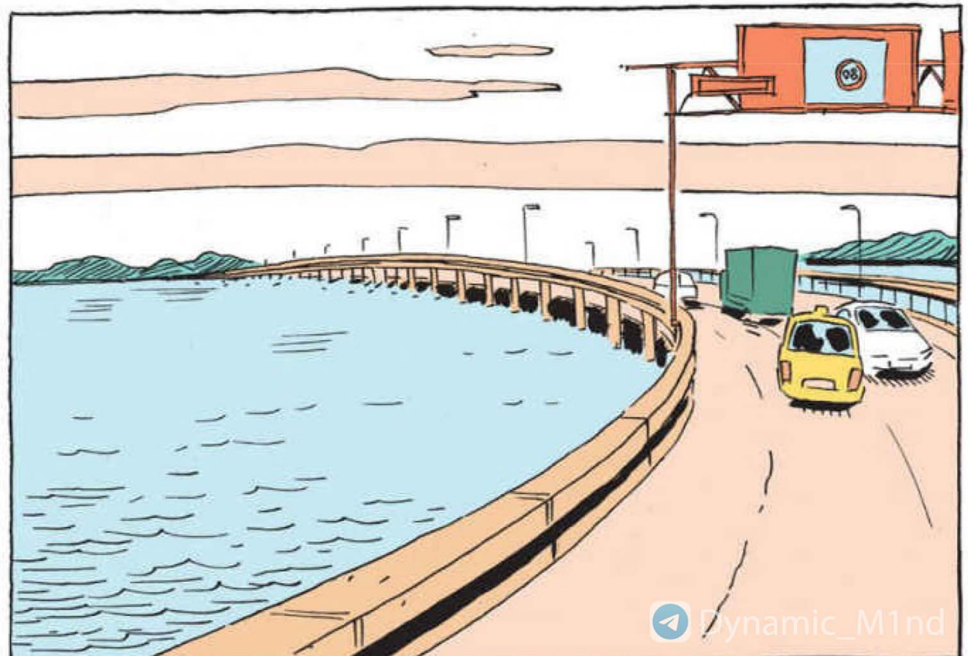

اما اغلب بهمون حس بیگانگی، افسرده و تحت فشار بودن میده.
عصر جدید


دقیقاً درست میگی یووال. و برای دونستن دلیلش نیاز به کاوش در دنیای شکارگر-خوراک‌جو داریم که بهمون شکل داد.
چون ناخودآگاه ما هنوز در اون جهان زندگی می‌کنه.








Dynamic_M1nd


۳۰،۰۰۰ سال پیش
اه! اون بیل لعنتی هنوز از شکار برنگشته خونه...


امروز اصلا روز خوبی برای جستجوی غذا نیست...

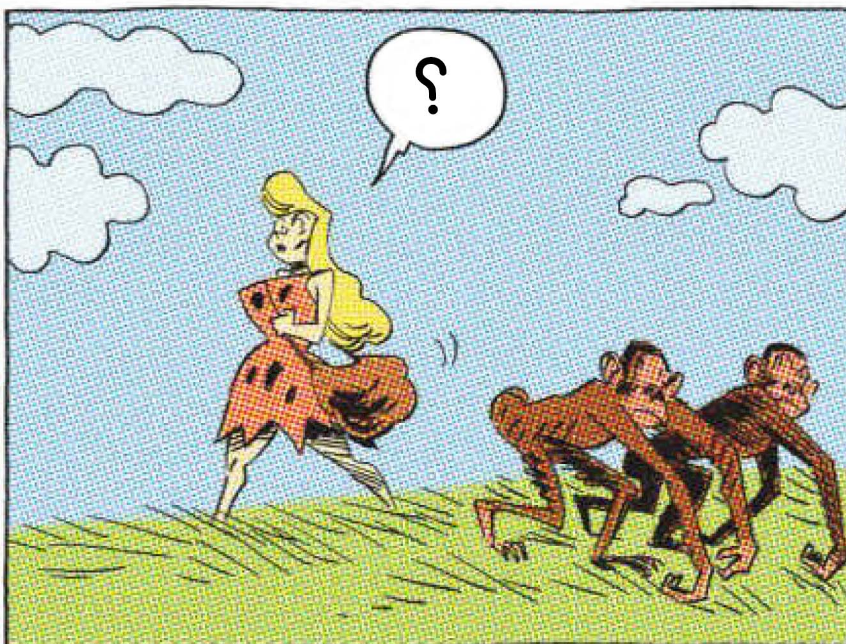

داره گشنم می‌شه، خواستم بگم!

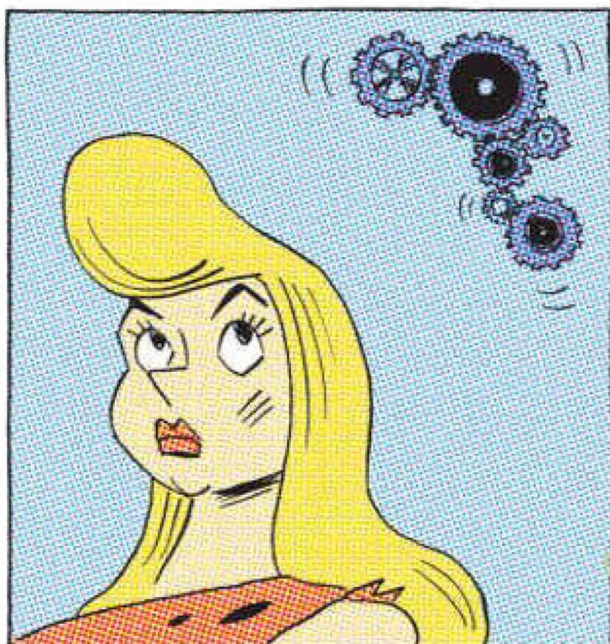

واو! خوش به‌حالم! انجیرهای رسیده!


هممم! بالاخره، یکم شکر! خیلی وقت بود!


بیشتر از چیزیه که بتونم با خودم ببرم، عالیه!

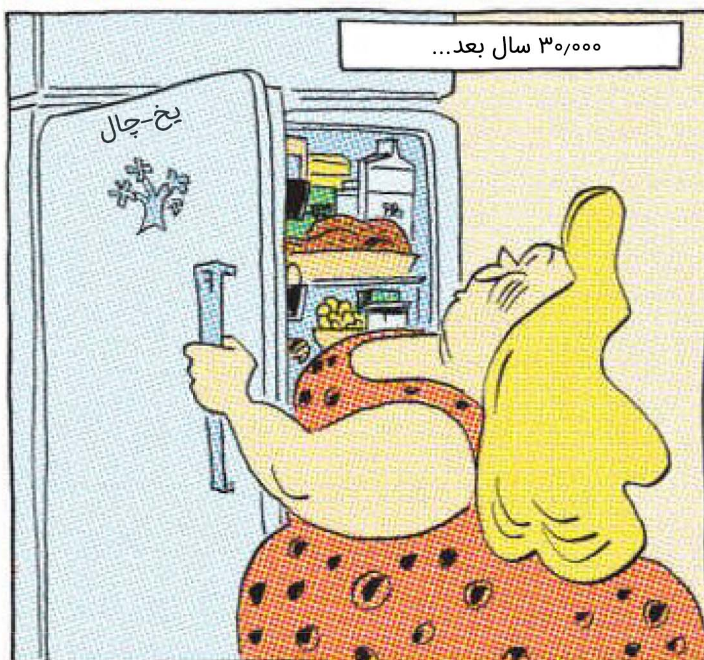

فردا برمی‌گردم باز!

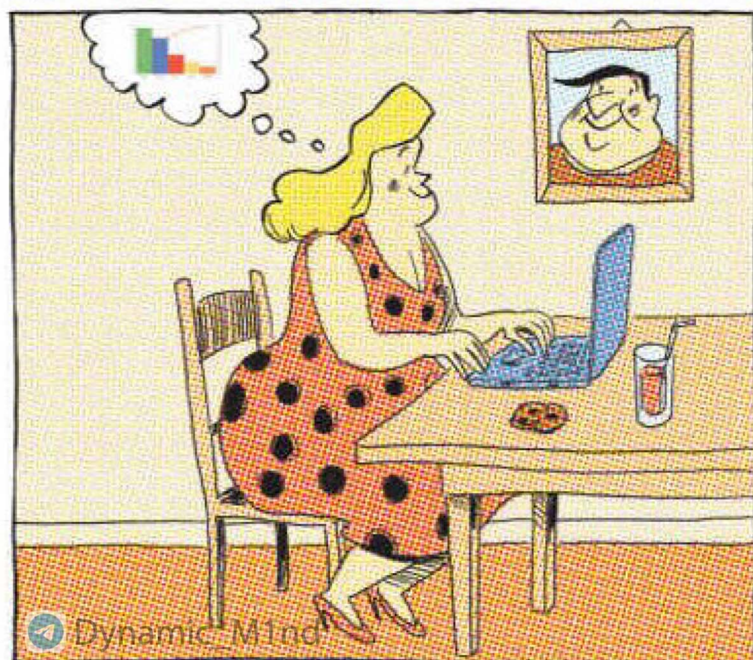






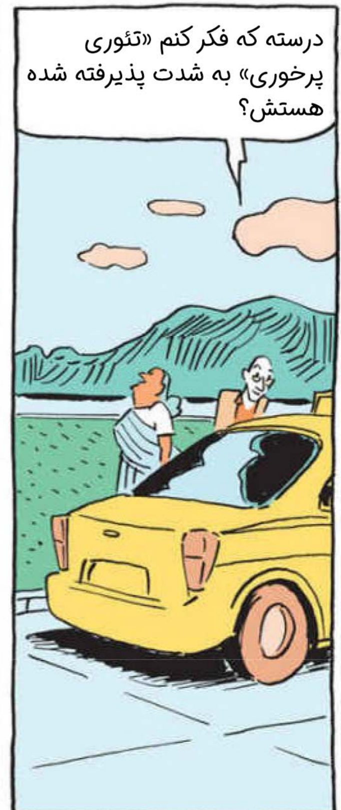
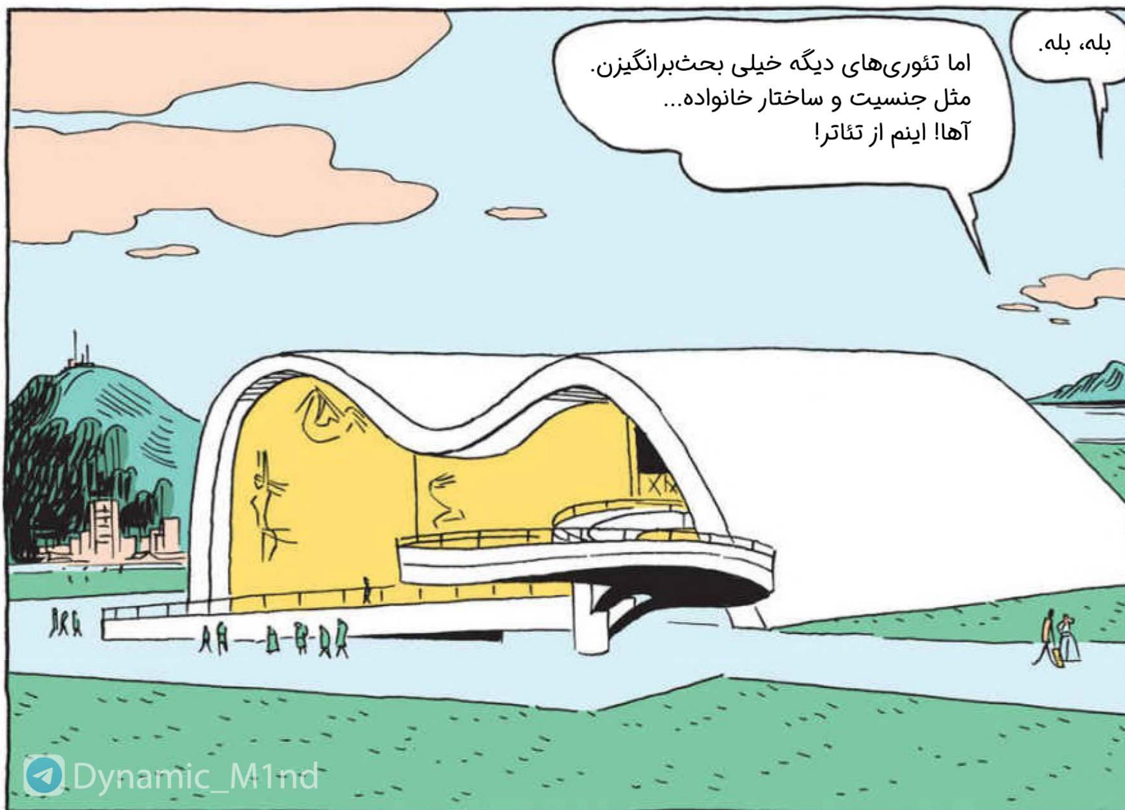





Dynamic_M1nd


می‌بینم که زویی بهت مجله‌ی خنده‌دارش رو داده.
بله، واقعاً خوبه، بیا، یه نگاه بنداز.

چقدر درسته.
شرکت‌های بزرگ می‌تونن با غذاهای پر از شکر و چربی ما رو وسوسه کنن به‌خاطر تمایلی که از نیاکان شکارگر-خوراک‌جومون به ارث بردیم.
بیل
ماقبل تاریخ

امروزه چاقی و دیابت بیشتر از جنگ‌ها مردم رو می‌کشه. اما دوست داشتن شکر و چربی در عصر حجر خیلی منطقی بوده و تنیده شده در دی‌ان‌ای ماست. دی‌ان‌ای ما فکر می‌کنه هنوز در ساواناییم...
اوه! چه زود رسیدیم!

درسته که فکر کنم «تئوری پرخوری» به شدت پذیرفته شده هستش؟

بله، بله.
اما تئوری‌های دیگه خیلی بحث‌برانگیزن. مثل جنسیت و ساختار خانواده...
آها! اینم از تئاتر!
Dynamic_M1nd

من در دستور کار متوجه شدم که تم اصلی کنفرانس درباره‌ی جنسیت و خانوده هستش.
امیدوارم برای یک سری بحث‌های داغ آماده باشی!

اینجاییم!
و سروقت!

پروفسور ساراسواتی! درود، چقدر از دیدنتون خوشحالم!

خیلی از آشنایی باهاتون خوشحالم. من پروفسور آیکو یوشیتا هستم. ریاست میزگرد کنفرانس به عهده‌ی منه. من انسان‌شناس با تخصص تجارت هستم.

صبح بخیر پروفسور یوشیتا. می‌تونم یووال رو بهتون معرفی کنم، تاریخ‌شناسمون.

ممنون بابت دعوتتون پروفسور یوشیتا.

Dynamic_M1nd







خانوم‌ها و آقایون، ممنون که در این میزگرد به ما پیوستین.
در یک ساعت آتی نگاهی می‌کنیم به چگونگی زندگی نیاکانمون انسان‌های خردمند بعد از انقلاب شناختی از ۷۰،۰۰۰ سال پیش تا قبل از شروع انقلاب کشاورزی یعنی ۱۲،۰۰۰ سال پیش.

زندگی در عصر حجر
چگونه بود؟

Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd









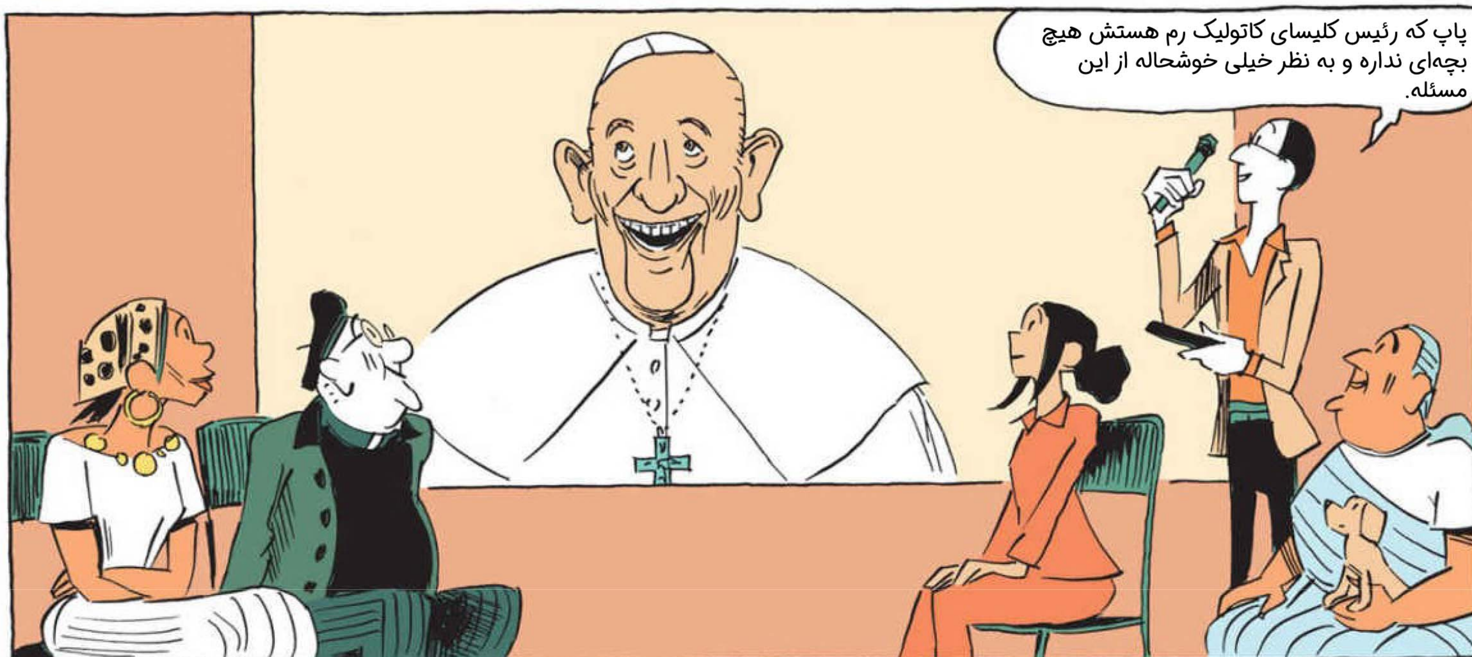


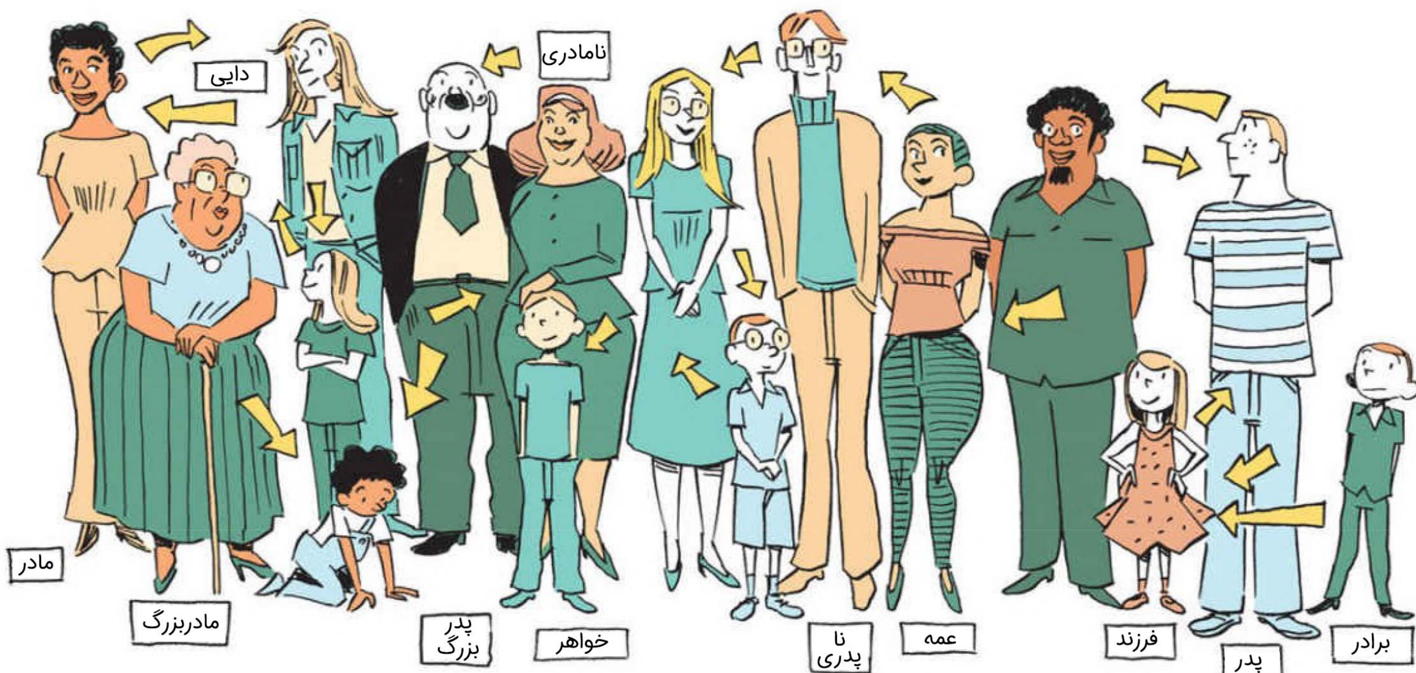

به الیزابت تیلور بازیگر یک نگاهی بندازین. مثلاً اون هشت بار ازدواج کردش!
بله ولی با هفت مرد چون با ریچارد دو دفعه ازدواج کردم، هه! هه!


در بعضی کشورها مثل عربستان سعودی، برای یک مرد قانونیه که هم‌زمان چندین زن داشته باشه.


ولی در کشورهای دیگه دو زن یا مرد می‌تونن با هم ازدواج کنن. مثلاً «خاویر بِتِل»، نخست‌وزیر لوکزامبورگ با یک مرد دیگه ازدواج کرده؛ «گاتیِر دِستنای».
په! اون که یک کشور کوچیکه!


بعضی‌ها یک بچه دارن، بعضی‌ها ده و بعضی هم با نداشتن فرزند همون‌قدر شادن. محمد بن عواد بن لادن، پدر اسامه بن لادن، بیشتر از ۵۰ بچه داشت.
Dynamic_M1nd


پاپ که رئیس کلیسای کاتولیک رم هستش هیچ بچه‌ای نداره و به نظر خیلی خوشحاله از این مسئله.









Dynamic_M1nd

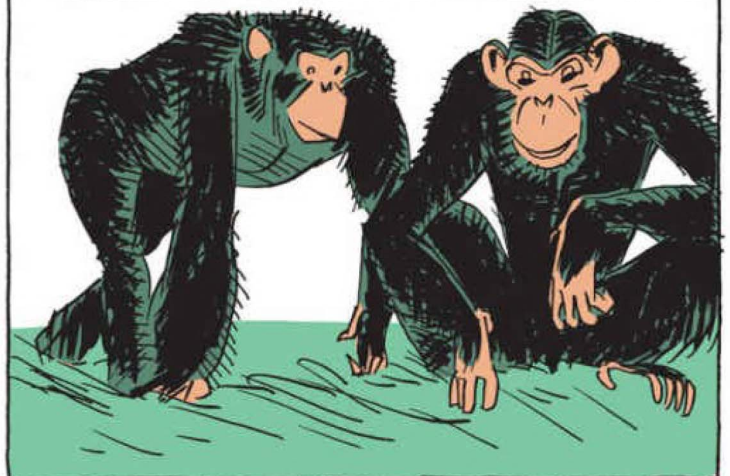














Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd

















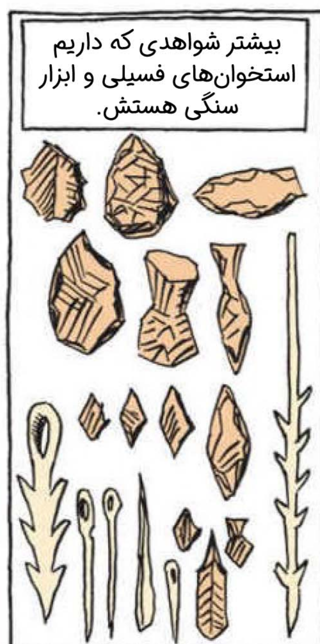


Dynamic_M1nd

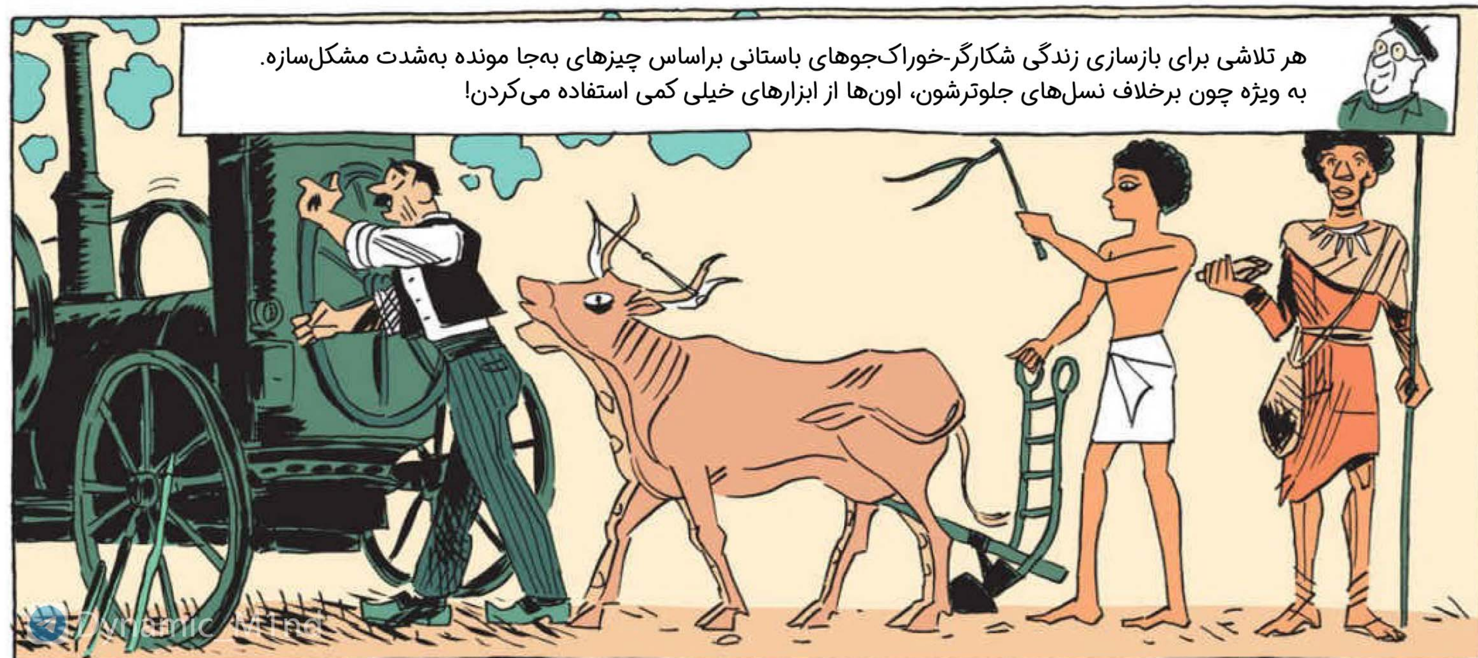

اما مشخصه که این یک تئوریه و همه‌چیز رو توضیح نمیده.
در خیلی از فرهنگ‌ها، خانواده‌های کوچک و تک‌همسری یک اصل قانونیه.
انسان‌ها خیلی پیچیده‌ان و ما به اندازه‌ی کافی درباره‌ی عصر حجر نمی‌دونیم که به نتیجه‌ی قطعی برسیم.


تئوری‌ها برای دانشمندها مهم هستن ولی آخر سر اثباته که مهمه...

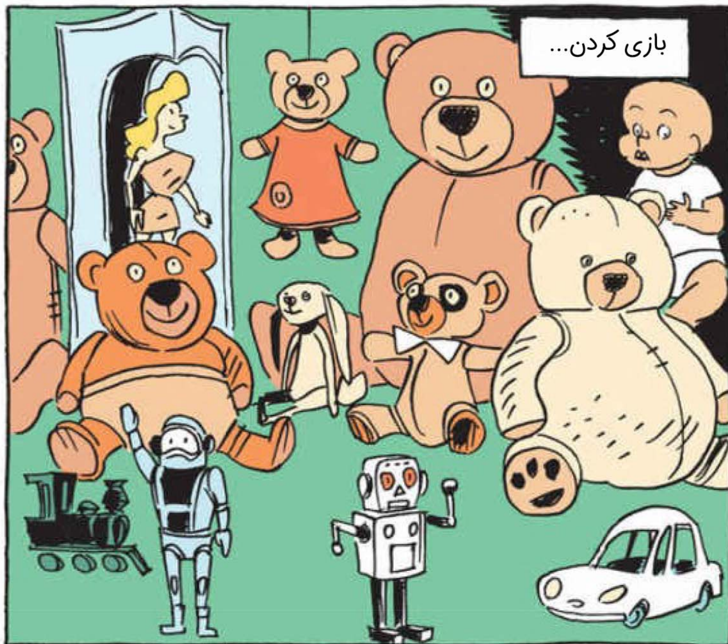

پدر کلوک بهم به عنوان یک انسان‌شناس بگید... چه سرنخ‌های انسان‌شناسی‌ای درباره‌ی زندگی روزمره در عصر حجر داریم؟
وقتی درباره‌ی ساختار خانواده‌های باستانی بحث می‌کنیم؛ مردم خیلی... آم، حساس میشن، حتی میشه گفت خشمگین...
راستش اینه که کل مناظره براساس سرنخ‌های کمیه...

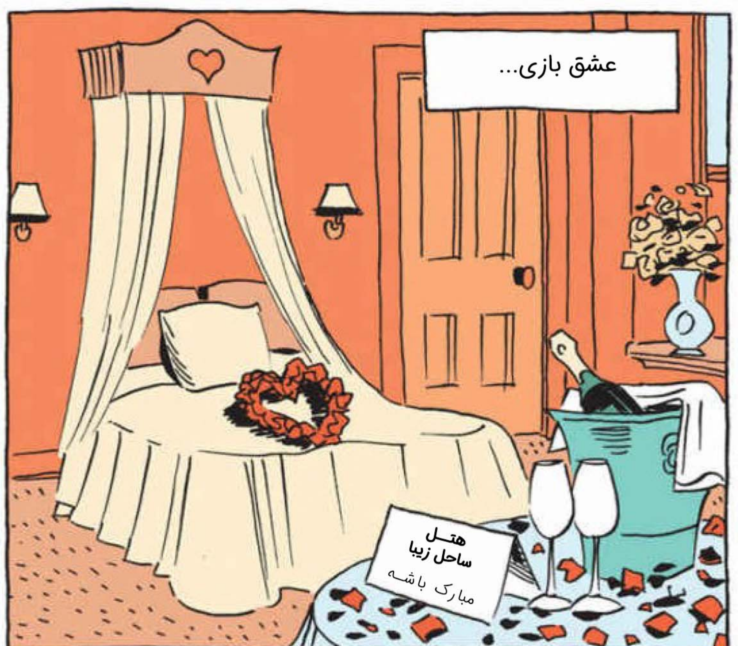

بیشتر شواهدی که داریم استخوان‌های فسیلی و ابزار سنگی هستش.

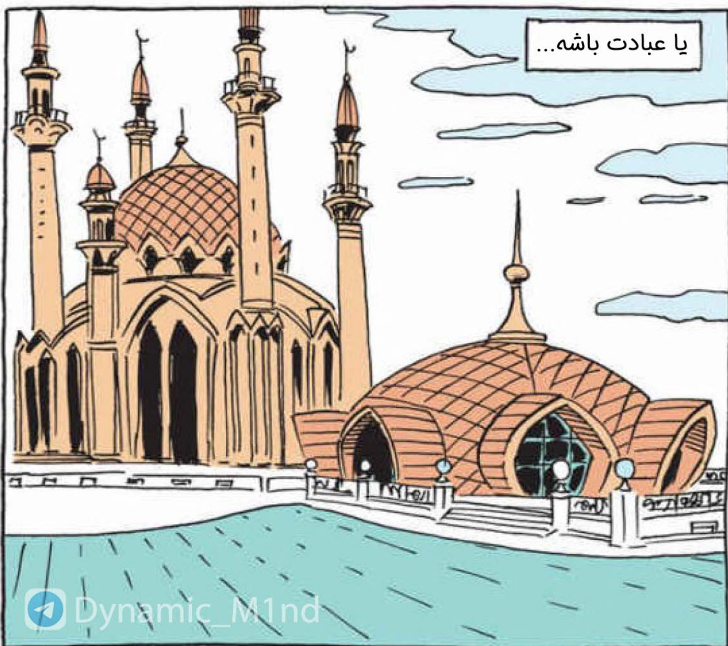

این به ما عقیده‌ی نادرستی میده که نیاکان پیشاکشاورزیمون، در عصر حجر زندگی می‌کردن. درست‌تر اینه که بگیم عصر چوب.
چوب
بامبو
چرم


هر تلاشی برای بازسازی زندگی شکارگر-خوراک‌جوهای باستانی براساس چیزهای به‌جا مونده به‌شدت مشکل‌سازه. به ویژه چون برخلاف نسل‌های جلوترشون، اون‌ها از ابزارهای خیلی کمی استفاده می‌کردن!









Dynamic_M1nd









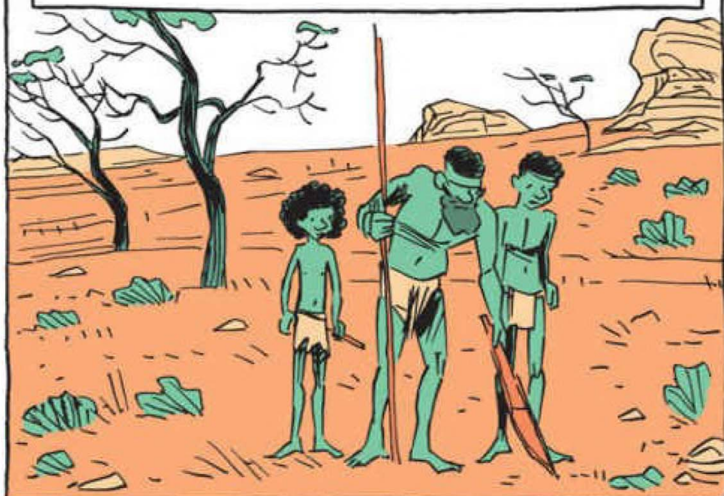




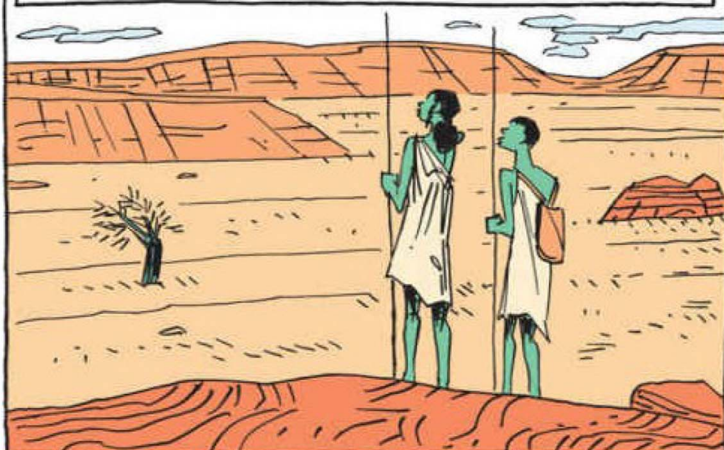


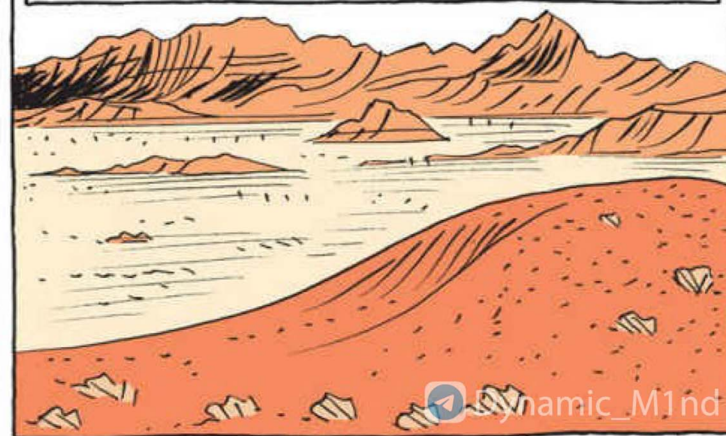
Dynamic_M1nd



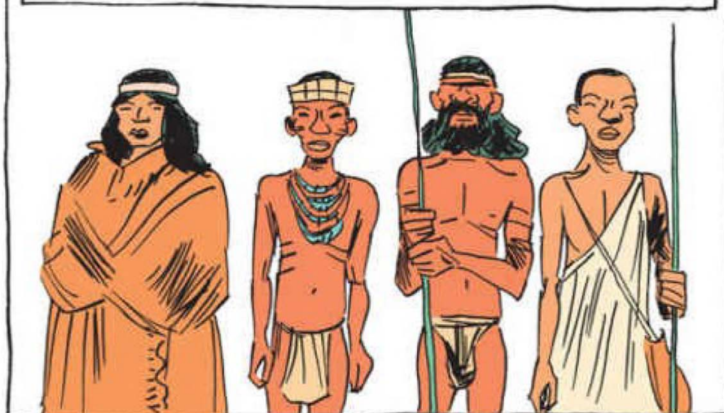


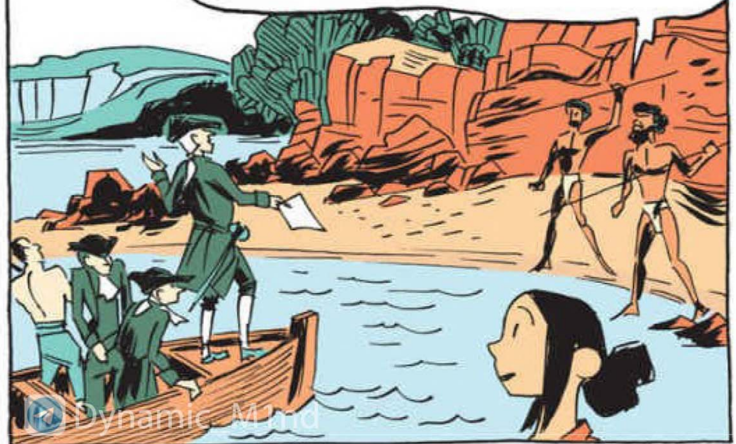






Dynamic_M1nd





Dynamic_Mind

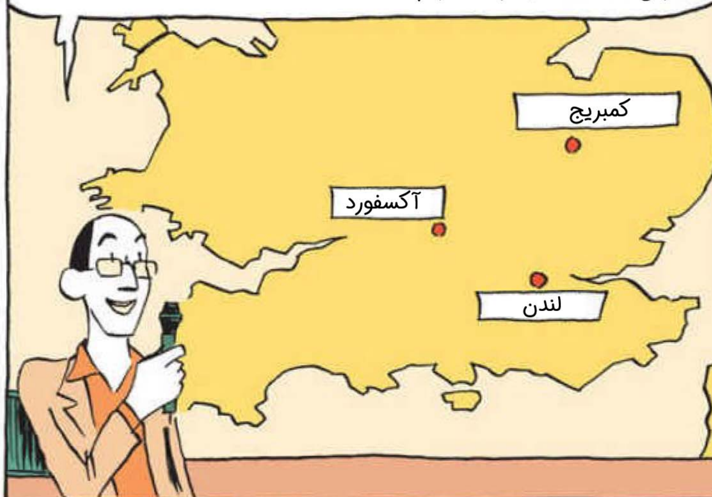












کمبریج	آکسفورد
















Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd









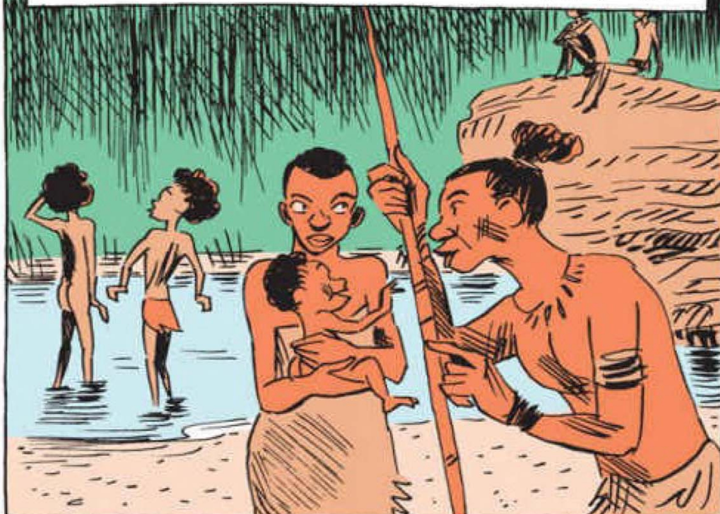
ما واقعاً درباره‌ی جستجوگرانی که در دوران قبل از انقلاب کشاورزی زندگی می‌کردن؛ چی می‌دونیم؟

دره‌ای حاصل‌خیز در ۷۰٬۰۰۰ تا ۱۲٬۰۰۰ سال قبل.

Dynamic_M1nd

البته که قبیله‌های اون‌ها خیلی متفاوت بودن، پس ما می‌تونم چیزی رو تعمیم بدیم؟


میشه گفت که خیلی از مردم در گروه‌های کوچک متشکل از چند ده یا حداکثر چند صد نفر، زندگی می‌کردن.

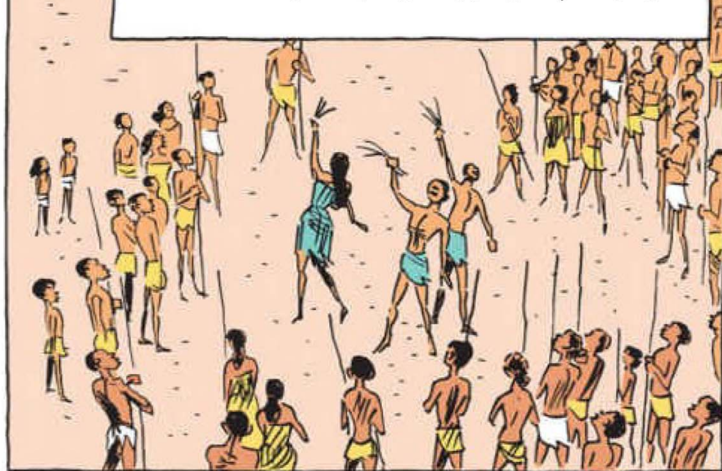

اعضای یک گروه خیلی صمیمانه همدیگه رو میشناختن و در طول زندگی با دوستان و فامیل احاطه شده بودن. تنهایی و حریم شخصی خیلی نادر می‌تونست باشه.


گروه‌های همسایه احتمالاً بر سر منابع رقابت داشتن و گاهی ممکن بود که باهم بجنگن.


ولی می‌تونستن روابط دوستانه هم داشته باشن. اون‌ها اعضای خودشون رو جابه‌جا می‌کردن، اطلاعات به اشتراک می‌گذاشتن، با هم شکار می‌کردن و چیزهای لاکچری خیلی نادری مثل صدف دریایی مبادله می‌کردن.


بعضی گروه‌های همسایه در مقابل خارجی‌ها متحد می‌شدن.

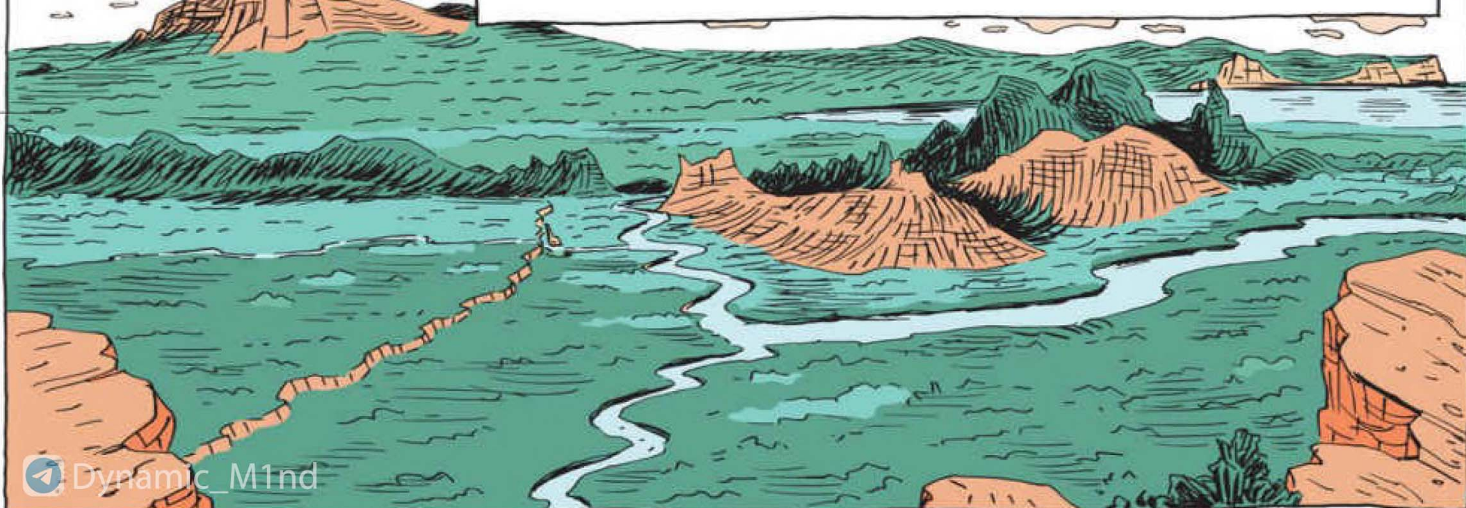

این نوع از همکاری شاخصه‌ی مهم انسان خردمند بود که باعث شد بر گونه‌های دیگه‌ی انسانی پیشگام باشن.
Dynamic_M1nd


گاهی وقت‌ها ارتباط با گروه‌های همسایه به اندازه‌ای نزدیک بود که یک قبیله با یک زبان مشترک، افسانه‌ها، هنجارها و ارزش‌های مشترک تشکیل می‌دادن. اعضای قبیله‌ای مثل این ممکن بود به چندین هزار انسان خردمند برسه.


ولی باید مراقب باشیم که اهمیت روابط خارجی رو دست‌کم نگیریم. قبیله‌ها به‌ندرت دور هم جمع می‌شدن. مثلاً برای بعضی فستیوال‌های سالانه. بیشتر مواقع گروه‌های کوچک کاملاً مستقل و در انزوای کامل زندگی می‌کردن.


قبیله یک چهارچوب سیاسی همیشگی نبود و حتی اگر هم مکان‌های فصلی ثابتی داشتن اما هیچ شهر و نهاد همیشگی‌ای وجود نداشت.


یک آدم عادی ماه‌ها بدون دیدن یا شنیدن صدای یک نفر از گروه دیگه‌ای زندگی می‌کرد و شاید بیشتر از چندهزار نفر رو در طول زندگیش نمی‌دید.


این گروه‌های انسان خردمند در گروه‌های به‌نسبت کوچک، در سرزمین‌های پهناور پخش شدن. قبل از انقلاب کشاورزی جمعیت انسان‌های کل سیاره کوچک‌تر از جمعیت امروز یک شهر بزرگ مثل توکیو یا قاهره بود.
Dynamic_M1nd


بیشتر گروه‌های انسان خردمند در حرکت زندگی می‌کردن
و در جستجوی غذا از جایی به جای دیگه سیر می‌کردن.


جابه‌جایی‌های اون‌ها متأثر از تغییر فصل‌ها...


مهاجرت سالیانه حیوانات...

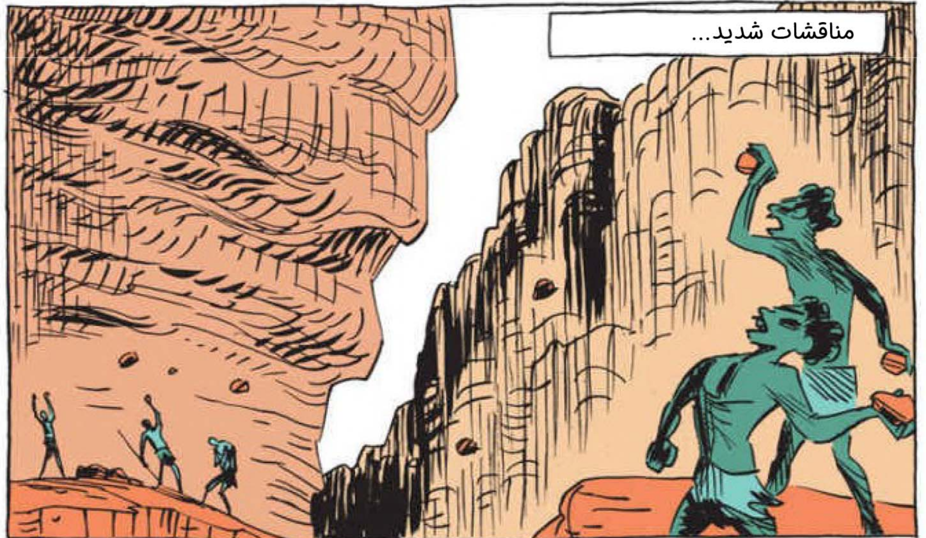

و چرخه‌ی رشد گیاهان بود.


گروه‌ها معمولاً بین سرزمین اقامت یکسانی در رفت‌وآمد بودن-محیطی
بین ده‌ها تا صدها کیلومتر مربع.
Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd





این اکتشافات موتور گسترش جهانی انسان بود. اگر یک گروه جستجوگر هر ۴۰ سال جدا می‌شد و گروه جدا شده به سرزمین جدیدی در ۱۰۰ کیلومتری غربی مهاجرت می‌کرد؛ تقریباً ۱۰،۰۰۰ سال طول می‌کشید تا از شرق آفریقا تا چین پخش بشن.











Dynamic_M1nd




در بیشتر زیست‌گاه‌ها، گروه‌های انسان خردمند منابع غذایی بسیاری داشتن. به موریانه‌ها حمله کردن...


توت کندن...


برای صیفی‌جات زمین رو کندن...


برای شکارهای کوچک کمین کردن...


و حیوانات بزرگ شکار کردن...


باوجود تصویر محبوب «انسان شکارگر»، همچنان فعالیت اصلی انسان خردمند، جستجوگری بود که بیشتر کالری و موادی مثل سنگ چخماق، چوب و بامبو رو براشون فراهم می‌کرد.















Dynamic_M1no


جستجوگرها نه تنها به دنیای اطرافشون و حیواناتش، گیاهانش و اشیائش تسلط پیدا کردن بلکه به جهان درون بدن‌هاشون و حواس‌شون هم تونستن مسلط بشن.


اون‌ها به ریزترین حرکات علف‌ها گوش می‌دادن که اون‌جا ماری کمین نکرده باشه.


اون‌ها با دقت شاخ و برگ درختان رو در امید پیدا کردن میوه‌ها مشاهده می‌کردن...


یک کندو...


یا لانه‌ی یک پرنده...

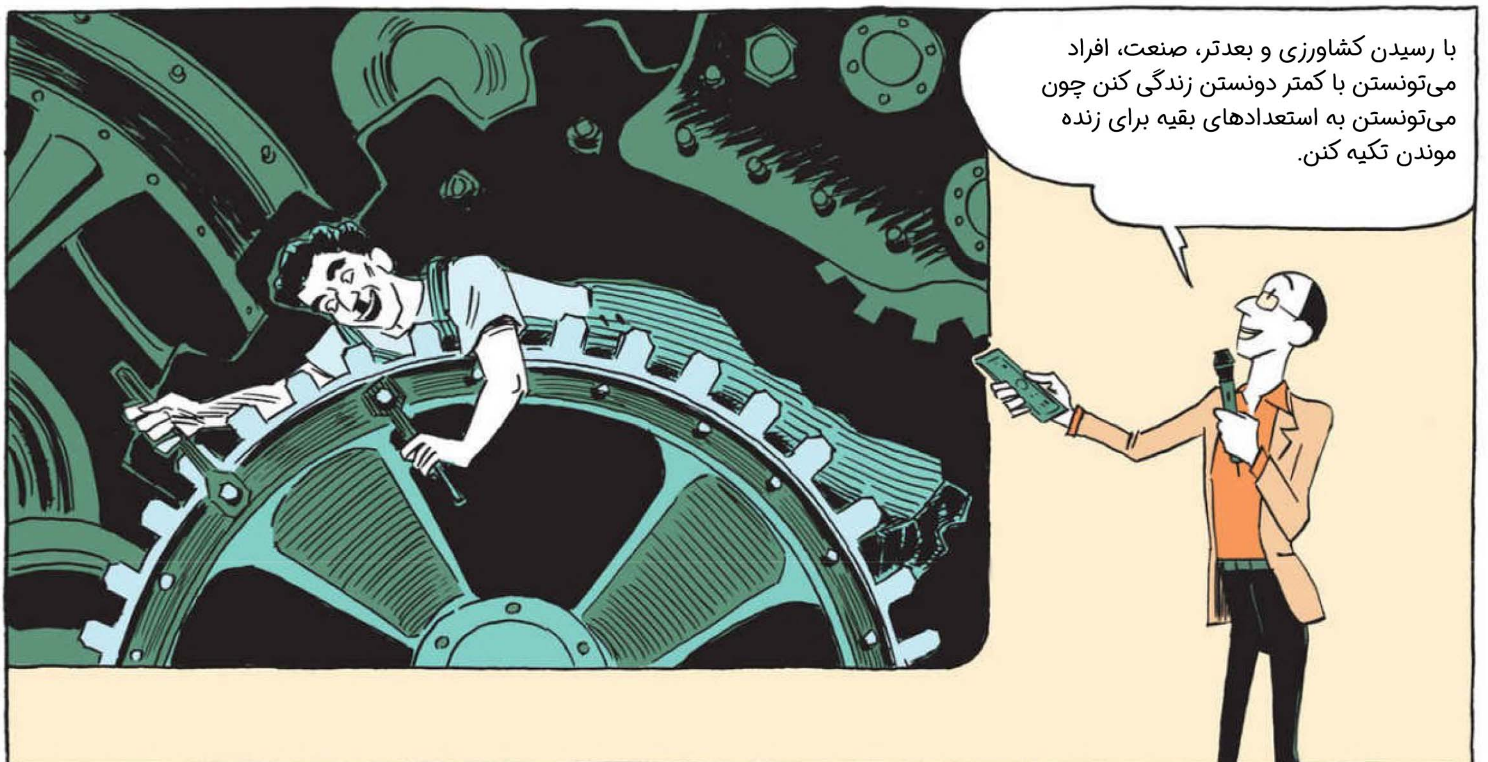

اون‌ها بدون سروصدا و جلب توجهی حرکت می‌کردن و سریع‌العمل‌ترین و کارآمدترین روش نشتن، دویدن و راه‌رفتن رو بلد بودن.
استفاده‌ی مداوم و متنوع از بدن‌هاشون مثل دوندگان ماراتون، فیتشون کرد.


جستجوگرهای باستانی از زبردستی فیزیکی‌ای لذت بردن که مردم امروزی نمی‌تونن پس از سال‌ها تمرین یوگا یا تای‌چی به دست بیارن.

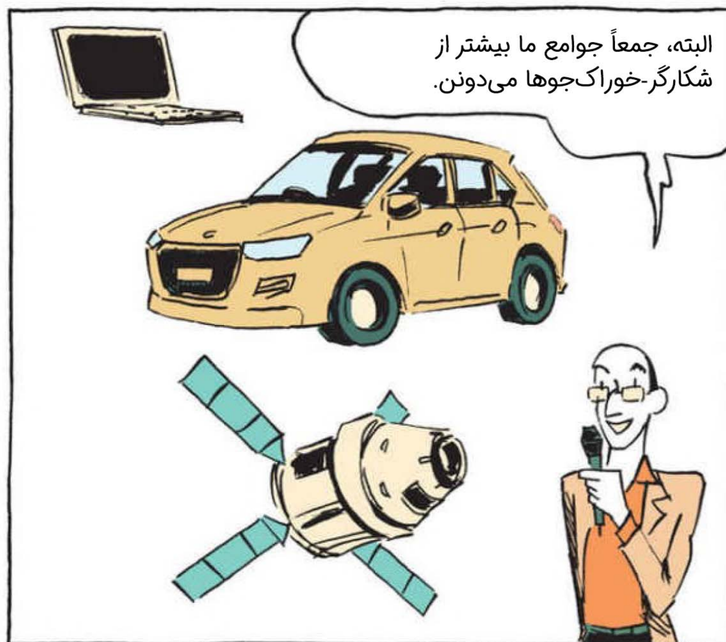

پایان
یووال، دوست داری چند کلمه برای خلاصه کردن چیزی که تا الان بهش پرداختیم، بگی؟
Dynamic_M1nd

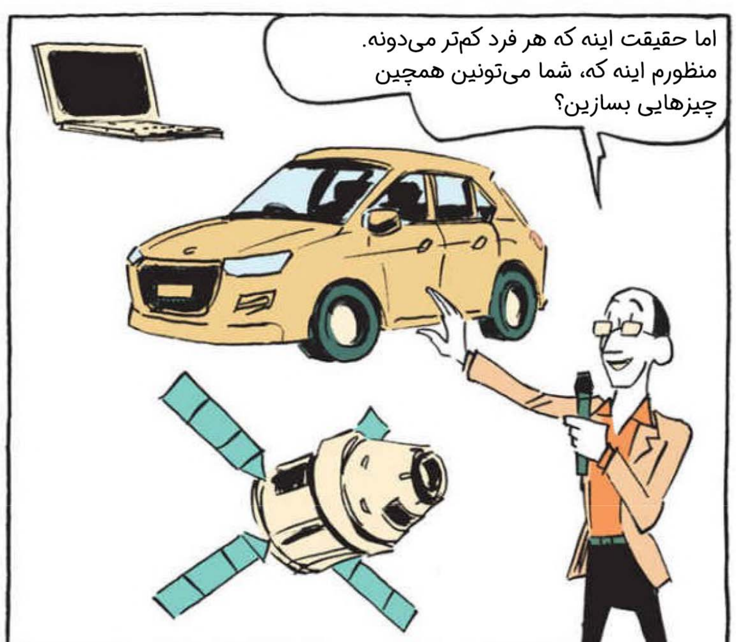

بله، ممنون آیکو. دوست دارم برگردم به چیزی که فکر می‌کنم خیلی مهمه.
همون‌طور که واضح توضیح داده شد برای زنده موندن در عصر حجر ضروری بود که هر فرد توانایی‌های فیزیکی و روانی قوی‌ای داشته باشه.


در حقیقت، مدرکی وجود داره از اینکه میانگین مغزی انسان خردمند از زمان جستجوگری، درواقع کاهش پیدا کرده!


با رسیدن کشاورزی و بعدتر، صنعت، افراد می‌تونستن با کمتر دونستن زندگی کنن چون می‌تونستن به استعدادهای بقیه برای زنده موندن تکیه کنن.













Dynamic_M1nd















Dynamic_M1nd



من فقط کتاب می‌نویسم و مردم کتابم رو می‌خرن...

من این‌طوری پول درمیارم. بعد یک قسمتی از پول رو به بقیه‌ی مردم می‌دم که بتونم غذا، لباس و جایی برای زندگی داشته باشم.

اگر من در طبیعت به‌حال خودم رها می‌شدم، احتمالاً یا از گرسنگی می‌مردم یا یک ببر می‌خوردتم... چون به‌جز نوشتن کتاب‌های تاریخ، چیز دیگه‌ای بلد نیستم!

ولی یک جستجوگر معمولی یک دانش وسیع‌تر، عمیق‌تر و متنوع‌تری نسبت به محیط زندگیش داره تا من. برای نیاکان باستانی من فقط چند دقیقه طول می‌کشید که چخماق رو به پیکان نیزه تبدیل کنن.

من نمی‌تونم انجامش بدم!

امروزه بیشتر مردمی که در جوامع صنعتی زندگی می‌کنن برای زنده موندن نیازی به دونستن درباره‌ی جهان طبیعی ندارن.

واقعاً به چه چیزی نیاز داری که درباره‌ی دنیای طبیعی بدونی تا به عنوان یک مهندس کامپیوتر، یک کارگزار بیمه یا یک معلم تاریخ زندگی کنی؟

برای خیلی از الزامات زندگی، کورکورانه به کمک بقیه‌ی افرادی هم که دانششون در یک زمینه‌ی کوچکی از تجربه و تخصصه، تکیه می‌کنیم.

جمعاً، جوامع انسانی امروز خیلی بیشتر از جوامع عصر حجری می‌دونن ولی در سطح فردی، جستجوگرهای باستانی دانشمندترین و ماهرترین مردم تاریخ هستن!

Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd









Dynamic_M1nd









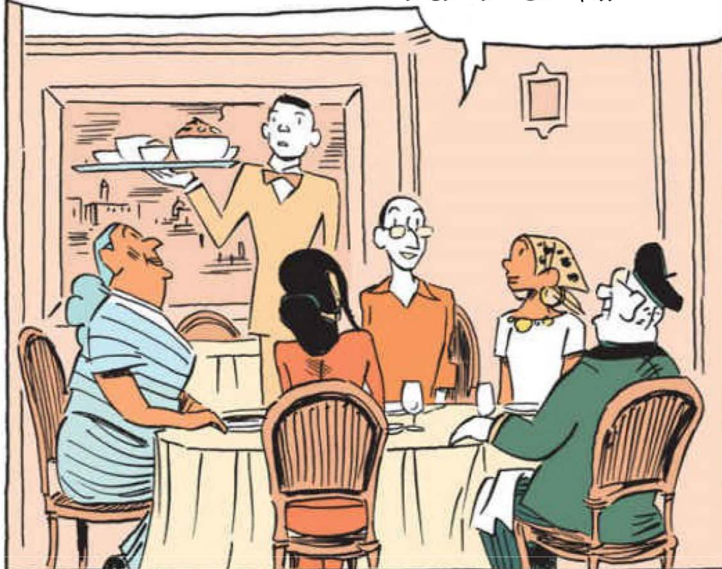


Dynamic_M1nd

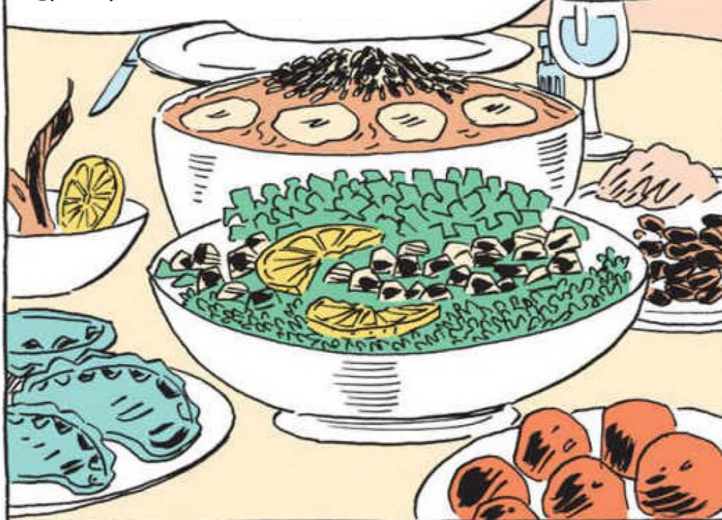


















Dynamic_M1nd


اوه عزیزم! متأسفم، چقدر دست‌وپا چلفتیم من!


ولی همه می‌تونیم موافق باشیم که جوامع جستجوگر هنوز توسط فجایع طبیعی تهدید می‌شدن؟ اون‌ها هم حتماً باید از قحطی رنج برده باشن، مگه نه؟


بله، البته، ولی اون‌ها معمولاً براشون راحت‌تر بوده که با این مصیبت‌ها سازگار بشن. اگر قسمتی از غذای اصلیشون رو از دست می‌دادن، گونه‌های دیگه‌ای بودن که می‌تونستن شکارشون کنن یا جمعشون کنن؛ یا می‌تونستن به محیطی که کمتر تحت‌تأثیر بود برن.


و جستجوگرهای باستانی همچنین کم‌تر از بیماری‌های عفونی رنج بردن! این‌طور نیست پروفسور؟
دقیق...
هاپیچیی!


ببخشید!
بیشتر بیماری‌های عفونی ما-چیزهایی مثل آنفولانزا، آبله و سرخک-از حیوانات به ما سرایت کردن. حیواناتی مثل: مرغ، گاو و خوک اون هم وقتی که ما در انقلاب کشاورزی اهلی کردیمشون.


اوه خدای من! چی‌کار داری می‌کنی کی‌کی؟
آها، تو هم یک چیزی برای خوردن می‌خوای... نه کی‌کی در رستوران نمی‌شه.


بعضی همه‌گیری‌ها مثل کووید-۱۹ از حیوانات وحشی میان اما با سیستم حمل‌ونقل مدرن، پخش می‌شن.
جستجوگرهای باستانی مرغ مزرعه نداشتن یا با هواپیما سفر نمی‌کردن، پس به‌طور گسترده‌ای از همه‌گیری دوری می‌کردن.


اوه، خیلی‌خب، پس فقط یک گاز کوچولوی دهن‌پرکن.
Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd











جنگل‌های پاراگوئه تا دهه‌ی ۱۹۶۰،
خونه‌ی مردم شکارگر-خوراک‌جویی
بود که آشه نامیده می‌شدن.

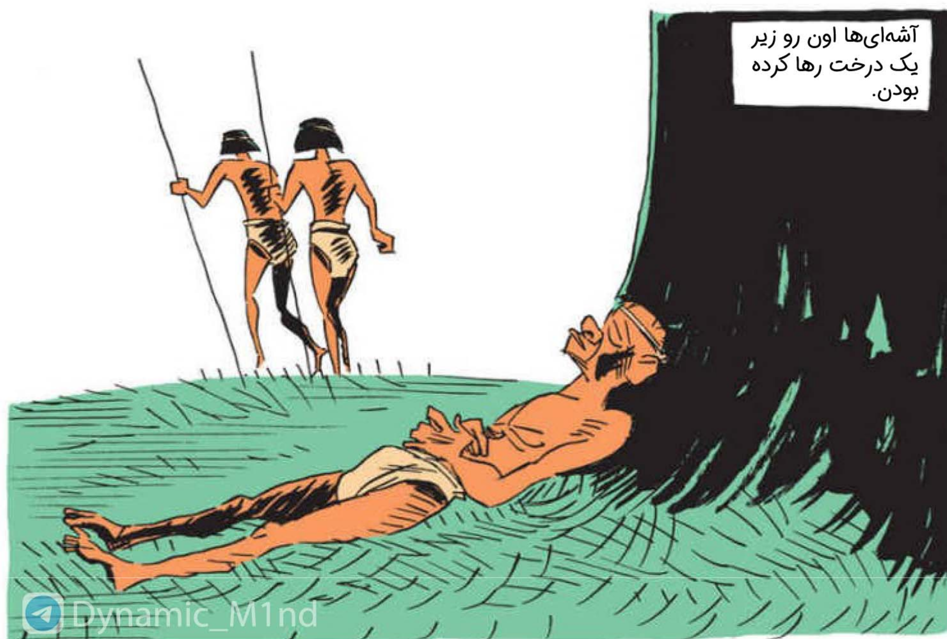
Dynamic_M1nd

روش زندگی و سنت‌هاشون برای خیلی از انسان-
شناس‌های اون زمان ناخوشایند بود. بعضی از
رسم‌هاشون خیلی جذاب بود درحالی‌که بقیه‌ی
اون‌ها به‌طور غیرمعمولی تکان‌دهنده بود.

مثلاً، وقتی یکی از اعضای باارزش گروه می‌مرد، رسم
آشه‌ای‌ها این بود یک دختر کوچولو رو هم بکشن و
اون دوتا رو با هم دفن کنن.

Dynamic_M1nd


انسان‌شناس‌هایی که با یک آشه‌ای مصاحبه کردن؛ موردی رو ثبت کردن که یک مرد میانسال وقتی که مریض شده بود و نمی‌تونست گروه رو همراهی کنه، رها شده بود.


آشه‌ای‌ها اون رو زیر یک درخت رها کرده بودن.
Dynamic_M1nd


برای لاشخورها...


کرکس‌ها زمان زیادی رو منتظر موندن.


ولی اون مرد بهبود پیدا کرد.


اون روی پاهای خودش ایستاد و به گروه برگشت.


یکی دیگه از اعضای گروه یک اسم جدید براش پیدا کرد...
هی، پی‌پیِ لاشخور!


وقتی که یک زن آشه‌ای پیر شد و شکننده، بقیه‌ی اعضای گروه اون رو یک بارِ اضافه دیدن.


یکی از مردهای جوان گروه پنهانی میاد پشتش و با یک ضربه‌ی تبر، می‌کشتش.

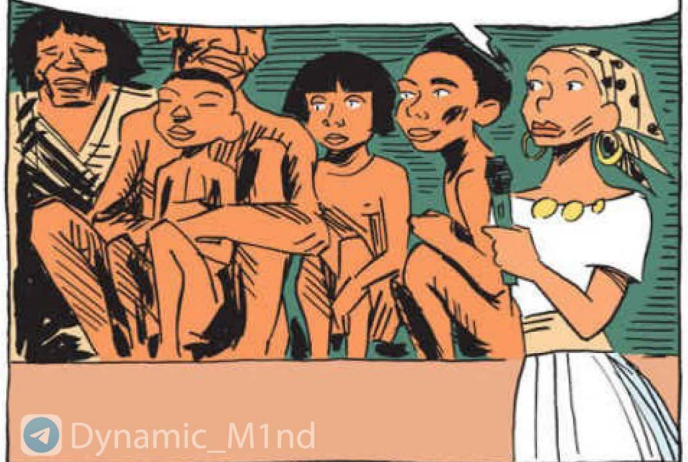

یکی از مردهای آشه‌ای جواب خیلی از سوال‌های باستان‌شناس‌ها را با داستان-هایی از سال‌های اولیه‌اش در جنگل داد.
من کسی بودم که اون پیرزن رو کشت. من عمه‌های خودم رو کشتم... زن‌ها از من وحشت می‌کردن...


حالا، اینجا، جایی که مردم سفیدپوست زندگی می‌کنن، من ضعیف محسوب میشم.


بچه‌هایی که بدون مو به‌دنیا میومدن یا اون‌هایی که عقب‌افتاده محسوب می‌شدن؛ سریعاً کشته می‌شدن.
اولین بچه‌ی من کشته شد چون مردهای گروه من یک دختر دیگه نمی‌خواستن.


در یک اتفاق دیگه، یک مرد، یک پسربچه رو کشت.
من حال خوبی نداشتم و بچه گریه کردنش رو تموم نمی‌کرد.


یک بچه‌ی دیگه زنده دفن شده بود چون یک بچه‌ی بامزه بود که بچه‌های دیگه بهش می‌خندیدن.
Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd













فرانسه، دره‌ی وزق، دو هفته بعد.

این منطقه‌ی باشکوه، خونه‌ی شواهد شگفت‌انگیز زندگی معنوی و عاطفی شکارگر-خوراک‌جوهای باستانیه ولی متأسفانه این شواهد رو به راحتی نمیشه تفسیر کرد...

Dynamic_M1nd


ما می‌تونیم با استفاده از عوامل متنوع قابل مشاهده و اندازه‌گیری، بازسازی نسبتاً مطمئنی از پایه‌های اقتصاد جستجوگرهای باستانی داشته باشیم.
Dynamic_M1nd


برای مثال، دانشمندها می‌تونن محاسبه کنن که یک نفر چقدر کالری روزانه نیاز داره تا زنده بمونه...


چقدر کالری از یک کیلو گردو می‌تونن به دست بیارن...


و چقدر گردو می‌تونستن از یک کیلومتر مربع از جنگل برداشت کنن.


و این اطلاعات به معنای اینه که ما می‌تونیم یک برآورد تجربی درباره‌ی اهمیت نسبی گردو در رژیم غذایی اون‌ها داشته باشیم.



Dynamic_M1nd





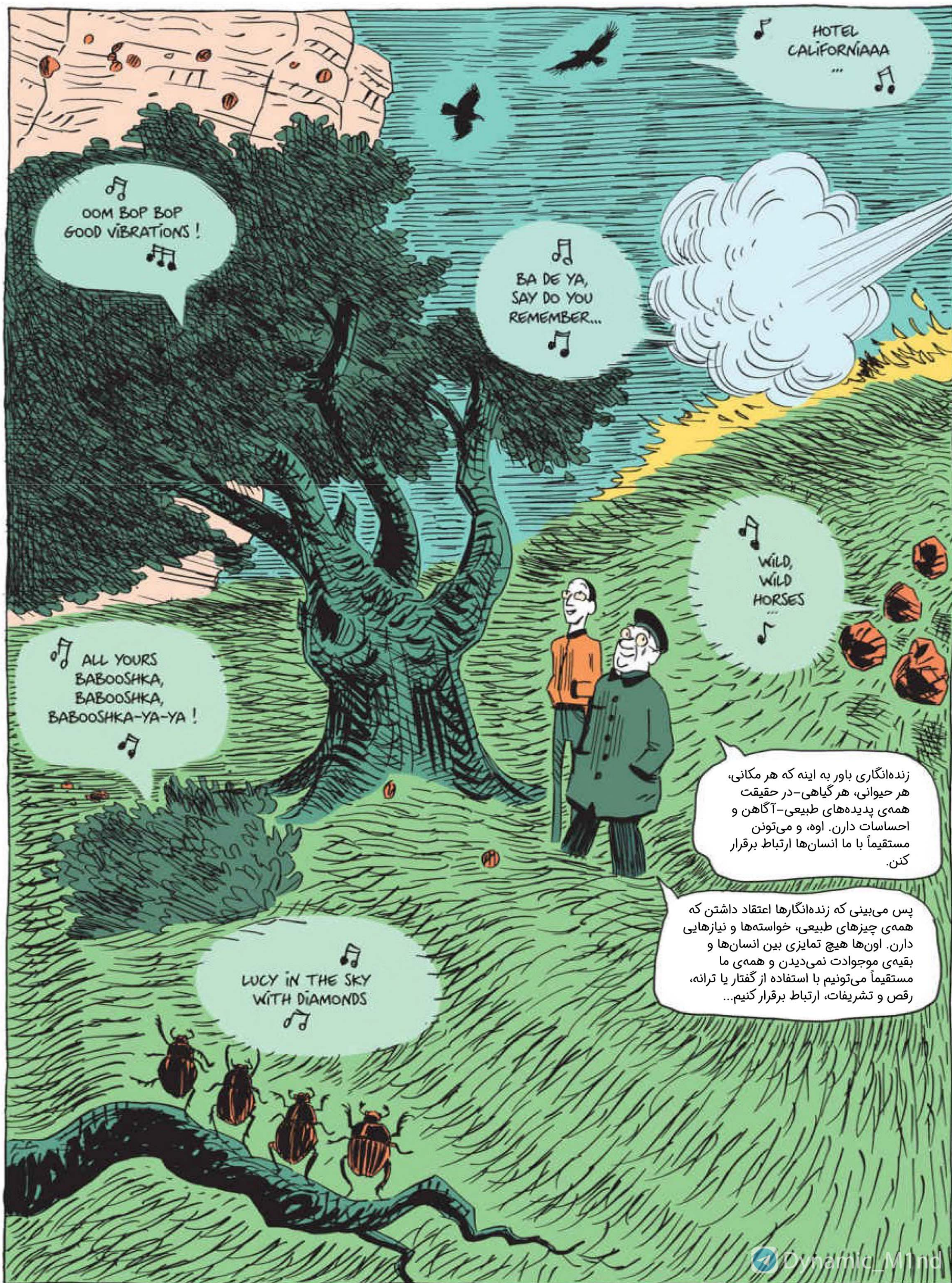












Dynamic_M1nd

اون‌ها فکر می‌کردن که یک سنگ می‌تونه درباره‌ی کاری که مردم کردن عصبانی باشه یا درباره‌ی چیز دیگه‌ای خوشحال باشه.

اون می‌تونه بهشون هشدار بده یا ازشون یک لطفی رو بخواد و خود انسان‌ها می‌تونستن با سنگ صحبت کنن تا آرومش کنن... یا تهدیدش کنن.

در دنیای زنده‌انگار، نه فقط سنگ‌ها، گیاهان و حیوانات هم زنده هستن.

همچنین موجودات نامشهودی مثل روح مردگان، و چیزهای دیگه‌ی دوستانه-یا غیر دوستانه!-ارواحی که ما بهشون شیاطین، جنیان و فرشتگان می‌گیم.

یک شکارچی ممکنه با یک گله‌ی گوزن صحبت کنه و از یکیشون بخواد که خودش رو قربانی کنه. اگر شکار موفقیت‌آمیز باشه، می‌تونه از حیوان مرده بخواد که ببخشتش.

وقتی یکی مریض میشه، یک شمن می‌تونه با روحی که باعث مریضی شده، ارتباط برقرار کنه و سعی کنه آرومش کنه یا اگر نشد بترسونتش!

در شرایط سخت شمن می‌تونه از بقیه‌ی ارواح کمک بگیره.

و یک چیز مشترکی که همه‌ی این ارتباطات دارن:

هیچکدوم خطاب به خدایان جهانی نبودن، خطاب به موجودات محلی مثل یک درخت خاص، یا رود، یا یک روح ویژه بودن.

پس همون‌طور که اون‌ها هیچ تمایزی بین انسان‌ها و بقیه‌ی موجودات نمی‌بینن همچنین هیچ تصوری برای سلسله‌مراتبی محکم هم ندارن.

موجودات غیرانسانی فقط برای رفع احتیاجات انسان‌ها نیست که وجود دارن.

Dynamic_M1nd







Dynamic_M1nd





چون اصطلاح عمومی خداباوری خیلی وسیعه. هر کدوم از این گروه‌های «خداباور» فکر می‌کنن بقیه اعتقادات و شیوه‌ها، بدعت‌گذار و عجیبین. تفاوت بین گروه‌های جستجوگرِ «زنده‌انگار» احتمالاً همون‌قدر بزرگ بودن. تجربیات دینی اون‌ها ممکنه که آشفته و پر از جنجال، اصلاح و انقلاب بوده باشه.









Dynamic_M1nd


درسته، یووال، درسته. ما نباید از کاه آثار آرامگاه‌ها، نقاشی غارها و تندیس‌های استخوانی، کوه بسازیم! خیلی بهتره که صادق باشیم و اعتراف کنیم که ما مه‌آلودترین شناخت رو درباره‌ی ادیان جستجوگرهای باستانیمون داریم!


ما حدس می‌زنیم که اون‌ها زنده‌انگار بودن ولی نمی‌دونیم چه روح‌هایی رو می‌پرستیدن، چه فستیوال‌هایی رو جشن می‌گرفتن یا چه تابوهایی داشتن.
ما حتی نمی‌دونیم چه داستان‌هایی رو تعریف می‌کردن!


مثلاً به این نقاشی نگاه کن، چه معنی‌ای میده؟
این یکی از بزرگترین شکاف‌های شناخت ما از تاریخ انسانه.


بعضی‌ها میگن مردی با سر پرنده و آلت راست‌شده هستش که گاومیش کوهان‌دار آمریکایی کشتتش. یک پرنده‌ی دیگه هم زیرشه و ممکنه خارج شدن روح از بدنش در لحظه‌ی مرگ رو بخواد نشون بده.


اگر داستان این‌طور باشه، این نقاشی به معنی شکار تصادفی نیست. درباره‌ی روحه که از این جهان به جهان دیگه میره... ولی اصلاً از معتبر بودن این حدسیات اطلاع نداریم.
خیلی تئوری‌های دیگه درباره‌ی این نقاشی هست که همشون به یک اندازه محتمل هستن.

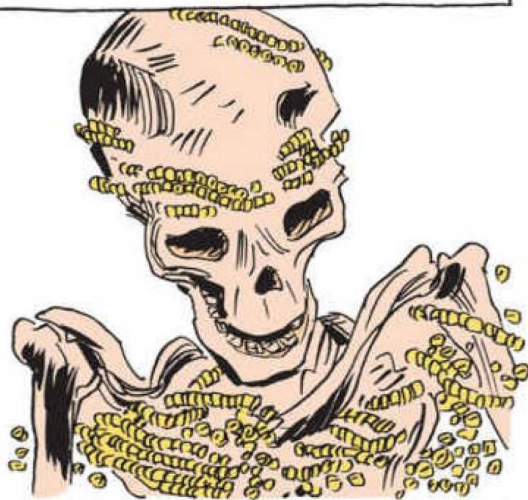

هِهه! این مثل امتحان لکه‌ی جوهر می‌مونه -به ما بیشتر درباره‌ی ذهنیت پژوهشگرهای مدرن می‌گه تا اعتقادات دینی نقاش‌های اولیه!
Dynamic_M1nd







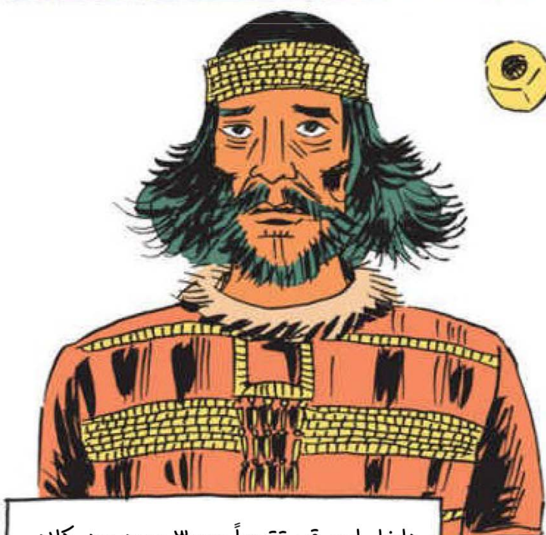
در سونجیر در روسیه، باستان‌شناس‌ها یک سایت دفن‌شده‌ی ۳۴،۰۰۰ ساله از فرهنگ «شکارچیان ماموت» پیدا کردن.





در یک قبر، اسکلت مرد ۴۰ساله‌ای بود که با مهره‌های ساخته شده از عاج ماموت پوشیده شده بود.





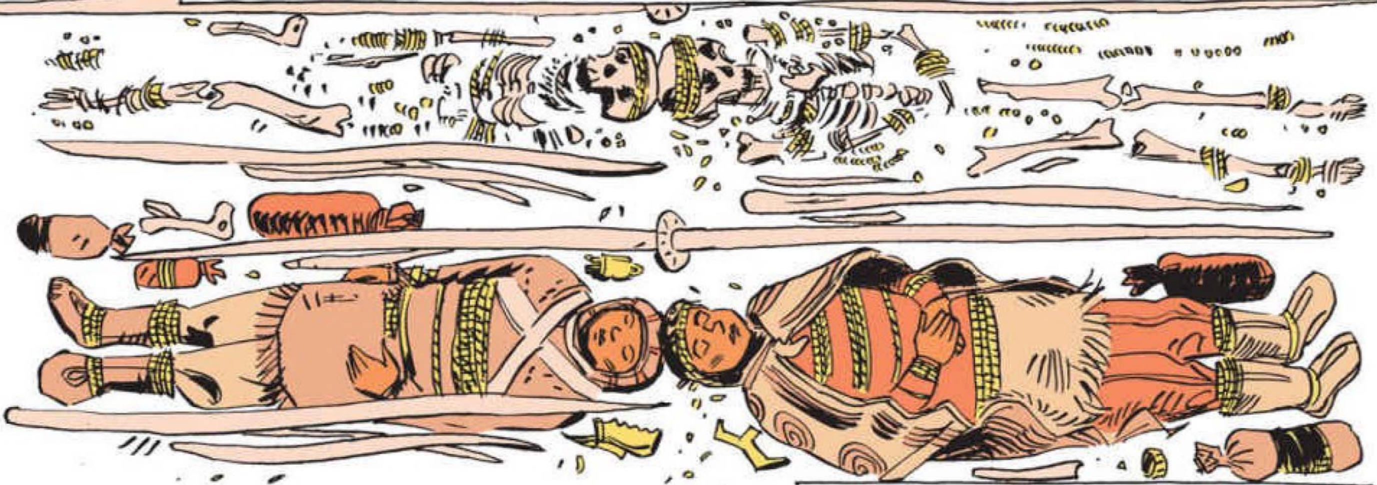
داخل اون قبر تقریباً ۳،۰۰۰ مهره بود. کلاه اون مرد مرده تزئین‌شده از دندون‌های روباه بود و ۲۵ دستبند مهره‌دار در مچش داشت.







به‌هرحال، باستان‌شناس‌ها قبر جالب‌تر دیگه‌ای هم پیدا کردن که دو پسر جوان سربه‌سر دفن شده بودن. یکیشون ۱۲ یا ۱۳، اون یکی ۹ ساله.



پسر بزرگتر پوشیده از ۵،۰۰۰ مهره‌ی عاج بود! یک کلاه از دندون‌های روباه و یک کمربند از ۲۵۰ دندون روباه هم پوشیده بود-بهت بگم که ۶۰ تا روباه مرده لازم بوده تا اون‌همه دندون جمع بشه!

پسر جوان‌تر پوشیده از ۵،۲۵۰ مهره‌ی عاج بود و دور تا دور هر دو اسکلت، مجسمه‌ها و اشیاء ساخته شده از عاج قرار داشت.

برای یک هنرمند ماهر تقریباً ۴۵ دقیقه طول می‌کشید که یک مهره‌ی عاج درست کنه! یعنی ۱۰،۰۰۰ مهره‌ی روی اون بچه‌ها ۷،۵۰۰ ساعت کار می‌برده-بقیه‌ی اشیاء بمونه حالا؟؟؟!



ولی این بالای سه سال کار می‌برده!

باورنکردنیه! خیلی بعیده که در همچین سن پایینی بچه‌های سونجیری رهبر یا حتی شکارچی ماموت بوده باشن...

دقیقاً... تنها چیزی که می‌تونه توضیح بده که چرا دو تا بچه اون‌طور عجیب دفن شدنن... باورهای فرهنگیه.

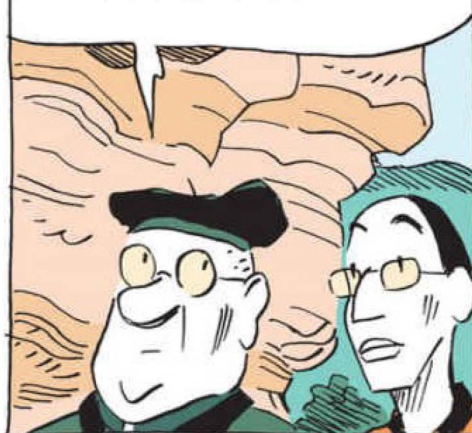


Dynamic_M1nd



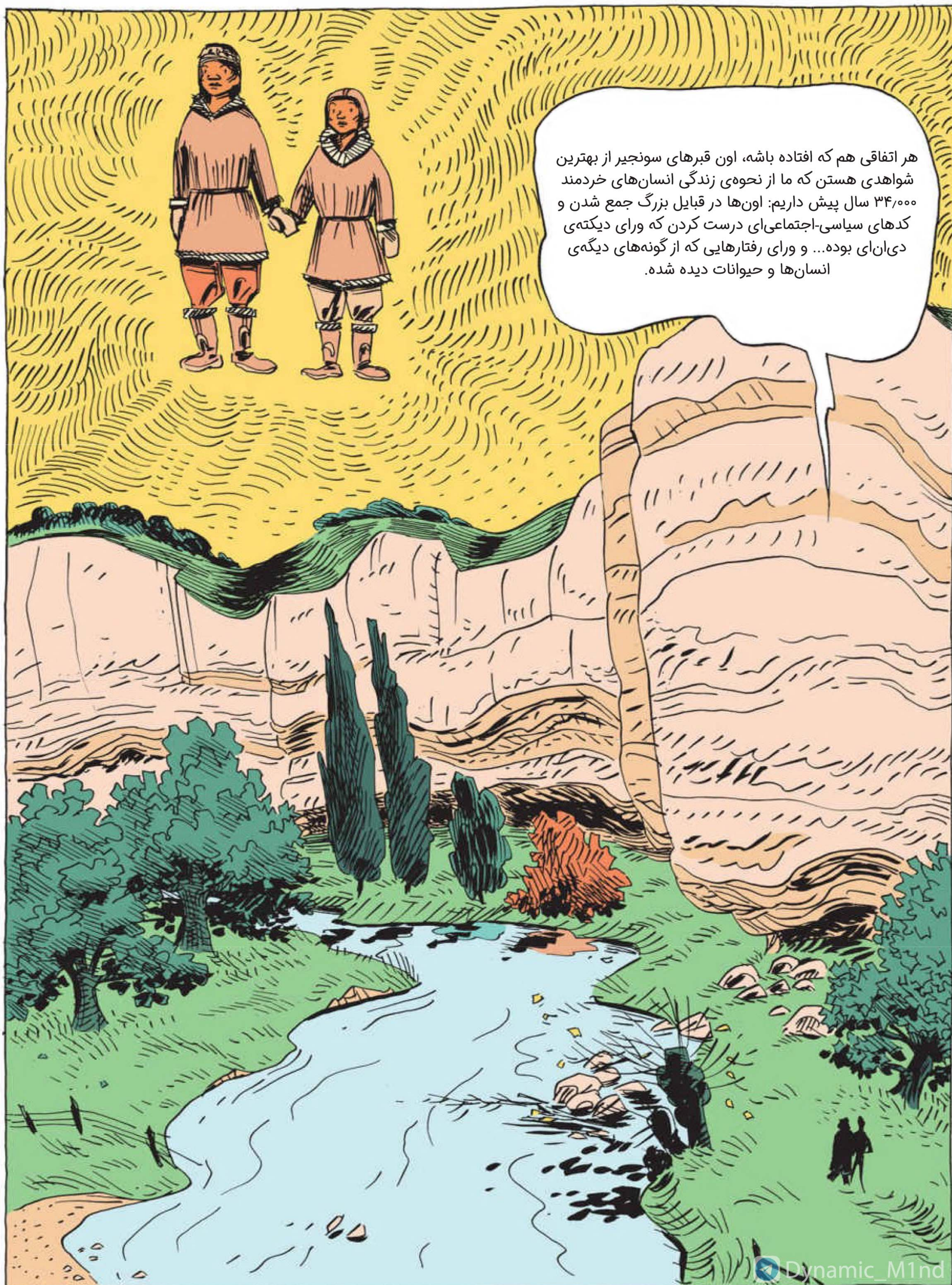






می‌تونستن به‌طور رسمی قربانی شده باشن، در عنوان مراسمی به‌خاطر درگذشت رهبرشون، و سپس یک دفن پر زرق‌وبرق و بزرگ.

Dynamic_M1nd



Dynamic_M1nd


حالا می‌رسیم به موضوع ناراحت‌کننده‌ی
جنگ و خشونت.


بعضی متخصص‌ها بحث می‌کنن که جستجوگرهای باستانی خیلی
صلح‌طلب بودن...


...و جنگ و خشونت بعد از
انقلاب کشاورزی شروع شده.
Dynamic_M1nd


بعضی دیگه می‌گن که جهان جستجوگرهای
باستانی وحشتناک ظالم و خشونت‌آمیز بوده.


هر دو مدرسه‌ی فکری مثل قصرهایی در هوا
هستن که با باقیمونده‌های ناچیز باستان‌شناسی
و بعضی مشاهدات سوال‌برانگیز باستان‌شناسی
به واقعیت متصل هستن.

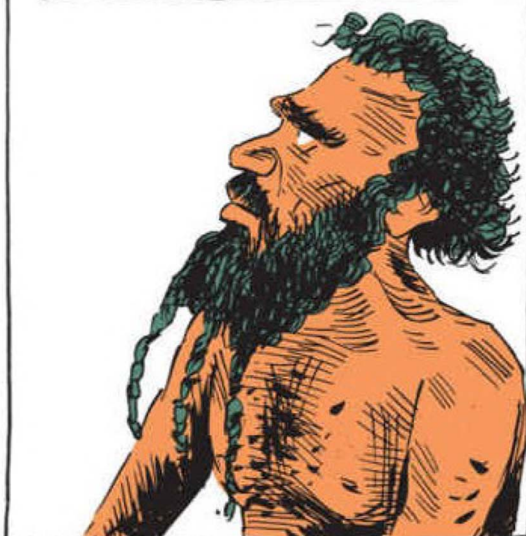





Dynamic_M1nd

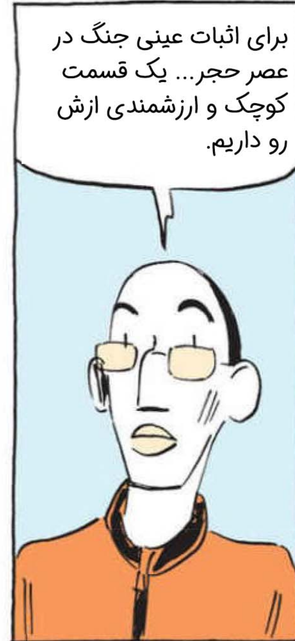










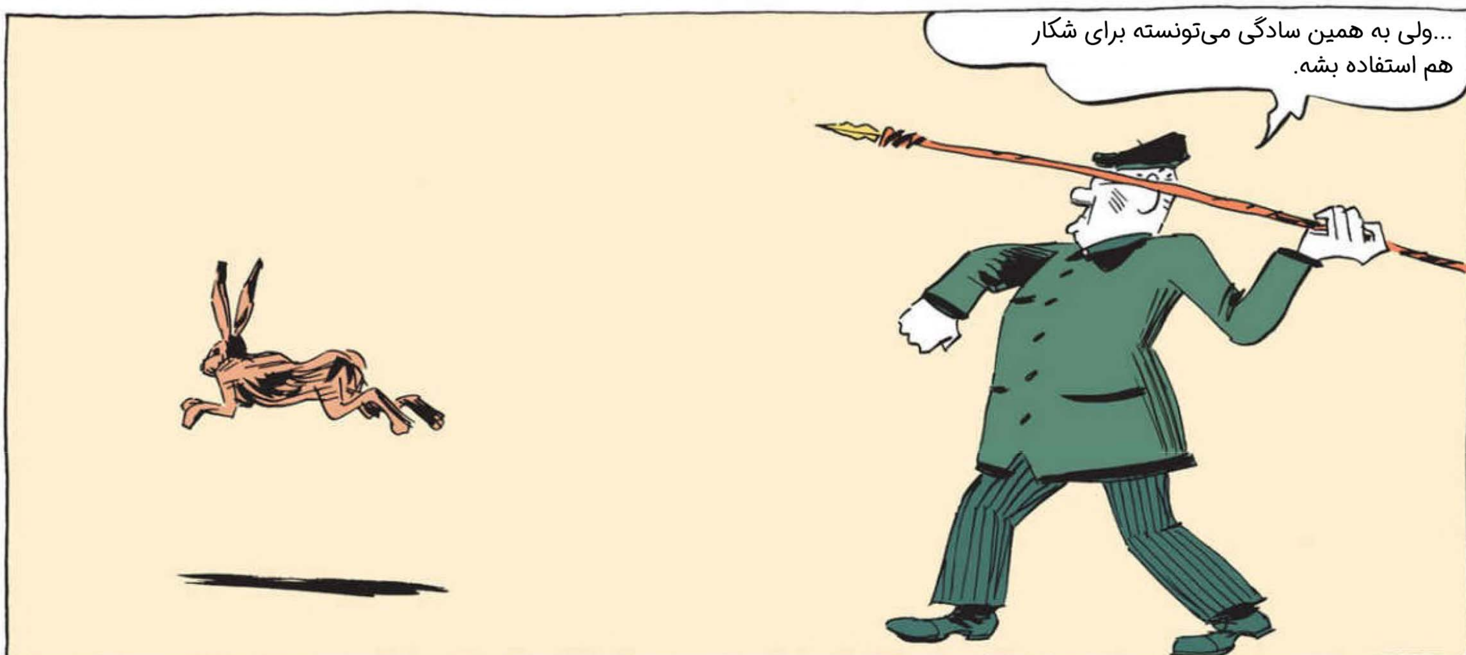








Dynamic_M1nd







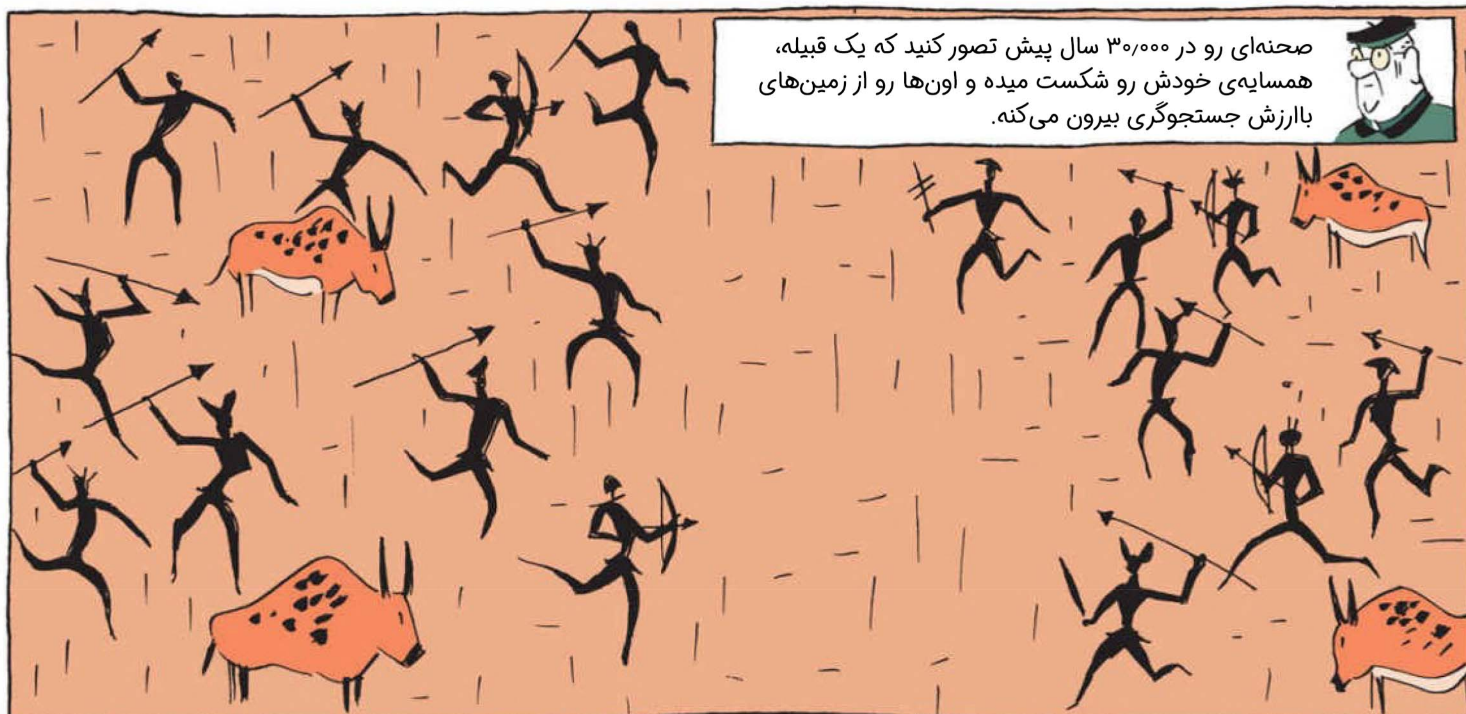
Dynamic_M1nd









صحنه‌ای رو در ۳۰٬۰۰۰ سال پیش تصور کنید که یک قبیله،
همسایه‌ی خودش رو شکست میده و اون‌ها رو از زمین‌های
باارزش جستجوگری بیرون می‌کنه.


بیا بگیم که ده عضو قبیله‌ی شکست‌خورده در نبرد
سرنوشت‌سازی کشته میشن.


سال بعد صدها نفر از اعضای قبیله‌ی شکست‌خورده از
گرسنگی، سرما یا بیماری میمیرن.


حتی اگر در یک معجزه‌ای باستان‌شناس‌ها همه‌ی ۱۱۰ اسکلت رو
پیدا کنن امکان داره که اشتباهی نتیجه بگیرن که فقط ٪۱۰ از اون‌ها
در جنگ کشته شدن.


چطور می‌تونیم بفهمیم که همه‌ی اون‌ها در واقع قربانی یک جنگ
بی‌رحمانه بودن؟
Dynamic_M1nd













Dynamic_Mind












Dynamic_M1nd

سایت‌های مشابهی در سراسر جهان پیدا شدن، از اسکاندیناوی
تا کالیفرنیا ولی هیچکدومشون بیشتر از ۱۲٫۰۰۰ سال قدمت ندارن.
این اطلاعات ما رو به کجا می‌رسونه؟ چه چیزی بهتر جهان جستجوگرهای باستانی رو نشون میده-اسکلت‌های آسیب ندیده‌ی پرتغال یا کشتارگاه جبل الصحابه؟
همم، جواب هیچکدامه. هیچ نرخ ثابتی برای خشونت انسانی وجود نداره.
همون‌طور که دیدیم، جستجوگرها نظم دینی و ساختار اجتماعی خوبی داشتن... پس احتمالاً نرخ‌های خیلی متفاوتی از خشونت هم داشتن.
بعضی مکان‌ها و زمان‌ها مثل سوئد امروزی، مسالمت‌آمیز بودن، بعضی دیگه هم مثل سوریه‌ی امروزی خشونت‌بار بودن.
خیلی ممنون برای تمام توضیحات واضحتون، دکتر کلوگ.
Dynamic_M1nd





Dynamic_M1nd

















Dynamic_M1nd



















Dynamic_M1nd









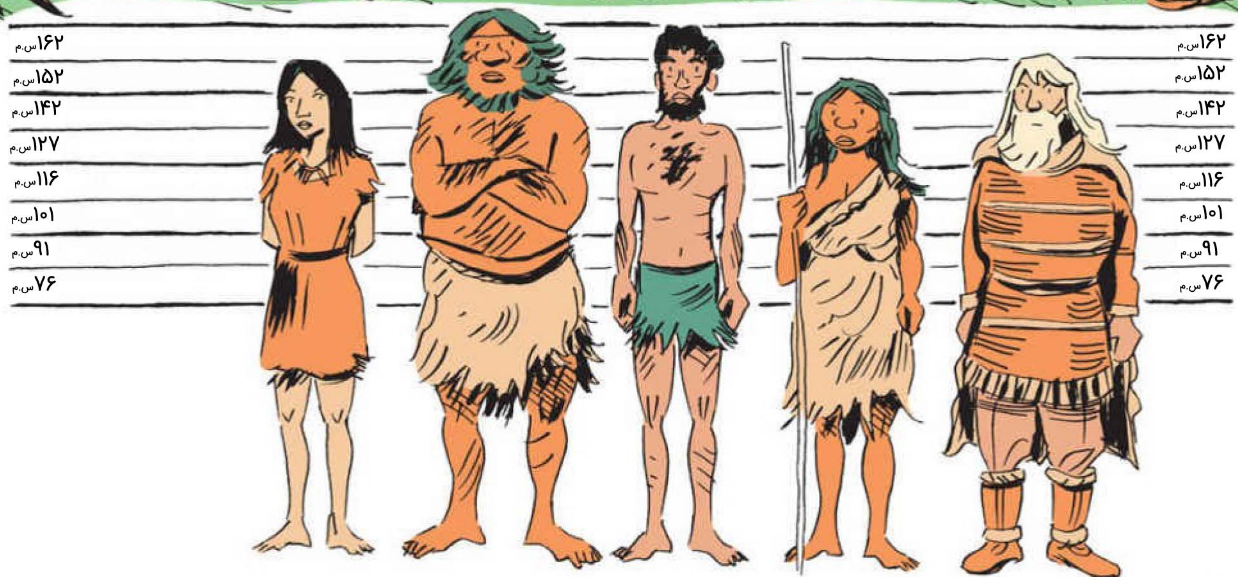
جستجوگرها خیلی قبل‌تر از ما اون‌جا بودن و
مسبب تغییرات چشمگیری در جنگل‌های انبوه و
بیشتر سرزمین‌های نامسکون بودن.

Dynamic_MInd

در ادامه‌ی
انسان خردمند!

مرگبارترین قاتل زنجیره‌ای که
قلمرو حیوانات تا
به‌حال تولید کرده، کی بوده؟

Dynamic_M1nd



در بخش بعدی به جواب سوال بالا می‌رسید و همچنین بخش بعدی توضیح میده که چطور جستجوگرهای باستانی خیلی قبل‌تر از ساخت اولین دهکده‌ی کشاورزی، بوم‌شناسی سیاره‌ی ما رو کاملاً بازسازی کردن!

قاتلین سریالی بین‌قاره‌ای



کارآگاه
لوپز
د.پ.س.م

تـق !
تـق !
تـق !

بچه‌ها، مطمئنم که خودتونید. فقط باید مدرک کافی به‌دست بیارم که بگیرمتون. به چیزی که لایقشید می‌رسید...

بیا داخل!

Dynamic_M1nd





Dynamic_MTnd










من دارم روی پرونده‌ی قرن کار می‌کنم... وایسا، چی؟ یکی از هزاره‌ها. ولی فقط کمی مدرک بیشتر نیاز دارم که بدترین قاتل سریالی تمام دوران رو بندازم زندان.


همش همینه؟ و مطمئنی که ما...
مطمئنم که مطمئنم. می‌بینی.
Dynamic_M1nd


این دو تا رو می‌بینی، درسته؟ به این‌ها مشکوکم. دادم اینجا در بخش بازداشتشون کردن.


من ۱۰۰٪ مطمئنم اون‌ها بدترین قاتل‌های سریالی زیست‌محیطی هستن.
به زیست‌بوم جهانی آسیب زدن، قتل عام صدها گونه‌ی انسانی و حیوانی... مشخصه که، همه‌چیز رو انکار می‌کنن و نمی‌خوان حرف بزنن. ولی هرجا این‌ها برن، همیشه یک عالمه جسد پیدا میشه.


ما داریم درباره‌ی زوج به‌شدت خطرناکی صحبت می‌کنیم. می‌گن که اسمشون «بیل» و «سیندی» انسان‌های خردمنده. بیاید انسان خردمند صداشون کنیم، باشه؟
کنارشون «بانی» و «کلاید» مثل چندتا بچه‌ی گروه سرود کلیسائن.


بله، دربارشون شنیدم. ولی آم... واقعاً فکر می‌کنی که این‌ها ممکنه همه‌ی کارهایی که داری میگی رو خودشون انجام داده باشن؟
معلومه که نه. اون‌ها جزئی از حلقه‌ی جنایت گروه‌های سازمان‌یافته هستن. ولی فقط اون دو تا رو تونستم زندانی کنم. اگر بتونم یک کاری کنم که به حرف بیان، من رو به بقیه می‌رسونن.



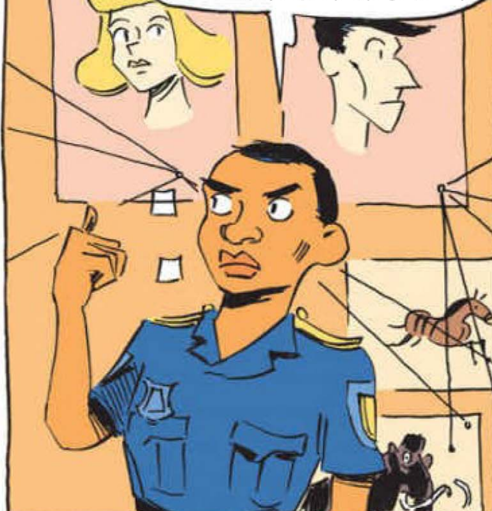


Dynamic_M1nd













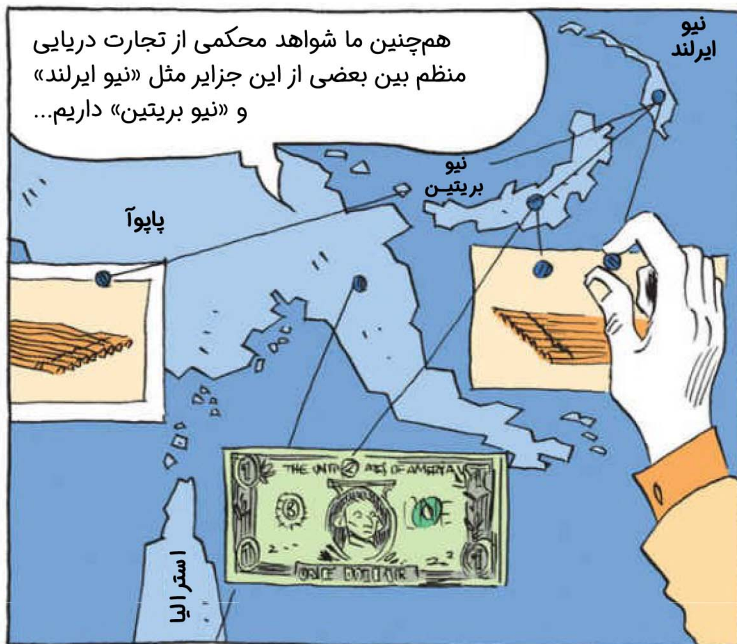








Dynamic_M1nd







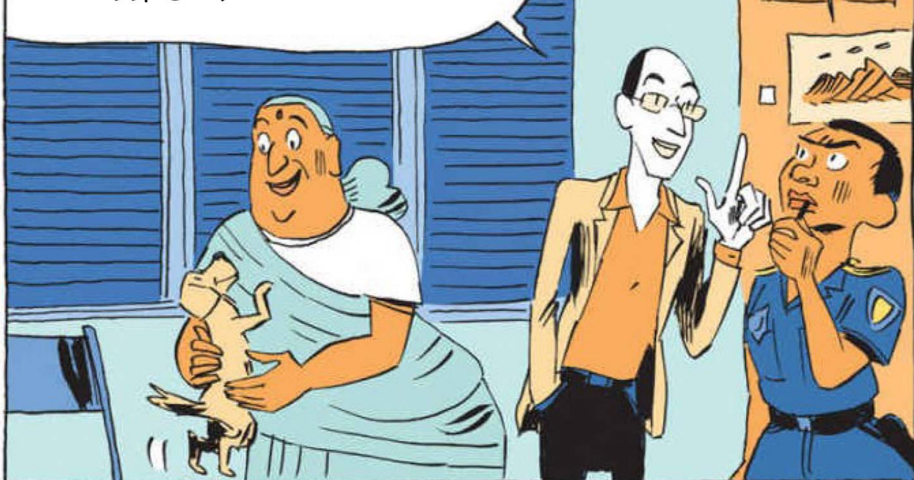




Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd

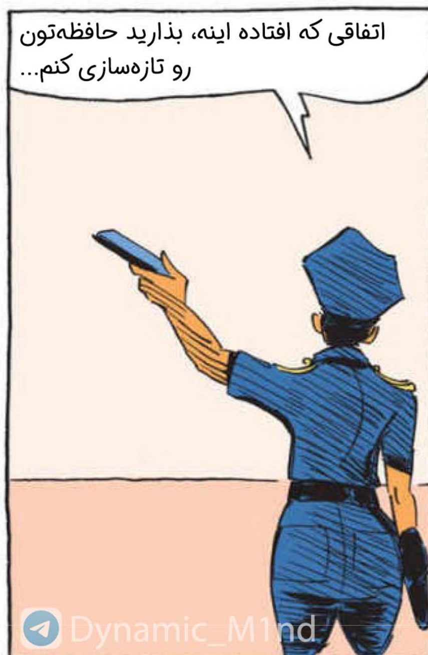












Dynamic_M1nd

همون‌طور که دورتر سفر می‌کردید، این دنیای عجیب و غریبِ پر از حیوانات غیرعادی رو پیدا کردید! مثل این نمونه‌ی باشکوه، یک کانگوروی ۱۹۵ سانتی و ۲۰۰ کیلویی. جرقه‌ای نخورد در ذهنتون؟

و این شیر کیسه‌دار که به اندازه‌ی یک ببر امروزیه که اون‌موقع بزرگترین درنده‌ی استرالیایی بوده!

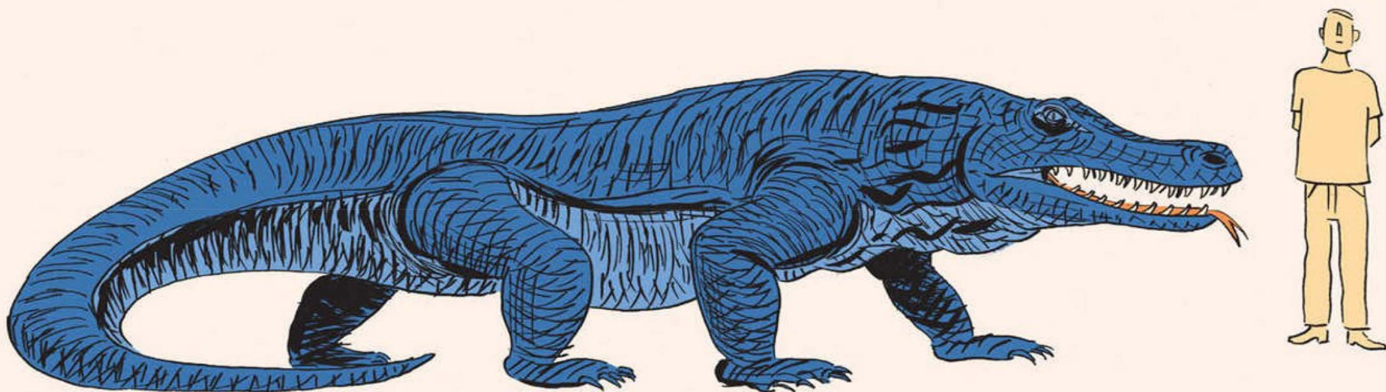
Dynamic_M1nd

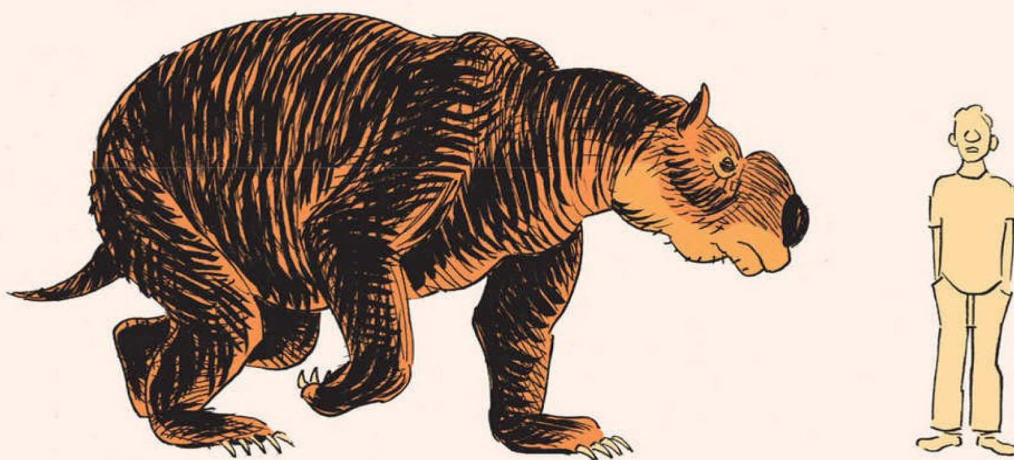
بعلاوه کوآلاهایی بودن که برای ناز بودن و
نوازش کردن خیلی بزرگ بودن...

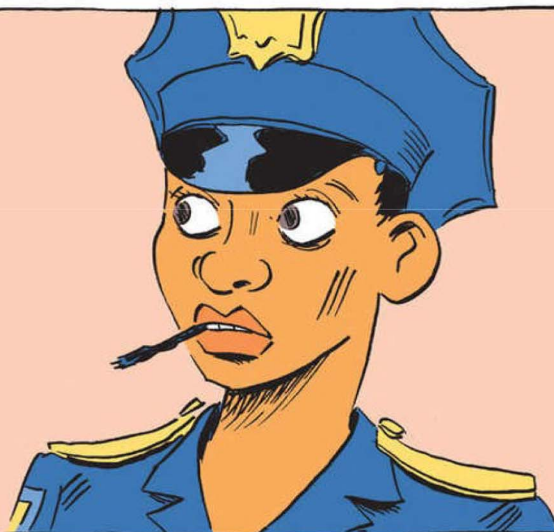
Dynamic_M1nd

و پرنده‌های بی‌پروازی که دو برابر
اندازه‌ی یک شترمرغ بودن که
می‌تونستن مثل یوسین بولت-که
شات اسپرسوی تریپل خورده باشه-
شتاب بگیرن!

Dynamic_M1nd



















Dynamic_M1nd


به هیچی جواب ندید، این ارعابه!


موکل‌های من بی‌گناهن، کارآگاه لوپز! این جرم، این انقراض پستاندارای بزرگ استرالیا، هیچ ربطی به اون‌ها نداره!
خب، به کی پس؟


به آب‌وهوا!
خورشید، ابرها... برات معنی‌ای ندارن؟! می‌بینی، آب‌وهوا ۵۰،۰۰۰ سال پیش تغییر کرد!


سردتر و خشک تر شد، باران کافی نبارید و اون غول‌های بیچاره دیپروتودون‌ها–باشد که رستگار شوند و خدا فراموششون نکنه!–نتونستن دووم بیارن.
که به‌طور کاملاً تصافی، موکل‌های من دقیقاً همون موقع به استرالیا مهاجرت کردن.


ولی باور کنید که این اتفاق ربطی به اون‌ها نداره! اون‌ها هم از آب‌وهوا رنج کشیدن خب.
داری مردم بی‌گناه رو سرزنش می‌کنی!


پس فکر می‌کنی کار آب‌وهواست؟ واقعاً؟ آب‌وهوا رو داری قربانی می‌کنی، آدامسکی؟
مقصر جلوه دادن آب‌وهوا در هر مسئله‌ای که مثل آب خوردن می‌مونه!


چرند می‌گی، آدامسکی، خودتم می‌دونی! هر دومون می‌دونیم که آب‌وهوای زمین همیشه در حال تغییره!
نویسنده: یووال نوح هراری
انسان خردمند


که چی؟!
کههههه... مهم نیست که چه اتفاقی بیافته، احتمالاً تغییرات آب‌وهوا در پس‌زمینه هستش ولی به این معنی نیست که همه‌چی رو بندازی گردن آب‌وهوا.
Dynamic_M1nd





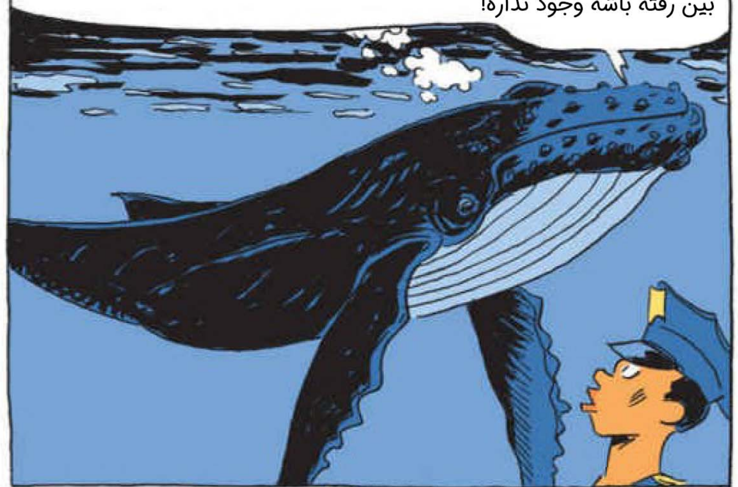
Dynamic_M1nd










این‌طور فکر می‌کنی، آره؟ ولی من شواهد بیشتری دارم! وقتی تغییرات آب‌وهوا باعث انقراض بزرگی میشه، معمولاً موجودات دریایی هم مثل عموزاده‌های روی خشکیشون ضربه‌ی بزرگی می‌خورن، درسته؟ خب، هیچ نشانه‌ای از اینکه ۵۰،۰۰۰ سال پیش حیوان دریایی‌ای پیرامون استرالیا از بین رفته باشه وجود نداره!


حتی با اینکه سرگرمی اقیانوس رفتن کوچولوشون، رشد بزرگی داشت، ولی موکل‌هات فقط روی زمین یک تهدید حساب می‌شدن. کارهایی که اون‌ها انجام دادن توضیح می‌ده که چرا این موج انقراض، حیوانات زمینی استرالیا رو از بین برد ولی حیوانات اقیانوس کاملاً دست نخورده باقی موندن!


اگر میشه، دوست دارم استدلال سوم رو اضافه کنم. هزاره‌ی بعدی هم مشابه نمونه‌ی اولیه‌ی کشتار گونه‌های استرالیا هر جایی از دنیای بیرونی که انسان‌ها ساکن می‌شدن شاهد انقراض‌های بزرگ بود.


می‌بینی، آدامسکی، هر طوری که نگاه می‌کنی بهش، انسان‌های خردمند گناهکارن—بی چون و چرا!


برای مثال نیوزلند رو بگیریم. بزرگ‌زیاگان اون‌جا ۵۰،۰۰۰ سال پیش آب‌وهوایی رو تحمل کردن که بهش «تغییرات آب‌هوایی فاجعه‌بار» گفته میشه اون هم بدون برداشتن خراشی، ولی بلافاصله بعد از پا گذاشتن اولین انسان به جزایر، از ضربات ویرانگری رنج بردن.


مائوری‌ها، اولین انسان‌های خردمند استعمارگر نیوزلند، حدود ۸۰۰ سال پیش به جزایر رسیدن و ظرف مدت دو قرن، اکثر بزرگ‌زیاگان محلی منقرض شدن.


...در کنار ٪۶۰ از گونه‌های پرنده‌ی جزایر.
Dynamic_M1nd










Dynamic_Mind

این رو چی میگی، آدامسکی؟؟ اگر انقراض استرالیا یک تصادف جدا بوده، شاید بتونیم راجع‌به موکل‌هات بنا رو به صداقت بذاریم.

اما هرجا رو که نگاه می‌کنی، همین داستانه.

گوش کن، کارآگاه لوپز، هیچ کدام از این‌ها به اندازه‌ی کافی قطعی نیست که بخواین موکل‌هام رو زندانی نگه دارین. خودتم می‌دونی. بی‌خیال، بذار بیان بیرون...

راه نداره، یکم بیشتر از این هم می‌تونم نگهشون دارم.

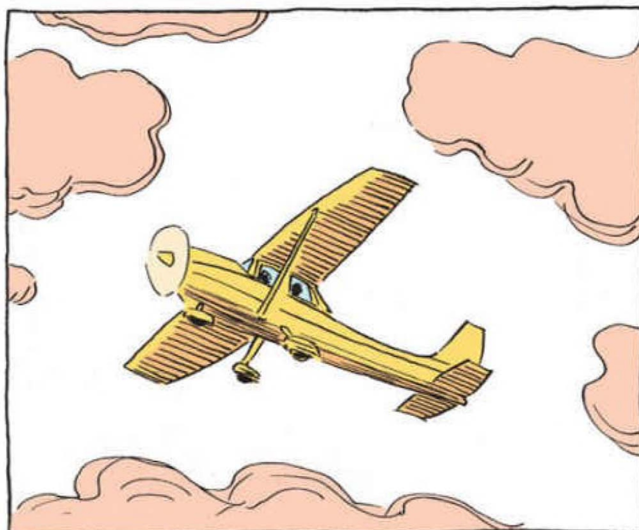
ولی باهام بیا، بیا بریم خودمون ببینیم.

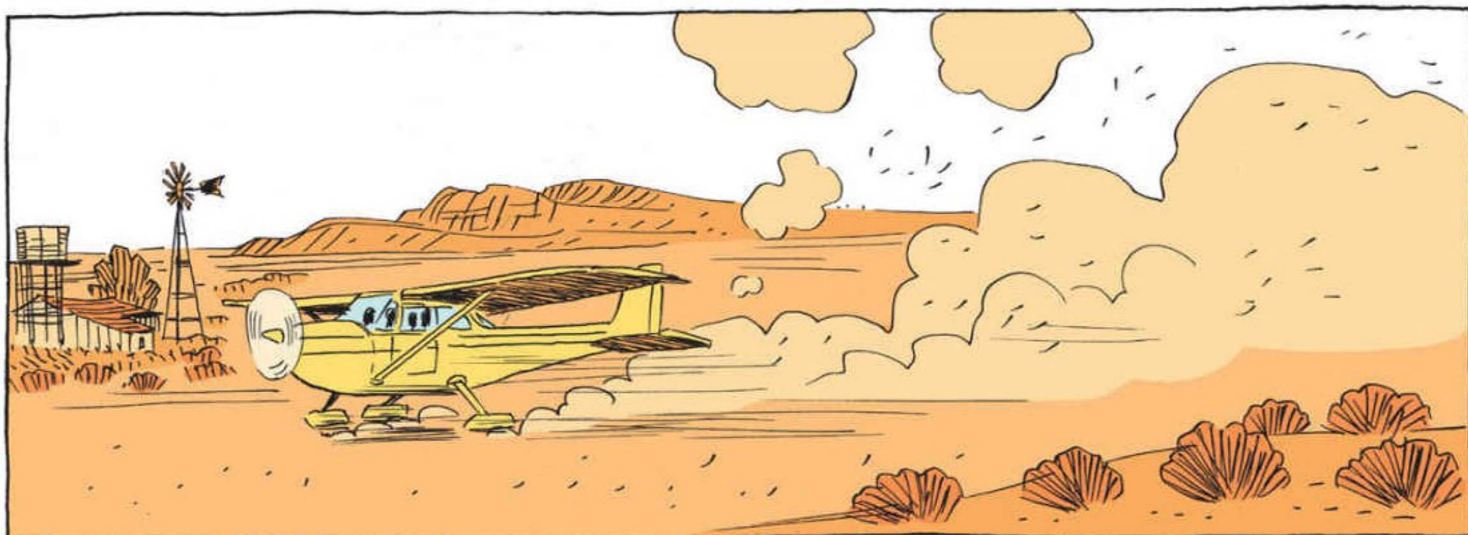
می‌خوای کجا ببری من رو؟

به صحنه‌ی جرم، آدامسکی!

Dynamic_M1nd







چرا برای آسیب زدن به استرالیا به موکل‌های من مشکوکی؟ از نظر من که همه‌چی خوبه. یک نگاه کن به این منظره!

Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd











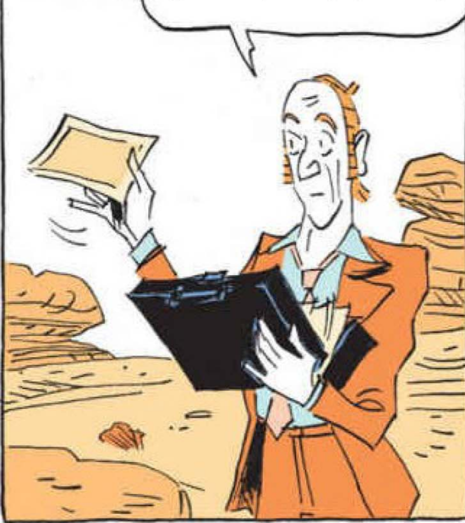


Dynamic M1nd





Dynamic_M1nd












من قانع نشدم. هنوز معتقدم که همه‌ی این‌ها به‌خاطر تغییرات آب‌وهوا بوده.
ادعاش کاملاً هم غلط نیست، می‌دونی. تغییرات آب‌وهوایی که حدود ۵۰٫۰۰۰ سال پیش به استرالیا خورد واقعاً محیط‌زیست رو بی‌ثبات کرد و به ویژه آسیب‌پذیرش کرد!

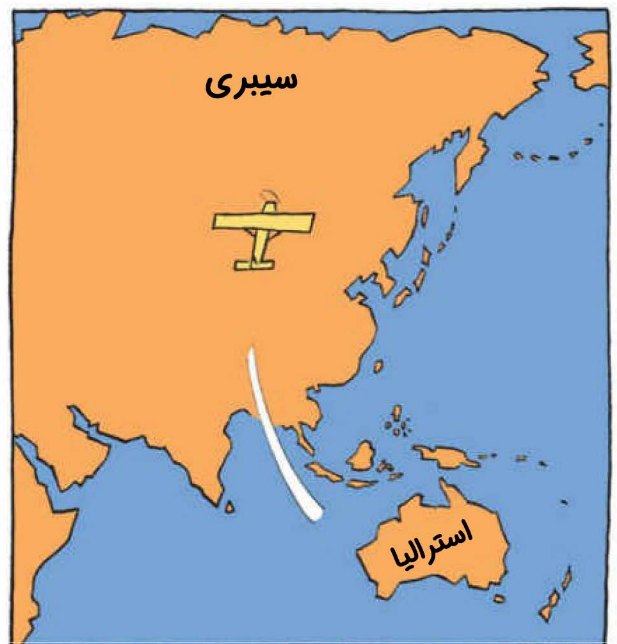

در شرایط محیطی عادی احتمالاً محیط بهبود پیدا می‌کرد؛ چندین بار قبلاً این اتفاق افتاده بود.
ولی گروه انسان خردمند ما موقعی اومد که زمان مهمی بود و محیط‌زیستی رو که متزلزل بود رو هل داد به داخل پرتگاه.


این ترکیب تغییرات آب‌وهوا و شکار انسان مخصوصا به حیوانات بزرگ، خیلی سخت خورد چون از زاویه‌های مختلف بهشون حمله کرد.
بله، سخته که برای چندیدن تهدید همزمان استراتژی بقای مناسبی پیدا کرد که کار کنه...


بدون شواهد بیشتر، سخته که بگیم تغییرات آب‌وهوا و موکل‌های شما رو چه مقدار باید سرزنش کرد.


اما هنوز چندین دلیل داریم که پیشنهاد میده که اگر موکل‌های شما هیچ‌وقت پا به استرالیا نمی‌ذاشتن، استرالیا هنوز می‌تونست شیرهای کیسه‌دار، دیپروتودون‌ها و کانگوروهای غول‌پیکر داشته باشه!


زود باشین، بیاین برگردیم به هواپیما. چند تا صحنه‌ی جرم دیگه داریم برای دیدن.















Dynamic_M1nd











Dynamic_M1nd



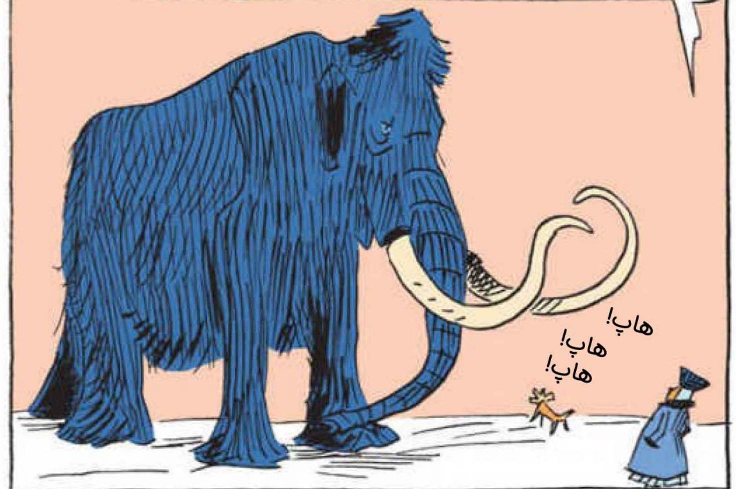
Dynamic_M1nd

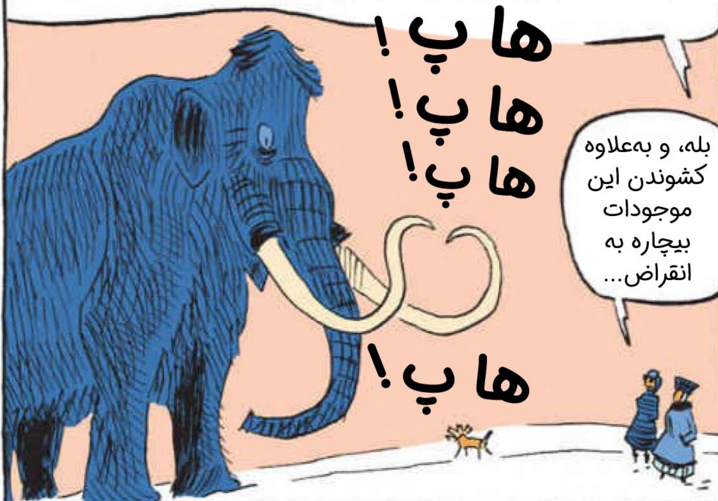














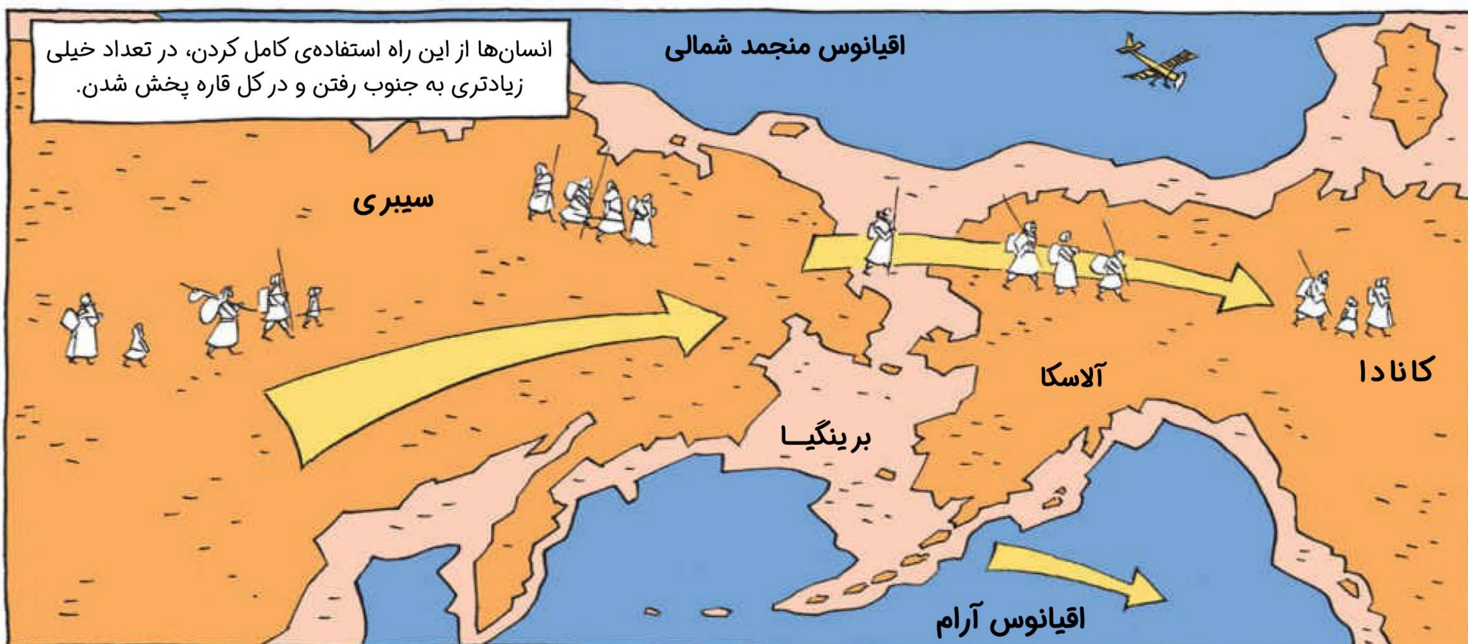


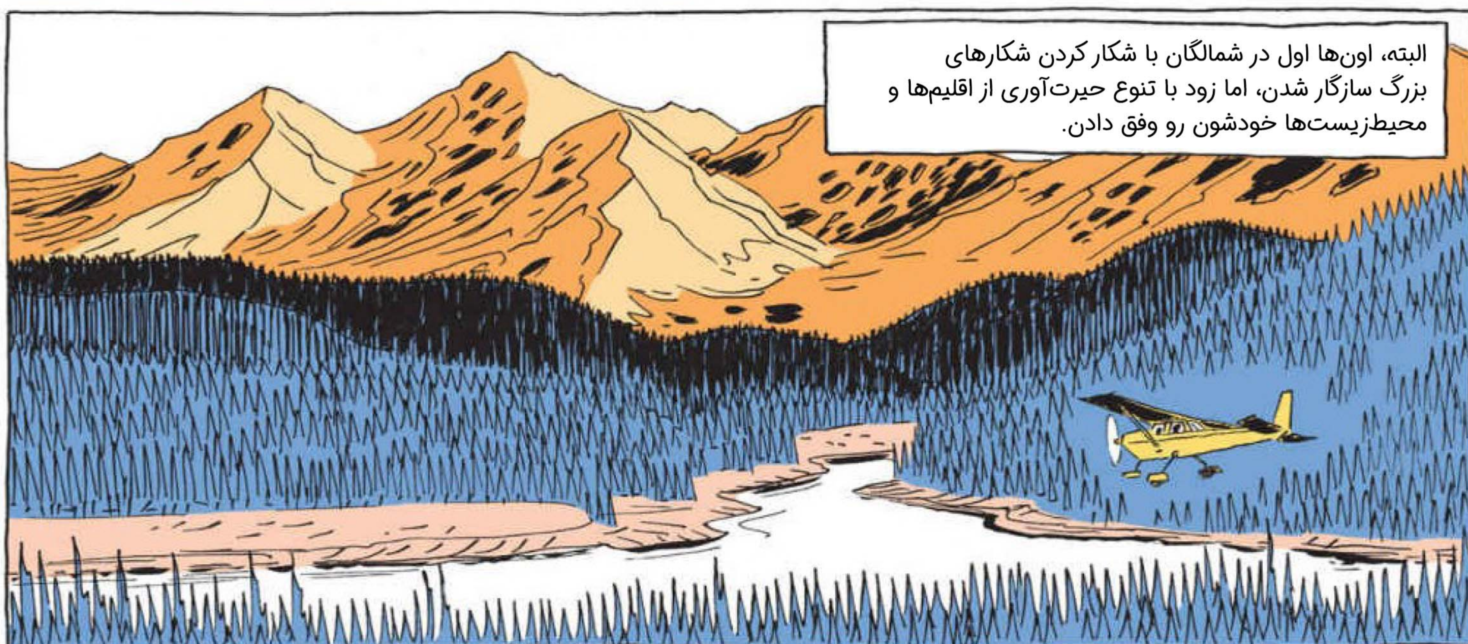




Dynamic_M1nd

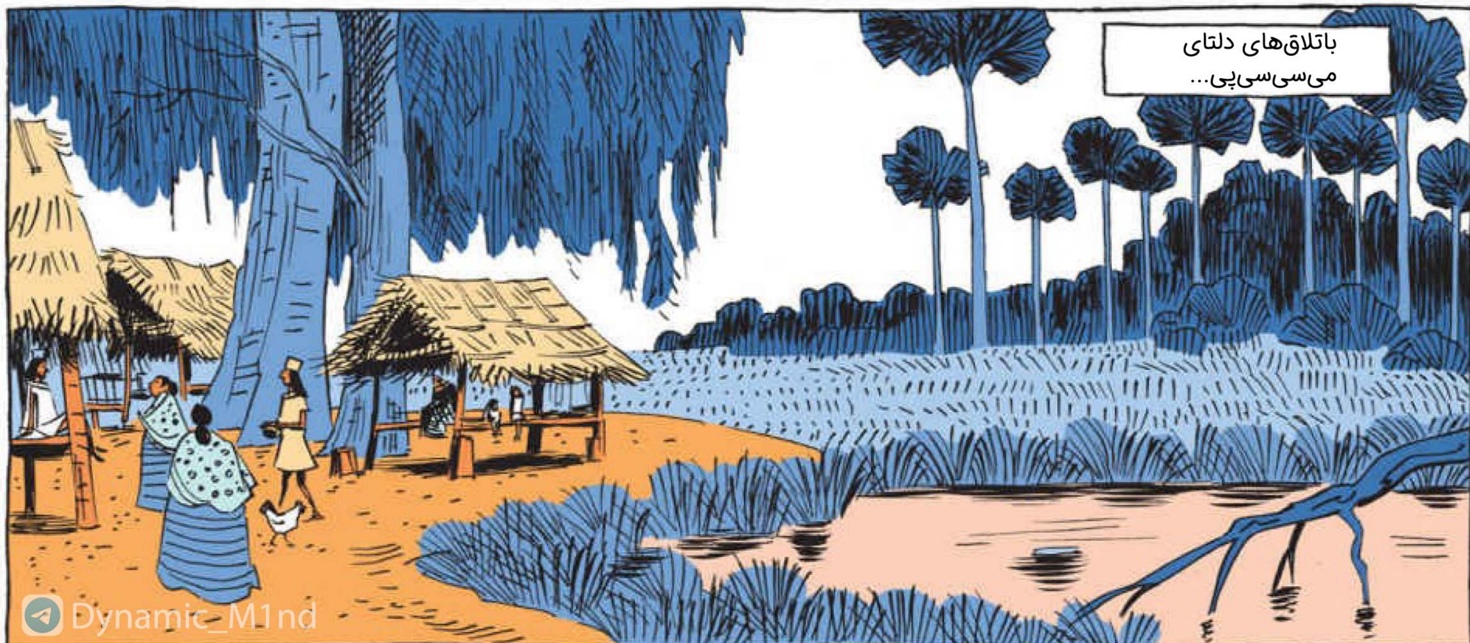


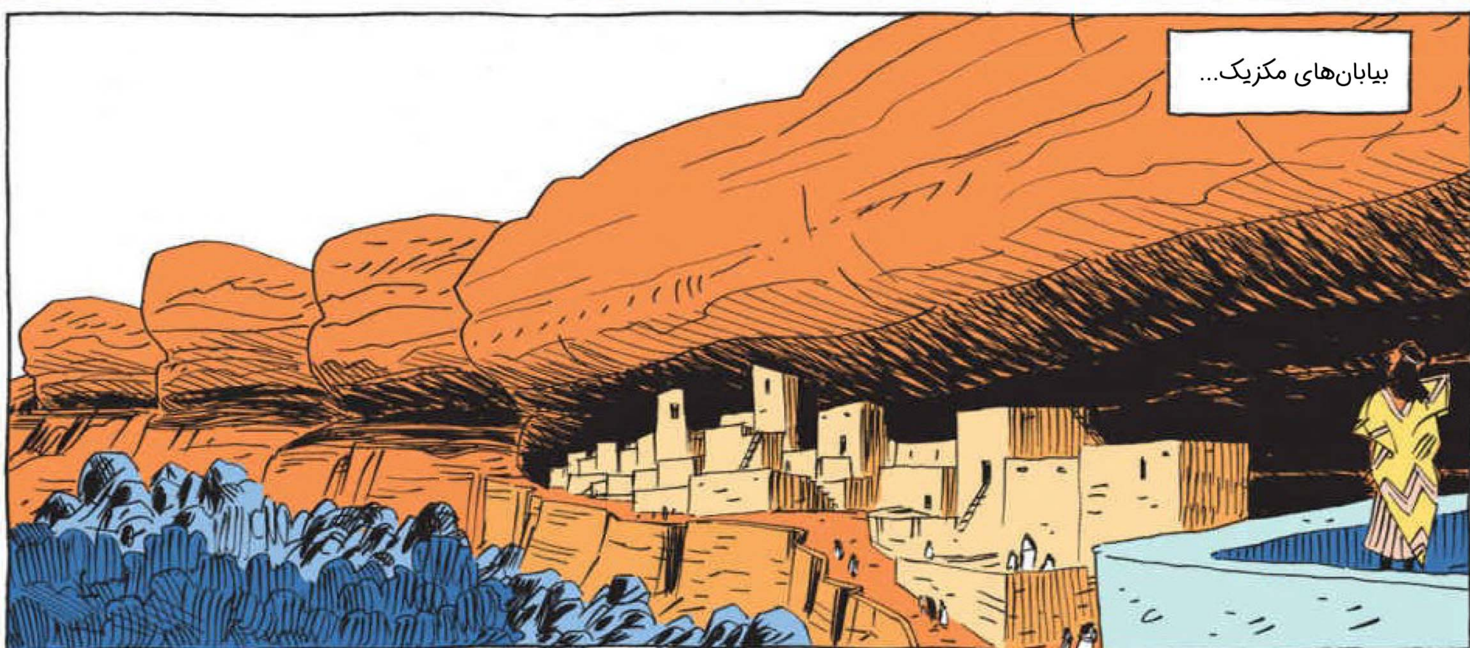






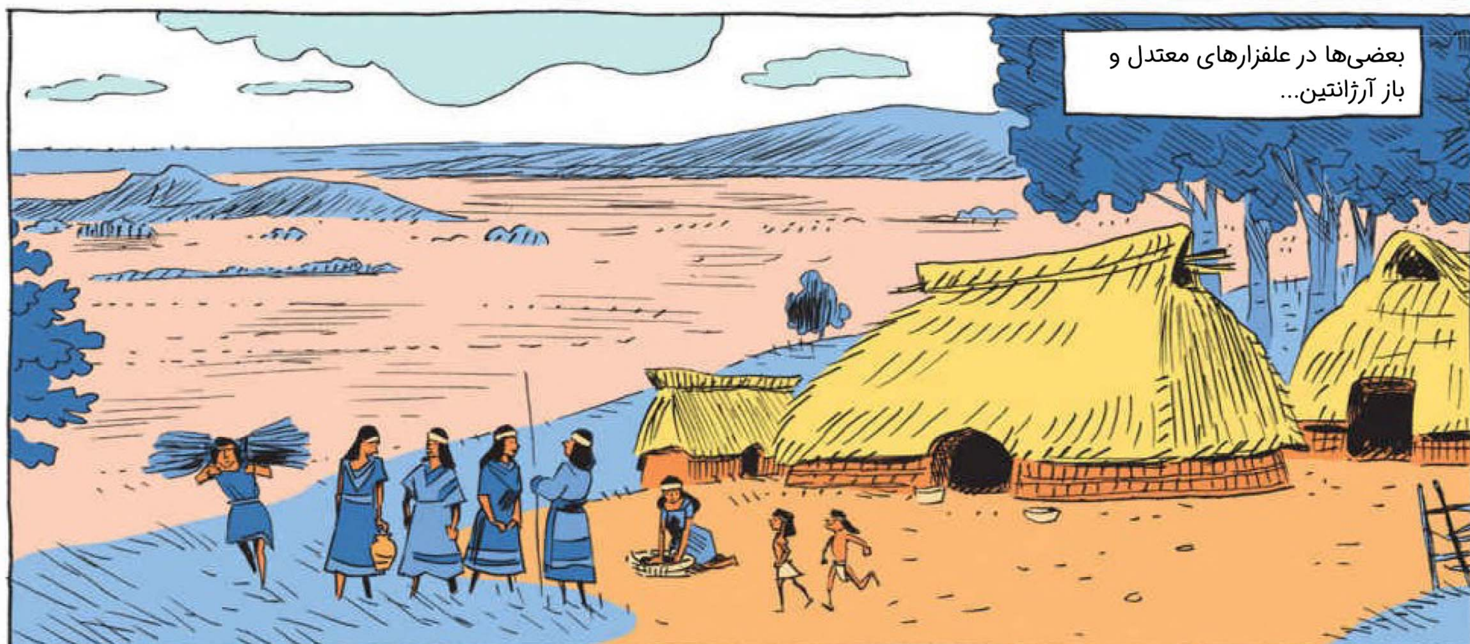
Dynamic_M1nd


باتلاق‌های دلتای
می‌سی‌سی‌پی...
Dynamic_M1nd

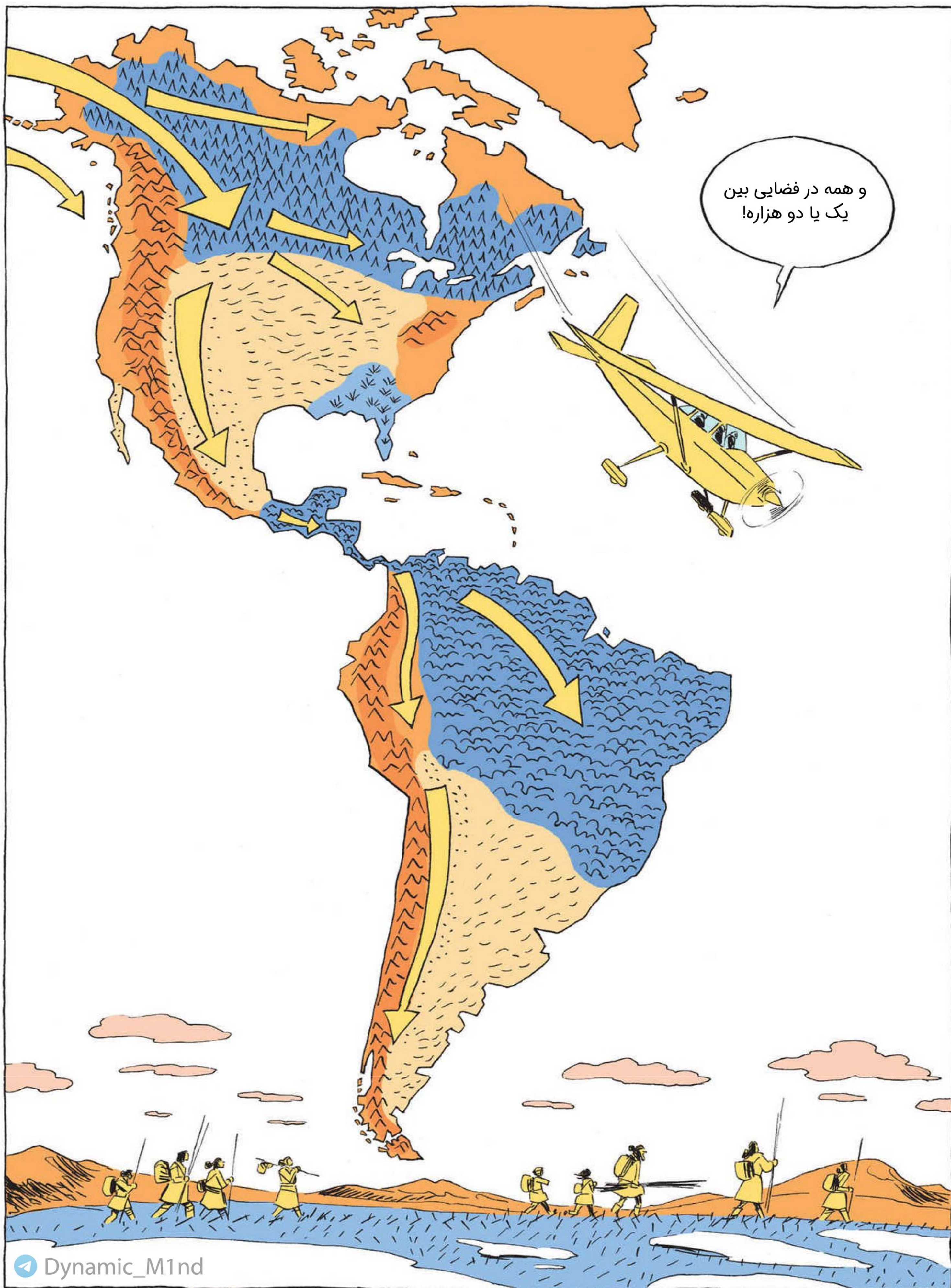

بیابان‌های مکزیک...


و جنگل‌های مرطوب آمریکای
مرکزی شدن...


بعضی‌ها ساکن حوزه‌ی آمازون شدن...
Dynamic_M1nd


بعضی‌ها در علفزارهای معتدل و
باز آرژانتین...

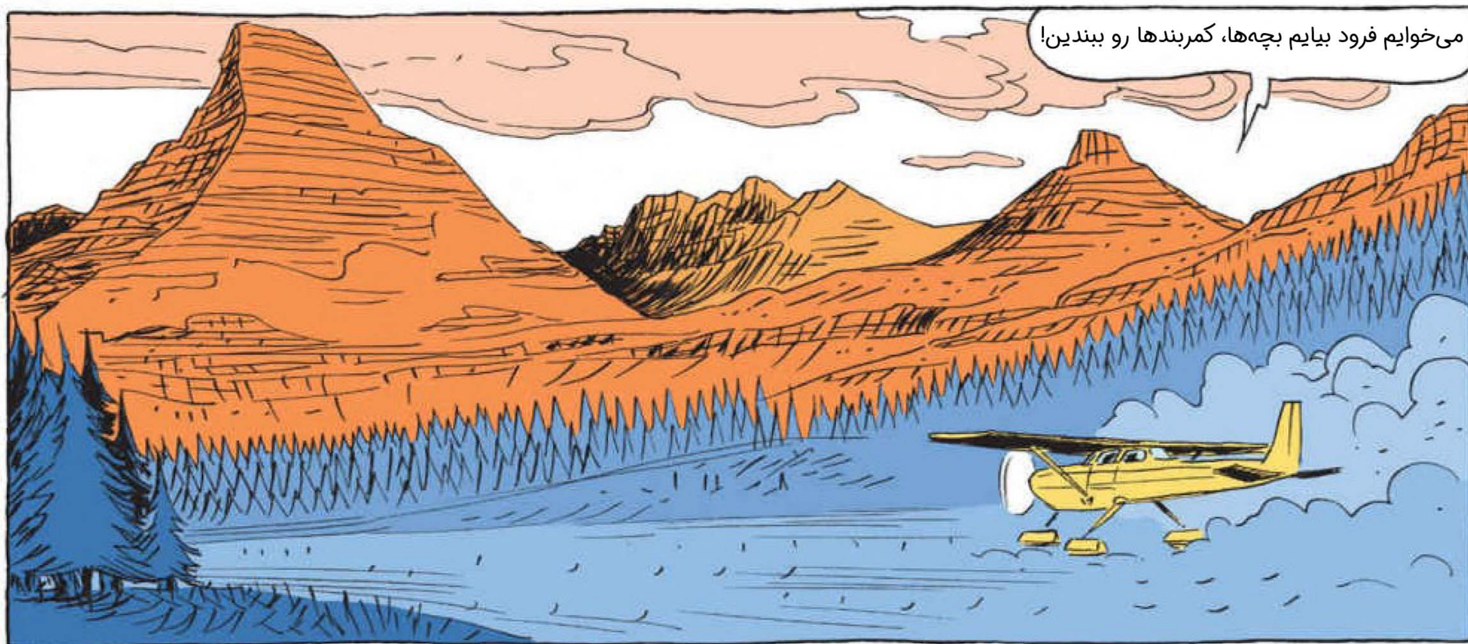

بقیه هم تا پایین به تییرا دل فوئگو...



Dynamic_M1nd


بله، و می‌دونی که این یورش به قاره آمریکا چی رو نشون میده؟ نشون میده که موکل‌هات چقدر مبتکر و وفق‌پذیر هستن!

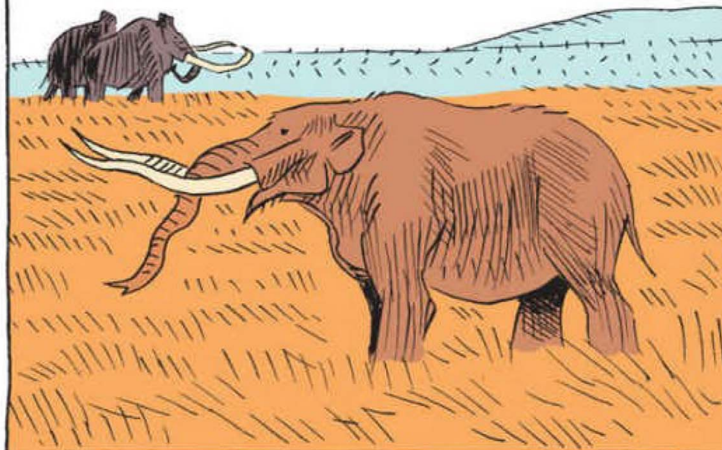

تا حدوداً ۱۲,۰۰۰ سال پیش، انسان‌ها در جنوبی‌ترین نوک آمریکای جنوبی، جزیره‌ی تییرا دل فوئگو ساکن شده بودن.


می‌خوایم فرود بیایم بچه‌ها، کمربندها رو ببندین!


هیچ حیوانی در همچین زیستگاه‌های متنوع و اساساً متفاوتی اینقدر سریع پخش نشده بود-که با همون ژن‌های یکسان موفق به انجامش شدن.
همم، و دنباله‌ی طولانی‌ای از قربانی‌ها رو پشت سرشون...

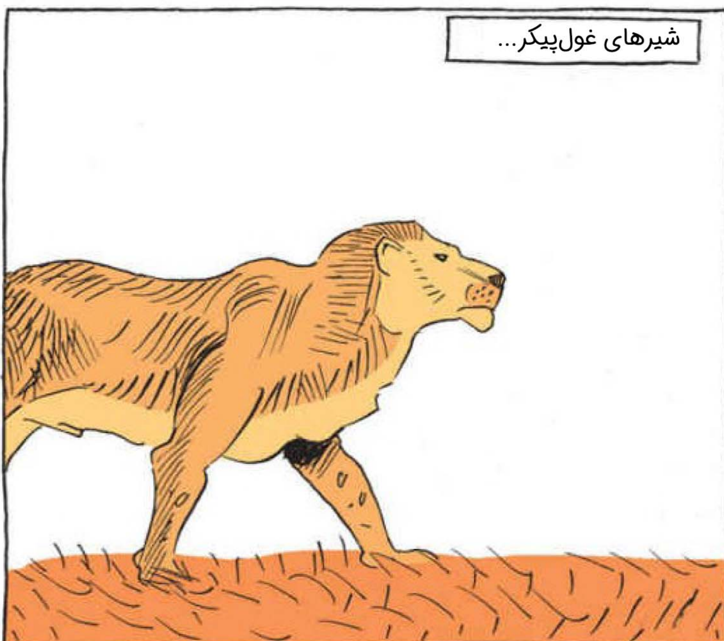

Dynamic_M1nd















Dynamic_M1nd

Dynamic_M1nd







Dynamic_M1nd















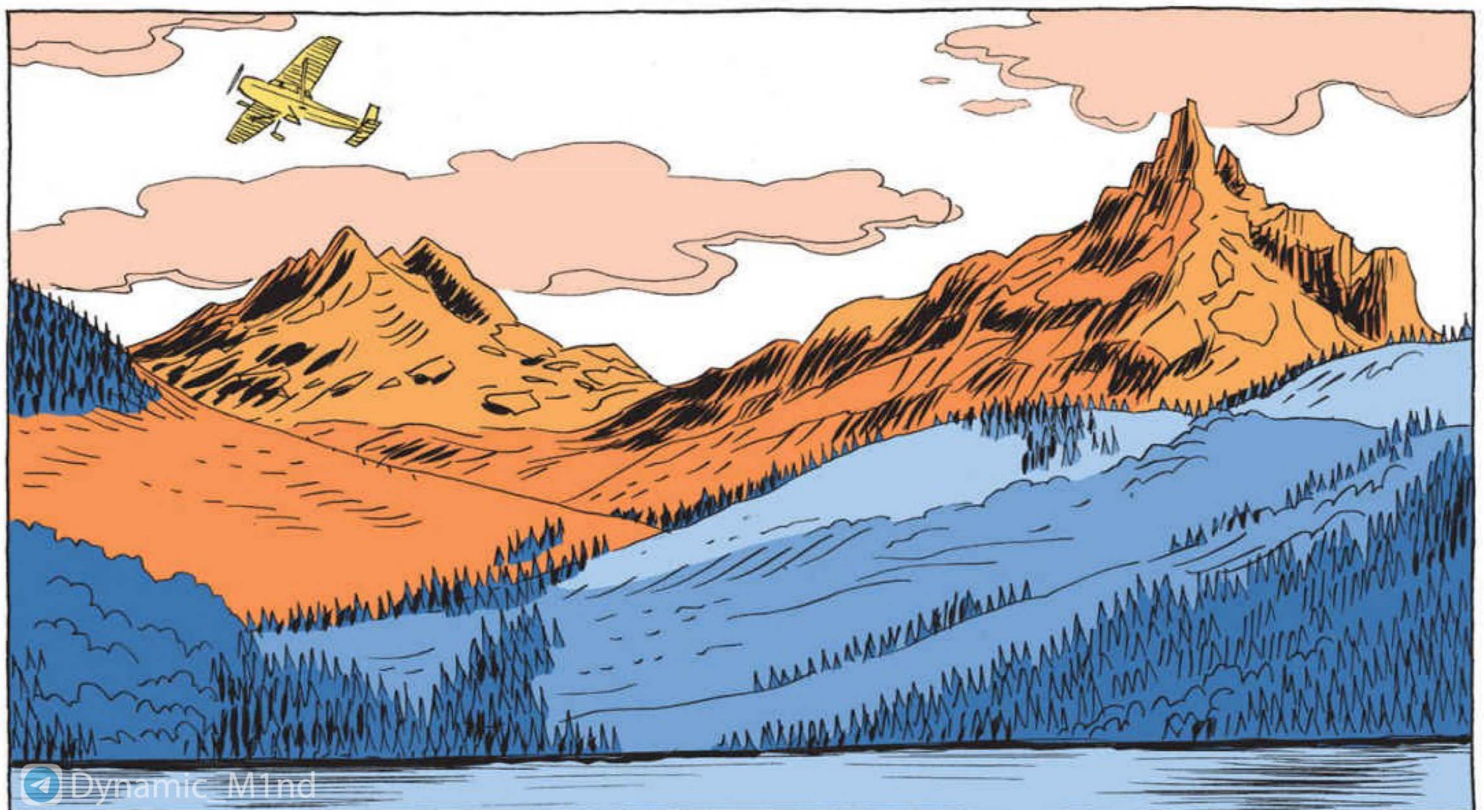

Dynamic_M1nd


با تمام احترام، پروفسور، من فکر نمی‌کنم که دفاع من رو با
همه‌ی این حرف‌های ک... بتونین زیر سوال ببرین...


می‌دونی چیه، آدامسکی، در آمریکا
هیچ‌کس نمی‌تونه از-آه-توپ‌های
سرگین طفره برن!


هیچ راهی برای رد حقیقت نیست. کمک تغییرات
اقلیمی ممکن بوده به موکل‌هات کمک کنه، ولی
سهم اون‌ها در فاجعه‌ی زیست‌محیطی آمریکا
قطعی بوده.


ما همه‌ی شواهدی که
نیاز داشتیم رو داریم.
بیاین انجامش بدیم!


Dynamic_M1nd

نیویورک، سه ماه بعد.

عالیه که اینجایی، زویی، داریم میریم
که شاهد یک رویداد تاریخی باشیم.

Dynamic_M1nd









پرونده‌ی «محیط‌زیست در برابر انسان خردمند» آغاز می‌شود. همه به‌احترام قاضی «گایا» بایستند.

بفرمایید، آقای دادستان.

ممنونم، عالیجناب.

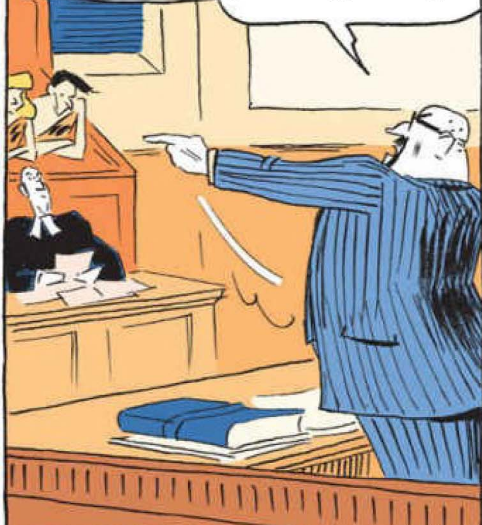
هممم!

اگر ما انقراض‌های گسترده در استرالیا و آمریکا را ترکیب کنیم، و انقراض کوچکتری را اضافه کنیم که با پخش شدن انسان‌های خردمند در آفریقا-آسیا-مثل انقراض همه‌ی گونه‌های دیگه‌ی انسان-در کنار انقراضی که زمانی رخ داد که جستجوگرهای باستانی ساکن جزایر دوری مثل کوبا شدن، نتیجه‌گیری اجتناب‌ناپذیر اینه که اولین موج استعمار انسان خردمند یکی از بزرگترین و سریعترین فجایع زیست‌محیطی‌ای بود که در قلمروی حیوانی روی داد!

Dynamic_M1nd









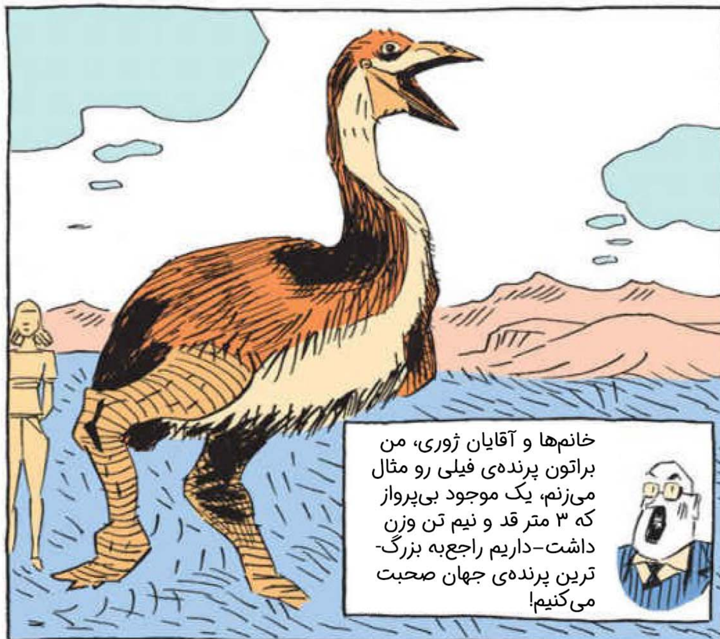






Dynamic_M1nd







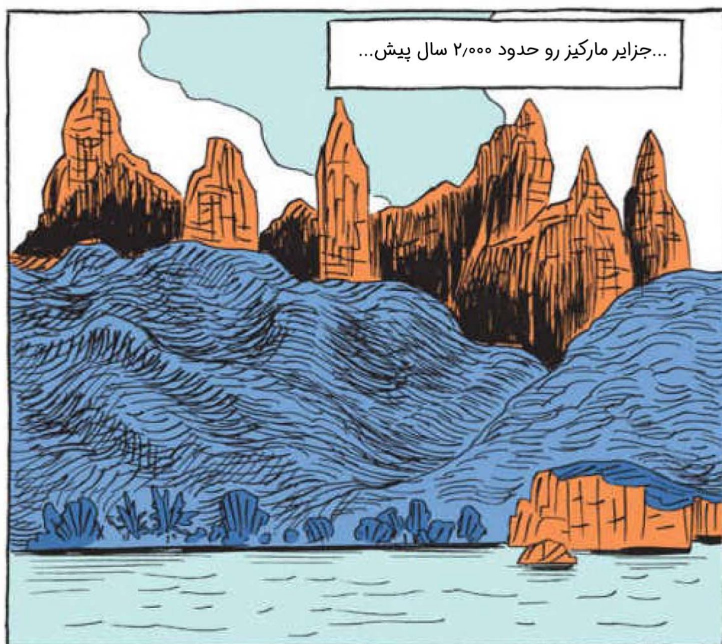


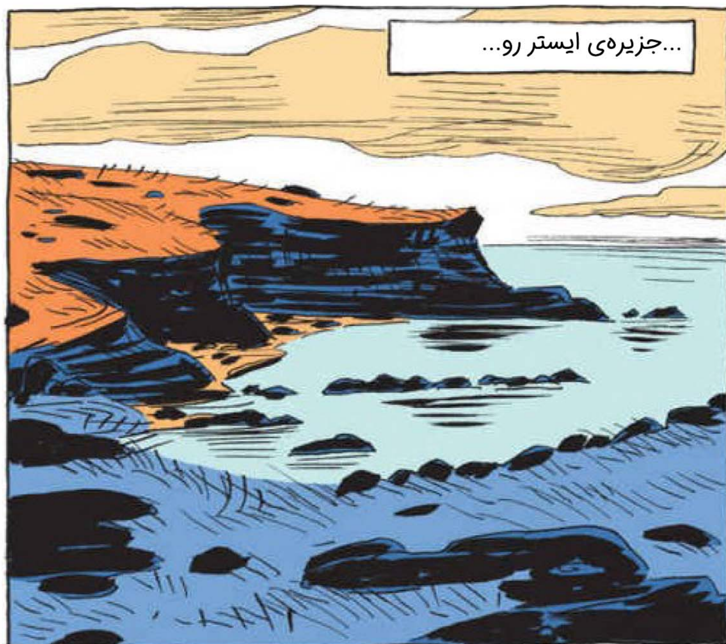


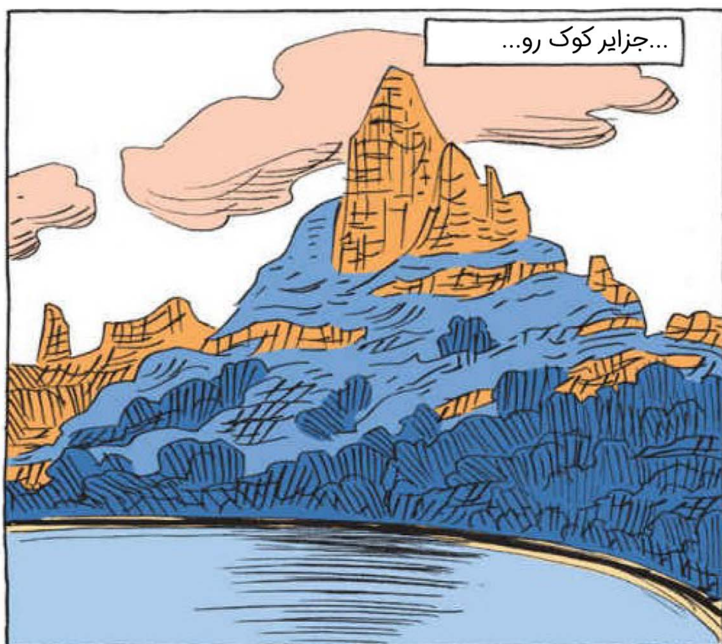


Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd









Dynamic_M1nd













Dynamic_M1nd



















Dynamic_M1nd


اما موکل‌های من
تنها نبودن، می‌دونین.

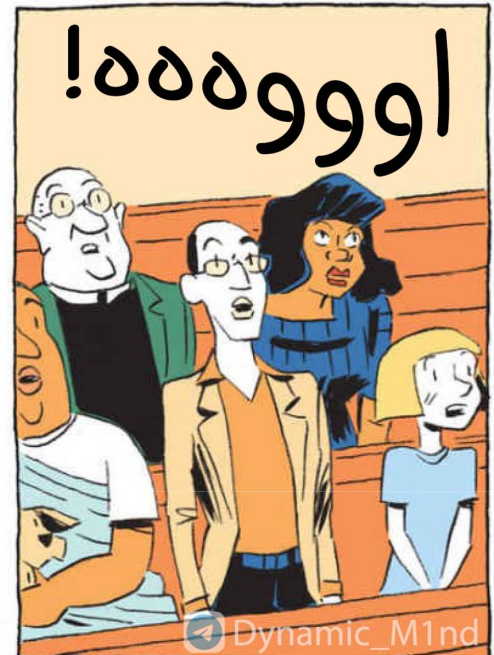

کارآگاه لوپز خیلی وقت پیش گفت که اون
مظنون بوده که موکل‌های من جزئی از یک
گروه بزرگ‌تر بودن که امیدوار بوده بتونه
پیداشون کنه.


خب، اون کاملاً
درست می‌گفته.


در حقیقت، افراد دیگه ای هم در گروه انسان
خردمند بودن که خیلی گناه‌کارتر از موکل‌های
من هستن.


می‌بینین، بعد از اینکه شکارگر-خوراک‌جوها
جرقه‌ی اولین موج انقراض رو زدن و کشاورزها
باعث دومین انقراض شدن، موج سومی هم
بود!


بله، هیچ‌کس این رو نگفته بود تاحالا، ولی
طی عصر صنعتی،کشتار شدیداً ادامه پیدا کرد،
تا همین امروز!


اووووه!
Dynamic_M1nd


اما آدامسکی دیوانه شده!
اون داره موکل‌هاش رو
بیشتر به دردسر میندازه!


سکوت دادگاه رو رعایت کنید!
بنگ! بنگ! بنگ!


اجازه می‌خوام از دادگاه، که
موکل‌هام رو صدا کنم برگردن.
موافقت میشه.
متهمان رو
فرا بخونید!
بنگ!
بنگ!


Dynamic_M1nd


بله خانم‌ها و آقایان ژوری، موکل‌های من عضوی از گروه انسان‌های خردمندن، ولی نیاز هست که یادآوری کنم که انسان‌های خردمند...
همه‌ی ما هستیم!!!
می‌خواستین که بقیه‌ی اعضای گروه رو پیدا کنین... اینجا هستن!


تک‌تک ما که در این دادگاه هستیم
به‌اندازه‌ی موکل‌های من گناه‌کاریم.


ممکنه که یادآوری کنم بهتون که کارآگاه لوپز موکل‌های من رو چند وقتی میشه که به زندان انداخته، ولی این کار جلوی قتل‌ها رو نگرفته.


شما باید فقط یک نگاه بندازید به اقیانوس‌هامون.


برخلاف عموزاده‌های روی خشکیشون، حیوانات دریایی بزرگ از زمان انقلاب شناختی و انقلاب کشاورزی نسبتاً کمتر رنج کشیدن.


ولی خیلی‌هاشون به‌خاطر انقلاب صنعتی و سواستفاده‌ی انسان از منابع اقیانوسی در معرض خطر انقراض هستن! اگر با همین سرعت اتفاقات جلو برن، محتمله که وال‌ها، کوسه‌ها، ماهی تن و دلفین‌ها هم دنبال راه دیپروتون‌ها، تنبل‌های زمینی و ماموت‌ها به سمت فراموشی برن.


از بین موجودات بزرگ جهان، تنها بازمانده‌های این سیل انسانی، خود انسان‌ها خواهند بود و حیوانات مزرعه‌ای، که مثل غلام پاروزن کشتی نوح خدمت می‌کنن!
Dynamic_M1nd


ما از کشنده‌ترین گونه‌ی تاریخ بیولوژی بودن، تمایز مشکوکی داریم!!!
همه‌مون گناه‌کاریم! و وقتشه که بهش پی ببریم...











Dynamic_M1nd

قبل از ادامه دادن، باید اعتراف کنم که من هم عضوی از گروه انسان‌های خردمند هستم...

اووووووههههههه!!!!

سکوت! سکوت، لطفاً!

چون همه‌ی ما در این دادگاه، در گروه انسان‌های خردمند هستیم!

پس این یعنی... همه‌ی ما گناهکاریم؟

بله، دایی یووال، حتی شما.

و ما حتی شاید بیشتر از انسان‌های خردمند باستانی گناهکار باشیم...

همان‌طور که من نمی‌توانم بی‌طرف باشم...

پیسست... اگه یک وکیل خوب خواستی...

Dynamic_M1nd



...به‌همین خاطر من این پرونده رو به دادگاه عالی آیندگان می‌فرستم. همه‌ی ما مسئول هستیم، و همه‌ی ما باید پاسخ‌گوی کردارمان باشیم.

Dynamic_M1nd

Dynamic_M1nd

